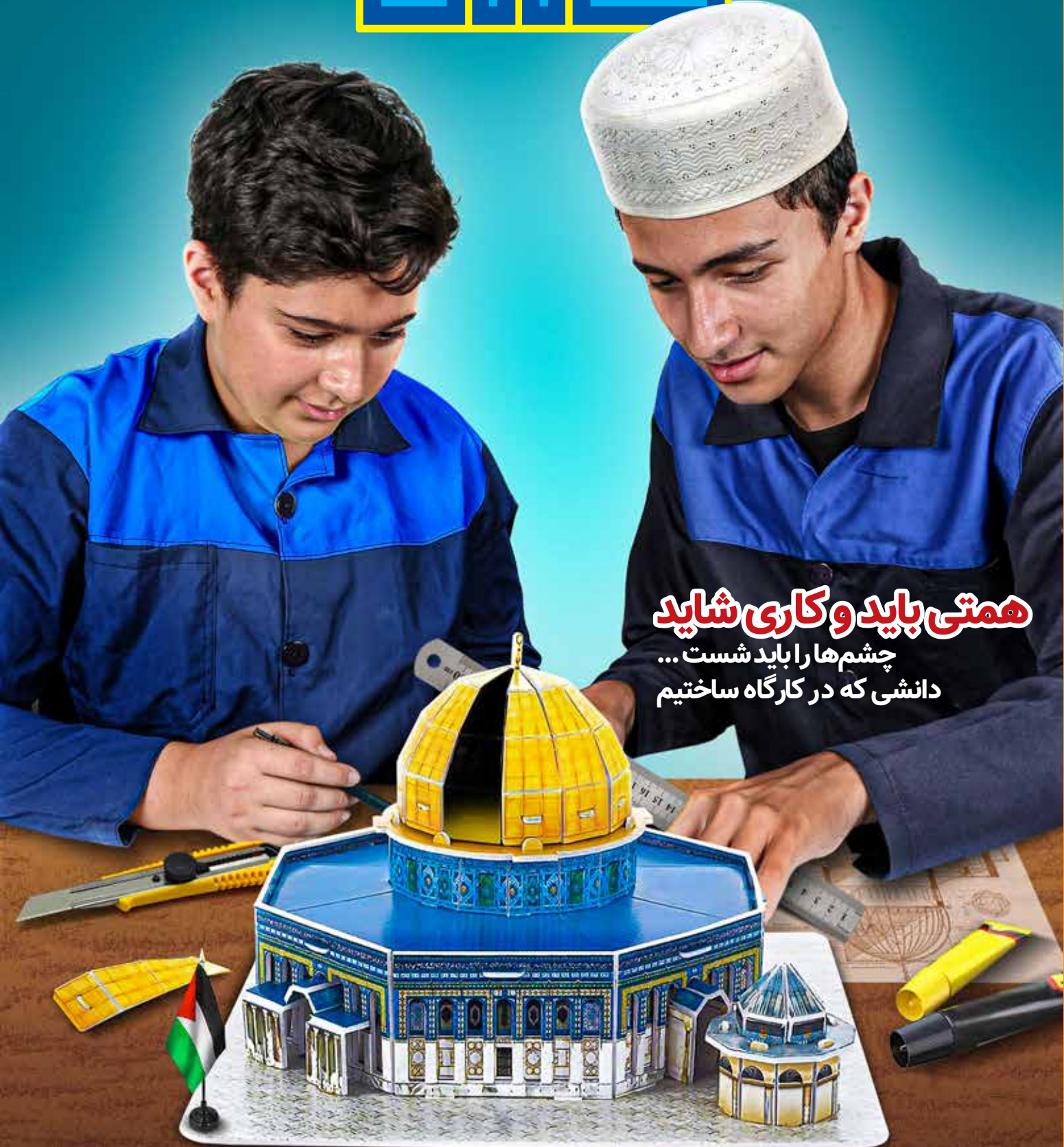




# پژوهش

اجتماعی و فرهنگی

ماهنامه آموزشی و تربیتی برای هنرجویان هنرستان /  
دوره سوم / مهر ۱۴۰۱ / شماره پی‌در پی ۴۸ / IV صفحه



**همتی پاید و کاری شاید**  
چشم‌ها را باید شست ...  
دانشی که در کارگاه ساختیم



نگین کشاورز /



نیلوفر کرمی /



زهرا رضایی /



رضوانه دمرچیلو /

با تشکر از:  
هنرستان حضرت معصومه (س)  
منطقه ۹ تهران  
هنرآموز: ایلا سلامیان



# روشنی

اجتماعی و فرهنگی

ماهنامه آموزشی و تربیتی برای هنرجویان هنرستان  
دوره سوم / مهر ۱۴۰۱ / شماره پی‌در پی ۴۸ / ۱۷ صفحه

نشانی دفتر مجله: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰ / صندوق پستی:  
۱۵۸۷۵/۳۳۳۱ / تلفن دفتر مجله: ۸۸۸۶۷۳۳۱ / شماره: ۱۴۷۸ / ۸۸۳۰  
رایانامه (پستالکترونیک): roshd@roshdmag.ir / roshdehonarju@roshdmag.ir / تلفن امور  
مشترکان: ۰۸-۸۸۸۶۷۳-۳۱۶-۸۸۴۹۰-۲۱

## خانواده

مجلات رشد همه تلاش خود را کرده است تا این مجله در دسترس عموم جامعه تربیتی کشور باشد و همه مخاطبان در میهن عزیز اسلامی‌مان امکان تهیه آن را داشته باشند.

## قیمت:

۷۵۰۰۰ ریال

- ۲ بازیافت و کارآفرینی
- ۴ ماهی دریا
- ۶ صنایع ادبی
- ۸ رادیو آلمان
- ۱۰ آردوینو تحولی در بازار نوین
- ۱۲ قوانین نیوتنی
- ۱۴ تکلیفمان را با خودمان معلوم کنیم
- ۱۶ خنده‌خانه
- ۱۸ تقویم
- ۲۰ حرفه‌ای شو
- ۲۲ ریزه‌کاری تراشکاری
- ۲۴ حل المسائل
- ۲۶ چشم‌ها را باید شست
- ۲۸ دانشی که در کارگاه ساختیم
- ۳۰ بازار در مشت تو
- ۳۲ همتی باید و کاری شاید
- ۳۴ شش دانگ فکرت جمع باشد
- ۳۶ کار غذایی
- ۳۸ رسانه زرد با دنده عقل حرکت کن
- ۴۰ ورزش درمانی
- ۴۲ اخبار گوش کن!
- ۴۴ چرخیدن در مدار مشتری
- ۴۶ هنر نزد ایرانیان است و بس...



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

مدیر مسئول: محمد صالح مدنی

سر دبیر: مهدی عبدالملکی

مدیر داخلی: ربیحه نعمت‌الهی

طراح گرافیک: مجید کاظمی

ویراستار: کبری محمودی

شورای برنامه‌ریزی: اسفندیار چهاربند، عباس بیات، محسن بهرامی، افشار بهمنی، سید

مر تفضی حسینی، مجتبی افچنگی، سجاد دهقان، سیدعلی صالح پور

شورای کارشناسی: جواد عمرانی، احمد رضا بر خور داری، محسن حبیبی، علیرضا یونچی،

مهدی ثبیتی

مدیر هنری: کوروش پارساژاد

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

طرح روی جلد: مر تفضی آذر خیل

## × یادداشت سردبیر ×

# سربالایی ذهنت را قورت بده!

علی هنرجوی پایه دهم رشته تأسیسات مکانیکی بود. از سختی‌هایش در مسیر زندگی می‌گفت؛ از اوضاع خانوادگی و فراز و فرودهای تحصیلی‌اش. برای اینکه به هنرستان بیاید، موانع متعددی را پشت سر گذاشته بود؛ از هدایت تحصیلی گرفته تا موانعی که احتمالاً خیلی از شما هنرجوها نیز با آن‌ها برخورد داشته‌اید.

یک بار که داشتیم با علی صحبت می‌کردم، به او گفتم بگذار حرف آخر را همین ابتدا بزنم. هر چه را که شده است کاری ندارم، به هر دلیلی اینجا هستی، کاری ندارم. می‌خواهم به‌عنوان یک دوست به تو بگویم که جای خیلی خوبی آمده‌ای.

اول باور نمی‌کرد. دوباره شروع کرد به غرزدن‌های همیشگی. سعی کردم وسط حرف‌هایش بیایم. گفتم، هنرستان بهترین جایی است که می‌تواند شما را آماده یک عمر زندگی کند. شما هنرجو هستید و اینجا هنری یاد می‌گیرید که زندگی خودتان و خانواده‌تان را به خوبی بسازد. هنرجوها بیشتر از بقیه هم‌سن و سال‌هایشان به زندگی واقعی نزدیک هستند. کافی است خوب نگاه کنی. خودت، جایی که در آن هستی، اهداف زندگی‌ات و بقیه چیزها را خوب ببینی.

غر زدن را همه بلدند. همه آدم‌ها از گذشته و مشکلاتی که در زندگی‌شان پیش آمده‌اند گلایه دارند. اینکه در گذشته و در بند مشکلات بمانید، هنر نیست، هنرجو این‌طور آدمی نیست. هنرجو هنر رشد و پیشرفت کردن را حتی از دل مشکلات هم یاد می‌گیرد.

آن روز کمی آرام شد و رفت. حالا سال دوازدهمی است. می‌گویند، آقا تابستان‌ها می‌روم کنار استادکار و کار تأسیسات انجام می‌دهم. بعد از پایان تحصیلات هنرستان می‌خواهم مغازه خودم را بزنم. حالا به اندازه دو سال تجربه کار هم دارم. قصد داشت کمی تخصصی‌تر کار تأسیسات را هم یاد بگیرد. پرسید چه کار کنم؟ گفتم دوره‌های نرم‌افزار تأسیسات را هم بگذران. برخلاف گذشته، دیگر غر نزد. به سرعت نشانی آموزشگاه را پرسید!

علی سربالایی ذهنی‌اش را قورت داده بود!

× مهدی عبدالملکی ×

لاستیک عنصری کلیدی در هر وسیله نقلیه جاده‌ای مانند دوچرخه، موتور سیکلت، خودروی سواری، اتوبوس و کامیون است. حتی هواپیماهای مسافربری، نظامی و ترابری نیز برای نشست و برخاست در فرودگاه به لاستیک وابسته‌اند. روشن است لاستیک‌های مورد استفاده در هر یک از این وسایل، بعد از مدت زمان مشخصی، فرسایش پیدا می‌کنند و به تعویض و جایگزینی نیاز دارند. اما سؤال این است که با انبوه لاستیک‌های مستهلک که تجزیه آن‌ها هزاران سال طول می‌کشد، چه می‌توان کرد؟ تبدیل لاستیک‌های فرسوده به دانه‌های لاستیک یکی از کاربردهای امروزی و مفید آن است. به این منظور، نخست لاستیک‌های فرسوده را با استفاده از دستگاه‌هایی ویژه و در طول فرایندی به دانه‌های (ریز و درشت) لاستیک تبدیل می‌کنند. متخصصان



و پژوهشگران علوم و صنایع به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از دانه‌های لاستیک، هم از بُعد فنی و هم از لحاظ هزینه‌ای، می‌تواند جایگزینی ارزشمند برای تولید محصولات مورد نظر آن‌ها باشد. به همین دلیل، در ادامه کاربردهایی از دانه‌های لاستیک در عرصه تولید را معرفی می‌کنیم تا چنانچه مخاطبان و هنرجویان مایل هستند در آینده پیش رو در این زمینه صنعتی فعالیت کنند، آشنایی‌های لازم و کافی را با آن داشته باشند.

به احتمال فراوان، شما در زمره افرادی هستید که به ورزش فوتبال علاقه‌مندید. شاید هم تجربه بازی در زمین چمن مصنوعی را دارید. در حین بازی، هنگامی که گل می‌زنید یا توپ فوتبال به زمین چمن مصنوعی برخورد می‌کند، دانه‌های ریز سیاه‌رنگی را مشاهده می‌کنید که از بازیافت لاستیک‌های فرسوده حاصل شده‌اند. وجود این دانه‌های لاستیک در لابه‌لای چمن مصنوعی، از وارد شدن آسیب شدید به بدن در هنگام برخورد با زمین می‌کاهد. بنابراین، دانه‌های لاستیک مورد استفاده در زمین چمن مصنوعی باید اندازه‌های کوچک و یکسان داشته باشند.

# بازیافت

## و کار آفرینی





در پارک، اگر به قسمت بازی کودکان شامل سُرُسره، تاب و الاکلنگ سری بزنید، مشاهده می‌کنید کف پوش این قسمت جنسی متفاوت با سایر قسمت‌های پارک دارد. سایر قسمت‌های پارک ممکن است آسفالت یا سنگ‌فرش شده باشند، اما بخش بازی کودکان با کف‌پوش‌هایی ویژه پوشیده شده‌اند. این کف‌پوش‌ها باعث می‌شوند چنانچه کودکان به هنگام بازی و تفریح زمین بخورند، با کمترین مقدار جراحت یا آسیب مواجه شوند. کف‌پوش‌های مزبور از دانه‌های لاستیک‌های فرسوده و در طول فرایندی ویژه و در اندازه‌های استاندارد تولید و استفاده می‌شوند. در کشورها، شهرداری‌ها، تحت نظارت پلیس راهنمایی و رانندگی، به منظور جلوگیری از سوانح رانندگی ناشی از سرعت بالا، کاهنده‌های سرعت را در کوچه‌ها، خیابان‌ها و جاده‌ها نصب می‌کنند. مواد تشکیل‌دهنده این کاهنده‌ها از دانه‌های لاستیک هستند. دانه‌های لاستیک، طبق فرایندی مخصوص ذوب می‌شوند و سپس در قالب‌های استاندارد ریخته می‌شوند تا به کاهنده‌های سرعت جاده‌ای تبدیل شوند.

مهندسان و متخصصان بتن اخیراً در طول تحقیقات دریافته‌اند، از دانه‌های لاستیک می‌توان برای اصلاح خواص بتن و ساخت بلوک‌ها و قالب‌های بتنی استفاده کرد. یکی از این کاربردها ساخت قطعه‌های بزرگ، ضخیم و مسطح بتنی مانند اسلب و دال است. اسلب‌ها و دال‌های بتنی که معمولاً مربع یا مستطیل شکل هستند، در صنعت ساختمان‌سازی استفاده‌های فراوان دارند. رویکرد تازه کارشناسان و صاحب‌نظران بتن، استفاده از دانه‌های لاستیک به جای دانه‌های شن و ماسه در ساخت اسلب‌ها و دال‌های مورد استفاده در کف و سقف ساختمان است.

ساکنان اطراف مسیر حرکت قطارها همواره از ارتعاشات ناشی از عبور قطارها از روی خطوط راه‌آهن محل زندگی‌شان ناراحت و ناراضی هستند. مهندسان و متخصصان خطوط راه‌آهن اخیراً دریافته‌اند، استفاده از بلوک‌های لاستیکی در زیر خطوط راه‌آهن به هنگام ریل‌گذاری، از شدت این ارتعاشات می‌کاهد. تقریباً بیشتر بلوک‌های تخت و صاف ساخته‌شده به این منظور بر اساس فرایندی خاص از دانه‌های لاستیک ساخته می‌شوند.

وجود ورزش‌ها و مسابقات ورزشی که حیوانات در آن‌ها ایفای نقش می‌کنند، مانند اسب‌دوانی و چوگان باعث شده است که اهمیت نگهداری از آنان بیشتر مورد توجه قرار گیرد. به این منظور، برای کاهش صدمات وارده به اسب‌ها در اسطبل‌های

محل نگهداری آن‌ها، از دیواره‌های منعطف لاستیکی استفاده می‌کنند که با استانداردهای معینی از دانه‌های لاستیک ساخته می‌شوند.

در سالیان اخیر، استفاده از آسفالت لاستیکی در کوچه‌ها، خیابان‌ها و جاده‌ها بر آسفالت معمولی ترجیح پیدا کرده است. دانه‌های لاستیک مورد استفاده در این نوع آسفالت باعث سختی قیر موجود در آن و افزایش ویژگی کششی آسفالت می‌شوند. از سوی دیگر، استفاده از دانه‌های لاستیکی در آسفالت باعث می‌شود شیارزدگی آن کمتر شود و هزینه‌های تعمیر و نگهداری آن نیز کاهش یابد. مقاومت ترمز بیشتر برای وسایل نقلیه جاده‌ای، ایجاد صدای کمتر به هنگام رانندگی در جاده و نیز دید بهتر رانندگان در شب، از اثرات مفید دیگر استفاده از آسفالت لاستیکی هستند.



# ماهی

نابرده رنج گنج میسر نمی شود،  
مزد آن گرفت...

اگر صاحب بزرگ‌ترین «آگهی‌نما» (بیل‌بورد) دنیا بودم و می‌توانستم جایی نصبش کنم که همه دنیا آن را ببینند، روی آن می‌نوشتیم: «گنج واقعی در ذهن توست.» شاید این جمله چندان مهم به نظر نرسد و با خودتان بگویید با گفتن این جمله معمولی، فرصت گفتن حرف‌های مهم‌تر روی «آگهی‌نمایم» را سوزانده‌ام، اما من می‌گویم، تنها گنجی که نمی‌توان آن را دزدید یا نابود کرد، قدرت خلاقیت شماست؛ خلاقیتی که می‌تواند بیشتر از نقشه‌های گنج و صندوقچه‌های طلا که با زلزله، آتش و تغییرات اقتصادی از بین می‌روند، برایتان امکان کسب درآمد همیشگی باشد و شما را به رویاها و جایگاهی که دوست دارید، برساند. قوه خلاقیت هم چیزی نیست که انتسابی و از روز تولد همراهان باشد. توان ایده‌پردازی، در پی دقت و جست‌وجوی خوب در محیط اطراف به دست می‌آید.

اگر تا اینجای متن حس کرده‌اید آنچه می‌گویم ممکن نیست و ایده بدون پول به ثمر نمی‌رسد، باید بگویم من هم با شما موافقم. درست است. ایده‌داشتن بدون پشتوانه مالی قابل اجرا نیست. اما شرکت‌ها، سازمان‌ها و شتاب‌دهنده‌های بسیاری به وجود آمده‌اند تا ایده‌های شما را بشنوند و در صورت تأیید، سرمایه مورد نیازتان را تأمین کنند. یکی از این افراد، **محمدامین صالحی**، جوانی از اهالی هرمزگان است که از قوه خلاقیت و محیط زندگی‌اش کمک گرفت تا به آرزوهایش برسد. دریا و ماهی‌ها

دلیل تأسیس «شرکت نوآفرین» (استارت‌آپ) او شدند. محمدامین دانشجوی رشته عمران بود، اما شما که هنرستانی هستید و انتخاب کرده‌اید بیشتر مهارت‌آموز باشید، به خوبی می‌دانید داشتن «مهارت» برای شروع کار مهم‌تر از صرف دانستن مباحث نظری است. برای همین، محمدامین فارغ از رشته تحصیلی‌اش، در اوایل دهه نود، به کار کردن در فروشگاه‌های برخط مشغول شد که در بندرعباس فعال بود. این تجربه کاری به او کمک کرد با خم و چم کار فروش برخط آشنا شود. اما حالا سؤال اینجاست که چرا محمدامین از بین این همه محصول برای فروش، ماهی و میگو را انتخاب کرد؟

اگر اهل اصفهان، یزد، شیراز یا خلاصه یکی از شهرهایی باشید که دریا ندارند، می‌دانید ماهی، میگو و موجودات دریایی تازه و باکیفیت را به سختی می‌توان پیدا کرد. اما در شهرهای ساحلی این مشکل وجود ندارد و بیشتر وقت‌ها می‌توان از صیادان ماهی تازه خرید. مردم سایر شهرها، زمانی که برای سفر به هرمزگان می‌رفتند، برای خودشان و خانواده و خویشاوندانشان حجم زیادی ماهی و میگو می‌خریدند و با نگهداری نامناسب، آن‌ها را تا مقصد حمل می‌کردند. این کار خطر فاسدشدن ماهی و میگو را در پیش داشت. علاوه بر آن، هر قدر هم که مسافران ماهی و میگو می‌خریدند، این ماهی‌ها تا دفعه بعد که مسافر دوباره به ساحل برود، باقی نمی‌ماند. بنابراین، سوغاتی‌های دریایی در همان یکی دو ماه اول تمام می‌شدند. درک این شرایط باعث شد محمدامین که در بندرعباس فروشنده برخط ماهی و میگو بود، این مشکل را به مسئله تبدیل کند و برای حل آن به دنبال راهکار بگردد.

ایده و راهکار هم به همین راحتی به ذهن آدم نمی‌رسند. باید از فکر افراد، آمارها و امکانات موجود به خوبی مطلع شد و با در نظر گرفتن آن‌ها ایده‌پردازی کرد. محمدامین شروع به تحقیق و مطالعه کرد. پایانه اتوبوس و قطار و فرودگاه بندرعباس بهترین محل‌ها برای مشاهده میدانی بودند. روزانه افراد زیادی چندین کیلو ماهی و میگو را با ماشین‌ها و وسایل حمل و نقل بین شهری، که مخزن مناسبی برای نگهداری گوشت نداشتند، به شهرهای گوناگون ارسال می‌کردند. شما اگر در چنین شرایطی بخواهید راهکاری برای حل مسئله ارائه کنید، چه پیشنهادی می‌دهید؟ محمدامین با دیدن این نحوه حمل محصول، آن هم محصول حساسی که قابلیت فاسدشدن سریعی

دارد، برایش یک سؤال به وجود آمد: «چرا نباید وبگاهی رسمی برای فرستادن محصول به همه جای کشور داشته باشیم تا ماهی و میگوی تازه را در شرایط استاندارد به همه جای ایران بفرستند؟» و چون کس دیگری هنوز به این ایده نرسیده بود، خودش دست به کار شد.



## افتتاح «ماهی دریا»

ساختن وبگاه برای او و دوستانش که خودشان سابقه کار برخط داشتند، چندان سخت نبود. مهرماه سال ۹۵ وبگاه «ماهی دریا» افتتاح شد. اما افتتاح تمام مقصد و قله موفقیت و انتهای آرزوها نبود. تازه کارشان شروع شده بود و هیچ سفارشی نداشتند! اصلاً کسی آن‌ها را نمی‌شناخت. محمدامین و دوستانش، نقل به نقل و تبلیغ شفاهی، کردند. بالاخره پس از مدتی یک نفر از شهر یزد در وبگاهشان سفارش ماهی داد. تبلیغات و گذشت زمان به مرور سفارش‌ها را بیشتر کردند. اما زمانی که پول کافی برای خرید سفارش‌ها و سپس فرستادن آن‌ها نداشته باشیم، افزایش سفارش منجر می‌شود به ناتوانی در مدیریت ارسال و شکست!



# دریا

## بودجه

محمدامین برای حل این مشکل به سراغ پارک علم و فناوری هرزگان رفت و درخواست تأمین سرمایه داد. پارک علم و فناوری هم علاوه بر حمایت مالی، برای آن‌ها محل اسکان در نظر گرفت. همان سال، جشنواره وب و موبایل، شرکت نوآفرین ماهی دریا را برترین فروشگاه تخصصی برخط معرفی کرد. این اتفاق برای شرکت نوپایی (استارت‌آپی) که هنوز یک سالش هم نبود، موفقیت و اعتبار بزرگی محسوب می‌شد. حمل ماهی و میگو، حتی برای فردی اهل شهر ساحلی که راه‌های تازه‌نگهداشتن محصولات را بهتر از بقیه بلد است هم کار آسانی نبود. بسیاری از مغازه‌داران و صیادان ماهی را فریز می‌کردند. فریز شدن هم یعنی ورود رطوبت و آب به درون گوشت و از بین رفتن کیفیت و طعم محصول. اگر تصور می‌کنید اجرای ایده کاری است که یک بار در آغاز کار رخ می‌دهد و دیگر نیازی به هرروز مطالعه و تحقیق ندارید، بهتر است با این چالش شرکت ماهی دریا آشنا شوید: «حالا از کجا شرکت حمل و نقلی پیدا کنیم که محصولات را با یخ خشک و یخ ژله‌ای بسته‌بندی کند!»

## فروش يك روز، مساوی با فروش يك سال

اضافه‌شدن این بودجه به گروه سه نفره آن‌ها که شامل دو بنیان‌گذار و مسئول تأمین ماهی بود، یک همکار جدید را که کارشناس شبکه‌های اجتماعی بود، به گروهشان اضافه کرد. به مرور سفارش‌ها بالاتر رفتند. دیگر کار با چهار نفر راه نمی‌افتاد. چهار عضو جدید هم استخدام کردند. در سال ۹۸ فروش محصولاتشان به طرز چشمگیری بالا رفت و دیگر به خاطر مشکلاتی مثل کمبود بودجه ناچار به توقف شرکت نوآفرین نشدند. پیشرفت آن‌ها همچنان به سرعت ادامه داشت، تا حدی که در یک روز اسفند ماه سال ۹۹، به اندازه تمام سال ۹۸ ثبت سفارش داشتند.

## ویژگی‌های شرکت نوآفرین خوب

در اول این نوشته به شما گفتیم که داشتن ایده خوب خیلی مهم است، اما نکفتیم ایده باید چگونه باشد و اصلاً ایده خوب چیست! اول از هر چیز باید با واقعیت کنار بیاییم. ایده خوب باید «واقع‌گرایانه» باشد. ما به‌عنوان تولیدکننده پوشاک نمی‌توانیم فقط به طرح زیبا فکر کنیم و به آب و هوای محلی که قرار است طرحمان در آن‌جا پوشیده شود، فکر نکنیم. یا برای شهری که حداکثر سرعت مجاز در آن ۲۰۰ کیلومتر است، ماشینی با سرعت ۵۰۰ کیلومتر در ساعت طراحی کنیم! موضوع مهم دیگر این است که ایده نباید آسیب‌زا باشد. ما به هیچ‌وجه نباید ایده‌های طراحی کنیم که به انسان‌ها یا محیط زیست ضرر بزنند. ما نمی‌توانیم و نباید بتوانیم در جنگل ساختمان‌های تفریحی بلند بسازیم و درختان را قطع نکنیم. در کویر توقفگاه (پارکینگ) طبقاتی بسازیم و

## شرکت نوآفرین متوقف شد!

وقتی به این سؤال برخوردند، برای مدتی کار را متوقف کردند تا شرکت حمل و نقلی را که می‌خواستند پیدا کنند. بعد از مدتی جست‌وجو توانستند یک شرکت باربری هواپیمایی را پیدا کنند که محصولات گوشتی را با بسته‌بندی یخ ژله‌ای به مقصد می‌رساند. ماهی دریا از آن موقع به بعد ماهی و میگوهایش را با این روش می‌فرستاد. تا جایی که میزان رضایت مشتریان به ۹۵ درصد افزایش یافت. اما مشکل دیگری به وجود آمد! هزینه این نوع ارسال محصول بسیار بالا بود و برای اینکه سفارش‌های مردم به موقع برسند، بودجه نیاز بود. کمبود بودجه کار شرکت نوآفرین را متوقف کرد.

## پیشرفت در دوره توقف

بعضی آدم‌ها به این جای کار که می‌رسند، ناامید می‌شوند و مسیر جدیدی را در پیش می‌گیرند. نمی‌خواهیم بگوییم همیشه ادامه‌دادن یک مسیر خوب است و رهاکردنش کاری بد، اتفاقاً اگر مطمئن هستید کارتان سودبخش نیست، باید رهاش کنید. اما اگر به نتیجه‌دادن کار امید دارید و از روشن‌بودن ادامه مسیر مطمئن هستید، کوتاه‌نمایی و مشکلاتش را حل کنید. محمدامین و تیمش هم همین کار را پیش گرفتند. در دوره توقف کار شرکت، در زمینه بازاریابی و فروش مطالعه کردند و با اصول به‌روز اقتصاد بازار آشنا شدند. بعد از یک سال توقف، در سال ۱۳۹۷ موفق شدند از پارک علم و فناوری بودجه لازم را دریافت کنند.

کارخانه مواد شیمیایی را لب دریا افتتاح کنیم! حتی در صورتی که احتمال آن برود که ایده ما در آینده خطرناک باشد و به فاجعه‌ای انسانی یا محیط زیستی منجر شود، نباید آن را عملی نکنیم. به‌طور کل، ایده‌پردازی، برخلاف آنکه بعضی افراد آن را آسان می‌پندارند، کاری است جدی و تخصصی. هنگام ایده‌دادن باید همه جوانب را در نظر گرفت. اگر دوست دارید همین حالا یا در آینده شرکت نوآفرین خودتان را کلید بزنید، دغدغه‌هایتان را روی کاغذ بنویسید. به آن‌ها فکر و درباره‌شان تحقیق کنید تا بتوانید شرکت نوآفرین مفیدی با ایده‌ای بی‌رقیب بسازید.



# هفتاد و دو ستاره غریبانه خسته

## معرفی شاعر

علیرضا قزوه یکی از شاعران معاصر کشورمان است که در اول بهمن ۱۳۴۲ در گرمسار به دنیا آمد. دوران

کودکی و تحصیلات را همان جا گذراند و در ۱۳۶۱ دیپلم تجربی گرفت. در سال ۱۳۶۴ وارد دانشگاه حقوق قضایی قم شد و در سال ۱۳۶۹ مدرک کارشناسی همین رشته را گرفت. ایشان تحصیلات خود را در رشته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران ادامه داد و در سال ۱۳۷۶ مدرک کارشناسی ارشد گرفت. در سال ۱۳۹۱ هم از آکادمی علوم روسیه دانشنامه دکترای خود را در رشته «لغت‌شناسی» (فیلولوژی) دریافت کرد.

قزوه اولین قطعه شعر خود را در سال ۱۳۶۰ سرود و در سال ۱۳۶۳ همکاری خود را با مجله امید انقلاب آغاز کرد.

این شاعر کتاب شعری به نام با «کاروان نیزه» دارد که در بیست و چهارمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی، به خاطر این کتاب موفق شد جایزه تشویقی این دوره را بگیرد. این کتاب مجموعه ترکیب‌بند عاشورایی علیرضا قزوه است.

مقدمه کتاب با کاروان نیزه را آقای علی معلم دامغانی، یکی دیگر از شاعران بزرگ معاصر کشورمان، نوشته است و هنر آقای قزوه را در اشعار با مضمون‌های مدح و ادبیات آیینی ستوده‌اند.

عبدالجبار کاکایی، یکی دیگر از شاعران بزرگ معاصر ایران، معتقد است: ترکیب‌بند قزوه یکی از درخشان‌ترین منظومه‌های عاشورایی عصر محسوب می‌شود. زبان سنجیده، تعبیرهای هوشمندانه و فضای نوین تفکر اسلامی و شیعی از امتیازات شعر او هستند. بندهایی از این ترکیب‌بند را در ادامه می‌خوانید:



جوشید خونم از دل و شد دیده باز، تر نشنید کس مصیبت از این جانگداز تر  
صبحی دمید از شب عاصی سیاه تر  
وز بی شبی ز روز قیامت دراز تر  
بر نیزه‌ها تلاوت خورشید، دیدنی است  
قرآن کسی شنیده از این دلنواز تر؟  
قرآن منم چه غم که شود نیزه رحل من  
امشب مرا در اوج بین سرفراز تر  
عشق توأم کشاند بدین جا، نه کوفیان  
من بی‌نیازم از همه، تو بی‌نیاز تر  
قنداق اصغر است مرا تیر آخرین  
در عاشقی نبوده ز من پاکباز تر

با کاروان نیزه شبی را سحر کنید  
باران شوید و با همه تن گریه سر کنید

بعد از شما به سایه ما تیر می‌زدند  
زخم زبان به بغض گلوگیر می‌زدند

می‌آیم از رهی که خطرها در او گم است  
از هفت‌منزلی که سفرها در او گم است  
از لابه‌لای آتش و خون جمع کرده‌ام  
اوراق مقتلی که خبرها در او گم است  
دردی کشیده‌ام که دلم داغدار اوست  
داغی کشیده‌ام که جگرها در او گم است  
با تشنگان چشمه‌احلی من‌العسل  
نوشم ز شربتی که شکرها در او گم است  
این سرخی غروب که هم‌رنگ آتش است  
توفان کربلاست که سرها در او گم است  
یاقوت و دُر صیرفیان را رها کنید  
اشک است جوهری که گهرها در او گم است  
هفتاد و دو ستاره غریبانه سوختند  
این است آن شبی که سحرها در او گم است  
باران نیزه بود و سر شهسوارها  
جز تشنگی نکرد علاج خمارها





## ادبیات دیروز

**ابوالمجد محدود بن آدم سنایی غزنوی**  
معروف به حکیم سنایی (۴۷۳-۵۴۵ قمری)

در سال ۴۶۳ یا ۴۷۳ هجری قمری در غزنین دیده به جهان گشود. در سال ۵۲۵ یا ۵۳۵ هجری قمری در سن ۶۲ سالگی درگذشت. چنانچه از شعر سنایی برمی آید، او به تمام دانش‌های زمان خود آگاهی و آشنایی و در برخی تبحر و استادی داشته است. سنایی از خیل شاعرانی است که در میان آثار او به کرات می‌توان ردپای ارادت این شاعر اهل سنت قرن ششم را به آل‌الله دید و از خواندن آن‌ها لذت برد. این قصیده که از سنایی خواهیم خواند اولین قصیده رضوی در ادبیات فارسی است.

دین را حرمی است در خراسان  
دشوار تو را به محشر آسان  
از معجزهای شرع احمد  
از حجت‌های دین یزدان  
همواره رهش مسیر حاجت  
پیوسته درش مشیر غفران  
چون کعبه پر آدمی ز هر جای  
چون عرش پر از فرشته هزمان  
هم فر فرشته کرده جلوه  
هم روح وصی درو به جولان  
از رفعت او حریم، مشهد  
از هیبت او شریف، بنیان  
از دور شده قرار زیرا  
نزدیک بمانده دیده حیران  
از حرمت زائران راهش  
فردوس فدای هر بیابان  
قرآن نه درو و او اولوالامر  
دعوی نه و با بزرگ برهان  
ایمان نه و رستگار از او خلق  
توبه نه و عذرهای عصیان  
از خاتم انبیا درو تن  
از سید اوصیا درو جان  
آن بقعه شده به پیش فردوس  
آن تر به به روضه کرده رضوان  
از جمله شرط‌های توحید  
از حاصل اصل‌های ایمان  
زین معنی زاد در مدینه  
این دعوی کرده در خراسان  
تضمین کنم اندر این قصیده  
کین بیت فرو گذاشت نتوان  
(ای کین تو کفر و مهتر ایمان)  
پیدا به تو کافر از مسلمان)  
در دامن مهر تو زدم دست  
تا کفر نگیردم گریبان



ما نقش دلپذیر ورق‌های ساده‌ایم  
چون داغ لاله از جگر درد زاده‌ایم

با سینۀ گشاده در آماجگاه خاک  
بی‌اضطراب همچو هدف ایستاده‌ایم

بر دوستان رفته چه افسوس می‌خوریم؟  
با خود اگر قرار اقامت نداده‌ایم

چون غنچه در ریاض جهان، برگ عیش ما  
اوراق هستی‌ای است که بر باد داده‌ایم

ای زلف یار، این همه گردن‌کشی چرا؟  
آخر تو هم فتاده و ما هم فتاده‌ایم

صائب زبان شکوه نداریم همچو خار  
چون غنچه دست بر دل پر خون نهاده‌ایم

صائب تبریزی

دوستانم یک به یک رفتند، تنها مانده‌ام  
باز هم از کاروان کربلا جا مانده‌ام  
درد یعنی یک نفر جامانده باشد از حرم  
مانده‌ام تنهای تنها با دل وامانده‌ام  
اربعینی بودن انگاری نمی‌آید به ما  
باز هم در کار خود، در کار دنیا، مانده‌ام  
غصه من قصه هجر عزیز کربلاست  
آه یوسف، در فراق چون زلیخا مانده‌ام  
در سرم دارم هوایت، گر چه پایم لنگ زد  
مانده‌ام پایت، اگر چه بی سر و پا مانده‌ام  
با خودم گفتم نمی‌مانم، می‌آیم کربلا  
با خودم گفتم نمی‌مانم، که حالا مانده‌ام  
حال یک جامانده را جامانده می‌فهمد فقط  
دوستانم یک به یک رفتند تنها مانده‌ام

حامد فلاحی راد



## رادیو آلمان

کردم و کفش واکس خورده به پا، کلاه پهلوی بر سر نهادم و سوار بر اتومبیل اهدایی خان، راهی آبادی شدم.

ده مونیخ جایی بود که خانش مثل فلان السلطنه و بهمان الدوله بر زیراندازی پشمین لم داده و قلبان چاق می کند و مثل مسیو فلان و مستر بهمان حرفهایی می زند که در حد و قواره خان نیست.

القصة با تیپ و لباسی که عرض شد به سوی مدرسه رفتیم. سر در مدرسه هنوز پر از تزئینات تشریف‌فرمایی جناب فرماندار بود. از سر در گذشتم و با سلام و صلوات دانش‌آموزان موتراشیده که کلاه پهلوی بر سر داشتند، به دفتر رفتم.

**میرزا جهانگیر خان قوام** که مدتی است مدیر مدرسه شده و مورد حمایت خان است، زیرچشمی نگاهی انداخت و سلامی از سر غرور تحویل جنابمان داد. ما که عادت به این قبیل امور داشتیم و رگ خواب ایشان را خوب می‌دانستیم، به مزاح جمله‌ای گفتیم و هم خود خندیدیم و هم ایشان. به رسم همکاری از خاطرات نوروز برای هم گفتیم که چنان کردیم و چنان!

فراش باشی مدرسه که زنگ صبحگاه را می‌نواخت، چکشی سنگین به آهن دم در کوفت و دانش‌آموزان با هیاهوی بسیار و سرعت زیاد به سوی کلاس شتافتند. من هم بی‌معطلی و چای نخورده به سوی کلاس رفتم. همه‌های بود! با آمدن من همه ساکت شدند، جز پسر خان؛ انکار که خاقان چین است و الباقی زیردست او.

به هر ترتیب، با اخم و کمی نصیحت ساکتش کردم و از علت هیاهو پرسیدم. میرزا علی‌اکبرخان، زرنگ‌باشی کلاس، شروع کرد به سخن گفتن و از اخبار رادیو آلمان گفت که در خانه خان شنیده بود. رادیو آلمان این روزها علاوه بر اخبار جنگ و پیشروی ارتش هیتلر، گهگاه اخباری دروغ به جهت خوشایند نیروهای آلمانی ساکن ایران - که تعدادشان هم کم نیست - می‌گوید؛ اخباری که جماعت خواب و بی‌سواد را شیفته خود می‌کند، چه رسد که خان خبر را تأیید و تفسیر کند و استوار رجبی در کافه ده مونیخ از

همین دیروز بود که با خانواده و اهل و عیال باجناب به دشت رفتیم. اسم این روز بخت‌برگشته سیزده‌به‌در است. بختش آنجا برمی‌گردد که سبزه به سبزه گره می‌خورد؛ شاید که بختی باز شود! القصة، سبزه را به در و نحسی‌اش را به سبزه و گیاه آویختیم. با تنی رنجور و خسته از تفریحات بجا در ماشین نشستیم و به خانه بازگشتیم. لولای زنگ‌زده در دوباره صدایی داد که هی! فکری به حال من کنید!

هر کس به کنجی خزید و از خستگی به زیر لحافی رفت. چند روزی است که بانوی مکرمه کرسی اتاق نشیمن را جمع کرده و طاقچه‌های خانه را پر از زیورآلات چشم‌کورکنی چون فانوس و آئینه و شمعدان و تصویرهای درگذشتگان کرده و پشتی‌های دودگرفته را با آب حوض خانه مش فاطمه شسته و به دیوار تکیه داده تا با جهاز برق‌انداخته و بوی بهار نارنج به استقبال خویشان برود؛ مهمانانی که چندی میوه و آجیل و قطاب نوروز پر بخورند و به رسم عادت، از شیرینی و شوری‌شان بگویند. روزها چونان حقوق سر برج به‌تندی خرج این و آن می‌شوند. ریالی از پی ریالی. دوره عباسی و درهم و دینار هم گذشته است! خورشید صبح چهارده از میان درخت‌های حیاط خودنمایی می‌کند. نور صبح چشم‌روشنی است به معلمی که شوق آموختن دوباره دارد.

پس از انجام امور صبحگاهی، با مهر و محبت به دور سفره‌ای نشسته و با اهل و عیال، چنان گرسنگان دیر به غذا رسیده، سفره‌ای پر غذا گرفتیم و خالی تحویل دادیم. بعد از عید بود و خوبیت نداشت با رخت سال کهنه به مدرسه بروم. از درون صندوقچه البسه، رختی نو که اندکی گل و گشاد بود در آوردم و به تن کردم. یقه پیراهن را برق انداختم و با انگشت گرد و خاک کت و شلوار را تکاند؛ میادا که گرد و خاک لباس مایه رنجش مدیر و خان روستا شود. پس از آنکه سبیل خود را به سان **هیتلر** محدود به زیر بینی



داستان صوتی رادیو آلمان



اسم و رسم پهلوان تصویری از او دیده؟! خیلی مشتاقم که قامت رعنا ی چنین سرو دلیری را ببینم و از ذوق اسپند دود کنم! میرزا محمود که پدرش روزگاری کاتب خان بود و بیش از بقیه سری در کتاب و مطالعه داشت و در همه مدت کلاس ساکت بود، گفت، در میان روزنامه‌های پدر می‌گردد و عکسی اگر بود، تقدیم می‌کند. پسر خان که به تیریح قبایش برخورده بود، با لحنی مغرورانه گفت: «همین‌مان کم مانده بود امثال میرزا قلمدان‌ها خبری‌اور شوند.»

میرزا محمود که آدم زیرکی بود اما گزیده سخن می‌گفت، با مقدمه‌چینی، سخنان امثال زرنگ‌باشی و خواجه کریم‌الدین و پسر کربلایی حسین و امین‌السلطان را ساده‌لوحانه خواند و خبر را از اساس دروغ پنداشت. حرف‌هایش به سن و سالش نمی‌خورد، ولی مانند حرف‌های خان ناموزونش نمی‌کرد؛ صحبت‌هایی بودند از سر علم و آگاهی.

زرنگ‌باشی که با حرف‌های میرزا محمود تازه فهمیده بود حال از چه قرار است، با میرزا محمود همراهی کرد و در تأیید حرف‌های او از شاهنامه مثل آورد: رستم که کوه از زمین بلند می‌کرد و دیو بالای سر می‌برد، بازویی چون بقیه پهلوانان داشت و ایمانی راسخ چون کوه.

آن همه هیاهو و آرزو که ابتدای کلاس بود، اکنون به سکوت تبدیل شده بود. گویا بچه‌های ده مونیخ نیستند و قرار نیست زورکی متجدد شوند!...

سکوت کلاس همیشه با صدای معلم می‌شکند، اما این بار رفوزه‌باشی کلاس که هنوز از گیجی در نیامده و دروغ بزرگ رادیو آلمان باورش نشده بود، سؤالی پرسید: «بالاخره اخبار رادیو آلمان را باور کنیم یا نه؟»

صدای خنده بود که از کلاسی دوردست در ده مونیخ به گوش مجری رادیو آلمان می‌رسید ...

حرف‌های خان بگوید.

خلاصه که زرنگ‌باشی با آب و تاب از اخبار می‌گفت؛ اخباری که یک بار در خانه شنیده بود و یک بار در مهمانی خان و از زبان خود خان؛ خبری که این همه دانش‌آموزان را به خود مشغول داشته بود، بدن‌سازی بود آلمانی. به زبان خودمان پهلوانی بود آلمانی. با درستی بازویی به اندازه توپ جنگی که حضرت خان در تفسیرهایشان به توپ‌های «آتریاد همدان» تشبیهش کرده بود. و لابد پهلوانی با این بازو، سری داشت به بزرگی گنبد مسجد شهر.

حال که سر سخن باز شده بود، هر کس سخنی از تفسیر خبر می‌گفت. یکی به بازوی درشت او می‌نازید و یکی چون خواجه کریم‌الدین، رفوزه‌باشی کلاس، از تخیلات خود می‌گفت که پیشروی ارتش آلمان مدیون چنین پهلوانانی است و از ترس فتح ایران به دست چنین غول‌هایی به خود می‌لرزید.

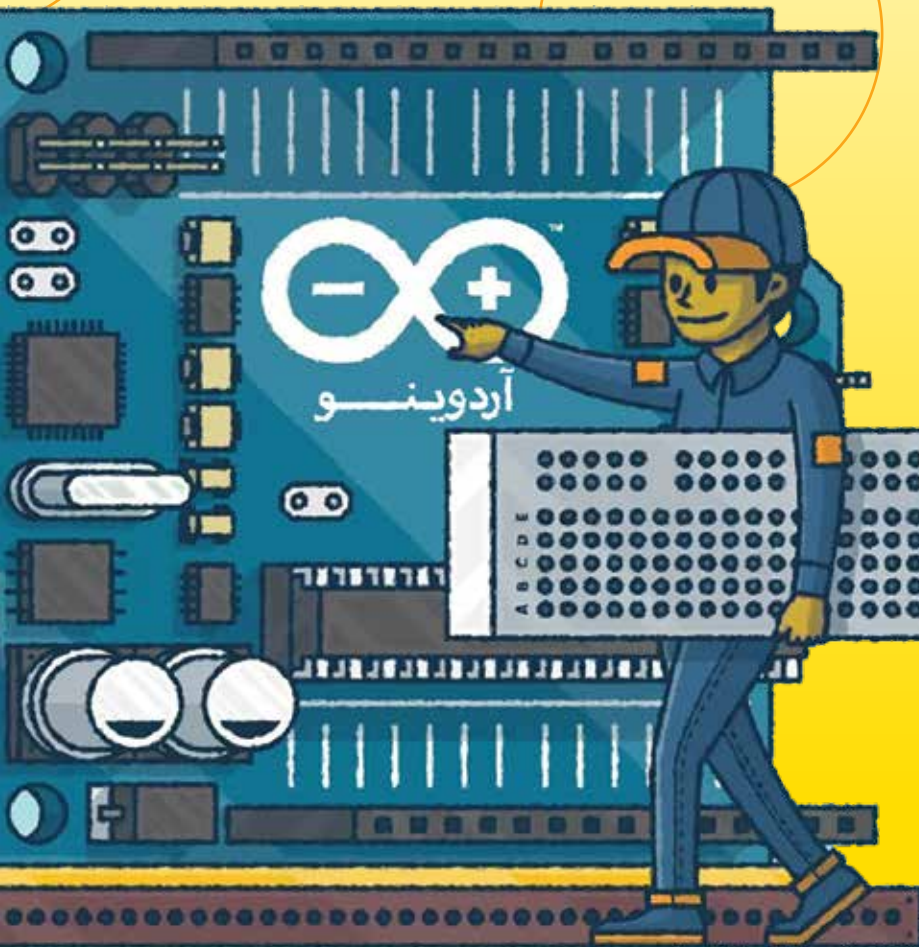
هر کس به قدر دانش و دایره سواد خود حرفی می‌زد و من که از این افسانه‌پردازی شاگردان مهیوت بودم؛ صلاح دیدم که بگذارم هر آنچه در سینه دارم برون ریزم تا بلکه بتوانم بی‌آنکه به کسی برخورد، جوابی بدهم.

امین‌السلطان، پسر حضرت خان، که از سکوت اجباری رنج می‌برد و خشمی فروخته داشت، چند جمله‌ای گفت که هم‌سن و سالان چند لحظه بدو خیره شدند و آرزویش داشت چنان بازویی بود که بتواند حسودان ثروت و قدرت پدرش را به ضربتی از میدان به در کند.

به هر روی، به جای آنکه بود و نبود چنین بازویی را جویا شوند، به قول مولوی «اختلاف کردند در چگونگی و شکل پیل». حرف‌ها که به اتمام رسید، شمرده و بی‌آنکه به کسی بریخورد و بی‌آنکه تخیل نوجوانی حاضران در هم شکنند و گوشه‌گیر شوند، چنان کسی که آهسته می‌رود و می‌آید، لب به سخن جنباندم. گفتم کسی به جز

با استعداد خودت کارآفرین شو

# آردوینو تحولی در بازار نوین



در دنیای امروز که به سرعت شاهد رشد و تکامل فناوری و هوشمندسازی روزافزون کسب و کارهای محیط اطرافمان هستیم، افرادی می‌توانند موفق باشند که با علم روز پیش بروند و آینده شغلی و اقتصادی را به خوبی پیش‌بینی و سهم قابل توجهی از بازار کسب و کار را نصیب خود کنند. از سوپر مارکت تا شرکت‌های بزرگ مهندسی و بازرگانی، از خانه‌های کوچک تا ویلاهای تجملی و گران‌قیمت، همه و همه در حال تحول و پیشرفت برای بهینه‌شدن مصرف و راحتی استفاده کاربران هستند.

هر روز دنیای هوشمند به خوبی در صنایع نفوذ می‌کند و با ورود به بازارهای گوناگون در حال تبدیل شدن به عنصری جدانشدنی از زندگی ماست.

در اینجا این نکته را بررسی می‌کنیم که ما هنرجویان هنرستانی هم می‌توانیم در این نظام نوین مدیریتی نقش مهم و مفیدی داشته باشیم. ممکن است به نظر برسد کار در حوزه هوشمندسازی و ساخت و برنامه‌نویسی شبکه‌های هوشمند از عهده ما خارج است و به فناوری‌های پیچیده‌ای نیاز دارد که باید مهندسان خبره رشته‌های مهندسی هم‌فکری کنند تا بتوانند در این زمینه نظر بدهند و کسب درآمد کنند.

به شما ثابت می‌کنیم این تصور غلط است! شاید اگر پنج سال پیش این حرف را می‌زدیم، درست و منطقی به نظر می‌رسید و احتمالاً هیچ شک و تردیدی هم در این باره نبود! ولی به لطف گسترش دانش و فناوری و آمدن بسته‌های جدید، این زمینه برای کاربردی‌تر کردن دانش و علوم ما ایجاد شده است.

برنامه آردوینو سبکی جدید و نوظهور در دنیای مهندسی برق، رایانه و مکانیک است که همانند پلی برای شکوفایی ظرفیت‌های شما و سبب تحول در کسب و کار و مهارت شما می‌شود!

این طلسم شکسته‌شده باعث می‌شود امروزه هر شخصی با هر زمینه شغلی و با هر سطح اندک از سواد بتواند با مقداری تمرین و یادگیری این بسته، به‌عنوان طراح و کاسب در گسترش آن ایفای نقش کند. آردوینو

بستری جدید و جهانی است که به تازگی و در چندسال اخیر در حال مطرح شدن است و سیستم و کارکرد کلی آن به دو بخش کلی برنامه‌نویسی نرم‌افزار و چینش سخت‌افزار تقسیم می‌شود. با نوشتن دستور کاری دلخواه می‌توانیم محیطی کاملاً هوشمند، متناسب با میل خودمان، طراحی کنیم! مثلاً به این شکل تعریف کنیم که زمانی که ظرفیت آب باغچه پر شد، شیر آب به صورت

خودکار قطع شود! یا مثلاً وقتی شخصی وارد اتاق می‌شود و صاحب منزل حضور ندارد، برنامه هوشمند خانه، از طریق پیامک صاحب منزل را از ورود شخص ناشناس مطلع کند. یا حتی هنگام شب چراغ‌ها و شمارنده (کنتور) های آب، برق و گاز به صورت خودکار روشن و در روز دوباره خاموش شوند!

این موارد تنها چند نمونه ساده از توانایی‌های آردوینو هستند و این بستری روز به روز در حال گسترش و توسعه است. از همین رو توجه خیلی از مهندسان جهان و نظام‌های آموزشی، به ویژه آموزش فنی و حرفه‌ای را، به خود جلب کرده است. هنرجوی هنرستانی عزیز تا اینجا همراه ما بودید؟ حالا ممکن است همچنان شخص متقاضی یادگیری، به واسطه ناآشنایی با ساده بودن و در عین حال کارآمد بودن آردوینو، از ورود به عرصه یادگیری و کسب مهارت این توانایی ناامید باشد یا از خود سؤال کند این همان برنامه‌نویسی نیست؟ برای من که رشته خیاطی می‌خوانم یا دیگری که در رشته خودرو یا کشت گیاهی درس می‌خواند، این فناوری چه کاربردی دارد؟ نحوه استفاده از این فناوری چگونه است؟ در پاسخی کوتاه باید گفت، آردوینو به گونه‌ای طراحی و تدوین شده است که هر شخصی در هر زمینه کاری و سطح سواد، به شروع یادگیری در بازه‌های کوتاه مدت اقدام کند و در مدت زمان محدودی به تسلط کامل در این حوزه برسد.

یعنی از هنرجوی ساده تا خیاط و بقال و کارمند بانک و شخصی که فقط به دنیای فناوری علاقه‌مند است، می‌تواند با هزینه خیلی پایین، یادگیری این فناوری را آغاز کند و اثرات آن را در پیشرفت کار خود ببیند.

تنها لازمه شروع، علاقه به این فناوری و اندکی چاشنی خلاقیت و پشتکار است. ما سعی می‌کنیم این فناوری و کاربرد آن را در رشته‌های تحصیلی و کاری شما به مرور در مجله آموزش دهیم. اگر می‌خواهید تحولی در کسب کار و دانش و مهارت‌های خود ایجاد کنید و مجموعه‌ای از اصول علم روز را به سادگی فرا بگیرید و از آن‌ها برای ایجاد تنوع در آموزش و کسب و کار آینده خودتان استفاده کنید، پیشنهاد می‌کنم مطالب حوزه آردوینو را در قسمت فناوری مجله دنبال کنید!

**این مطلب ادامه دارد.....**



# قوانین نیوتنی

- بچه چقدر توبی‌مسئولیتی!  
یکی از غرهایی که پدر و مادرها روزی چند نوبت سرمان می‌زنند؛ سنجاق می‌شود به بی‌مسئولیتی‌مان! این اتفاق دقیقاً بعد از دیدن اتاق به‌هم‌ریخته‌مان، لیوان‌ها و ظروف تلتیاری شده کنار دستمان یا لباس‌های شوت شده کنار اتاق و... به وقوع می‌پیوندد. بیاییم یک‌بار برای همیشه این ویژگی «مسئولیت‌پذیری» را کالبدشکافی و کشف کنیم که برای به دست آوردن این ویژگی، از قوانین پنجم و ششم نیوتن پیروی کنیم یا حل کردن جمع ساده دو به‌علاوه دو کفایت می‌کند. این کالبدشکافی در شش مرحله انجام می‌شود:

## هدف

اولین مرحله از مسئولیت‌پذیری این است که برای زندگی‌مان هدف داشته باشیم. بیاییم هدفمان را کمی فراتر از فرود صحیح لباس شوت شده به محوطه مدنظر در کنج اتاق قرار دهیم. البته در صورتی که هدفمان تبدیل شدن به یکی از بهترین بسکتبالیست‌های ایران مثل حامد حدادی نباشد! تعیین هدف به افزایش مسئولیت‌پذیری‌مان کمک شایانی می‌کند؛ یعنی بدانیم در مسیر زندگی‌مان می‌خواهیم به چه چیزهایی برسیم و این هدف‌ها را مدام جلوی چشممان داشته باشیم و به آن‌ها مقید باشیم. این اهداف می‌تواند مربوط به آینده دور باشند که به آن‌ها اهداف بلندمدت می‌گویند و یا می‌تواند مربوط به آینده نزدیک باشند که موسوم است به اهداف کوتاه‌مدت. یک هنرجو می‌تواند هم در مسیر تحصیل و مهارت‌آموزی‌اش هدف‌گذاری کند، هم در مسیر یادگیری آداب اجتماعی و هم در مسیر معنوی و یا خیلی ابعاد دیگر.

## پول جیبمان دوام

پولی که به‌عنوان پول توجیبی به ما می‌دهند خیلی زودتر از زمان تعیین شده تمام می‌شود؛ چند بار آن وسط‌ها پول کم می‌آوریم و به سراغ پدر و مادر می‌رویم برای شارژ مجدد پول توی جیبمان؟ به نظر می‌رسد یکی از فرمول‌های مسئولیت‌پذیری این است که نسبت به پول جیبمان هم مسئول باشیم. سخت شد نه؟! کم‌کم وارد قوانین نیوتن شدیم. اینجا باید به خودمان سخت بگیریم. چون چند سال دیگر، کسی نیست وسط ماه جیبمان را پر (شارژ) کند و مجبوریم تا آخر ماه با شپش‌های ته جیبمان یک قل دوقل بازی کنیم.

## در خانه فقط گیرنده ایم؟

از خواب که بیدار می‌شویم تشکمان را خودمان جمع کنیم. پتوی روی تخت را مرتب کنیم. فارغ از دختر یا پسر بودنمان طرف‌های یک وعده غذایی را بشوئیم بعضی وقت‌ها در پخت‌وپز خانه مشارکت کنیم یا در رسیدگی به وسایل خانه پیش‌قدم باشیم و یا... همین کارهای به‌ظاهر ساده باعث می‌شود در خانه فقط خدمات یک‌طرفه دریافت نکنیم؛ یعنی علاوه بر گیرنده‌بودن، فرستنده کمک هم در خانه باشیم.

## بلدیم نه بگوئیم؟

برخی‌ها را دیده‌اید کلاً تنظیمات کارخانه‌شان روی «نه» است! هر چه بگویی و بخواهی مخالفت‌اند. برعکسش را دیده‌اید؟ خب، آن مدل هم هست. نه از این طرف بام بیفتیم نه از آن طرف. گفتن صحیح و به‌جای «نه» و «بله» ما را وسط بام نگه می‌دارد. همین که یاد بگیریم جای درست موافقت و مخالفت کنیم کلی از مسیر مسئولیت‌پذیری را طی کرده‌ایم.

# هشتم نیوتن

۵

## حق خوری ممنوع!

نه حق کسی را بخوریم نه اجازه دهیم حقمان را بخورند. به همین سادگی البته در ظاهرش! حواسمان باشد این به معنای دعوا و درگیری و کارهای این طوری نیست. به این معنی که مراقبت کنیم حق کسی را با کارها و رفتارمان یا قضاوت‌هایمان یا حتی با حرف زدن‌هایمان ضایع نکنیم. این نیاز دارد مدام خود مراقبتی داشته باشیم. و اگر حقمان جایی زیر پا گذاشته شد در چارچوب یک رفتار منطقی و آداب صحیح اجتماعی به دنبال احیای حق خودمان باشیم و پیگیری کنیم. البته اگر این پیگیری را برای احیای حق بقیه مردم هم داشته باشیم که دیگر عالی می‌شود. نباید که فقط خودمان را ببینیم. هر جا ظلمی شد و ظالمی بود برای گرفتن حق آن مظلوم احساس مسئولیت کنیم.

۶

## بی چشم داشت کمک

کمک کردن به دیگران بدون داشتن درخواست و چشم‌داشتی علاوه بر اینکه ما را شبیه مرحوم تختی می‌کند و به مولایمان امام علی (ع) نزدیک‌تر می‌شویم، خودش اصل مسئولیت‌پذیری است. به فرد کم‌بینا و نابینایی کمک کنیم از خیابان با آرامش عبور کند. روی زمین زباله نریزیم تا رفتگری به خاطرمان خم نشود. نمی‌دانم به نظرتان کارهای بالا جزو قوانین نیوتن بودند یا همان جمع ساده دو به علاوه دو؛ ولی علاوه بر اینکه چند سر و گردن از هم‌سن و سال‌هایمان بالاتر می‌رویم، قطعاً کمکمان می‌کنند کمتر از پدر و مادرمان نقد و غر بشنویم.

# تکلیفمان را با خودمان معلوم کنیم!





اینکه ما سحرخیز هستیم یا اینکه ترجیح می‌دهیم لنگ ظهر از خواب بیدار شویم، اینکه برنامه غذایی مشخصی داریم، یا هر چه را دوست داریم بخوریم، اینکه در رابطه با دیگران هر طور که راحتیم رفتار کنیم یا هر طور که صحیح باشد، اینکه برنامه روزانه داشته باشیم یا بی‌برنامه زندگی کنیم، اینکه در زندگی اهداف مشخص بلندمدت و کوتاه‌مدت داریم یا بدون هدف و هر طور که بیشتر خوش گذشت روزگار را بگذرانیم و هزاران مثال شبیه این‌ها، به‌طور مستقیم به روش و نوعی از زندگی برمی‌گردد که ما برای خود انتخاب کرده‌ایم.

شاید در نگاه سطحی اولیه خوشی‌های آشکاری را که سریع به آن‌ها می‌رسیم انتخاب کنیم، ولی تجربه ثابت کرده است، این خوشی‌ها نه تنها دائمی نیستند، بلکه توانایی خشنودی عمیق ما را نیز ندارند. حدیثی از پدر مهربان ما، **حضرت علی (ع)**، هست که ایشان بین دو کار، کار سخت‌تر را انتخاب می‌کردند، زیرا بدون شک کار سخت‌تر رضایت درونی بیشتری را در ما ایجاد می‌کند.

ما در طول روز در زمینه‌های شخصی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی انتخاب‌هایی داریم که روش زندگی‌مان را تشکیل می‌دهند و چون این انتخاب‌ها سرنوشت ما را تعیین خواهند کرد، پس اهمیت سبک زندگی دو چندان خواهد شد.

سبک زندگی اصطلاحی است که با توجه به اهمیت آن، امروزه در جامعه بسیار رایج شده است. شما به هر موضوعی وارد شوید، به ناچار وارد موضوع سبک زندگی خواهید شد. این روزها همه از سبک زندگی صحبت می‌کنند. این اصطلاح در انگلیسی «lifestyle» نامیده می‌شود. سبک زندگی در واقع یعنی شیوه زندگی یک فرد یا یک گروه یا یک جامعه.

سبک زندگی واژه ناشناخته‌ای نیست. راستش را بخواهید، همه ما بارها درباره سبک زندگی‌مان فکر کرده‌ایم. بعضی از ما به نتیجه رسیده‌ایم و راهمان مشخص شده است، ولی بعضی‌های دیگرمان هنوز بلاتکلیفیم. حالا چرا یک عده بهتر به نتیجه رسیده‌اند، چون تکلیفشان را با خودشان و خدای خودشان و اطرافیان‌شان و همه جهان مشخص کرده‌اند.

وقتی در زندگی این دسته عمیق‌تر می‌شویم، متوجه می‌شویم آن‌ها تمام زندگی‌شان را حول یک محور تنظیم کرده‌اند و همان شده است مبنای تمام تصمیم‌گیری‌های کوچک و بزرگشان در زندگی. به این ترتیب تکلیف خودشان را با همه چیز معلوم کرده‌اند. حالا هر چه این محور اصولی‌تر و با دقت بیشتری انتخاب شده باشد، سبک زندگی آن‌ها نیز نسبت به بقیه بهتر است.

پس ما هم اگر می‌خواهیم راهمان مشخص باشد، در گام اول باید یک محور درست و حسابی برای خودمان جور کنیم تا تمام زندگی‌مان را براساس آن تنظیم کنیم. حالا چطور این مبنا را پیدا کنیم؟

مثلاً یک نفر مبنای خودش را کسب پول قرار داده و همه تصمیماتی که می‌گیرد بر اساس رسیدن به پول است. یکی دیگر اساس تمام زندگی‌اش را قدرت‌داشتن قرار داده و همه انتخاب‌هایش در این مسیر است. یکی دیگر لذت‌طلبی را محور زندگی‌اش قرار داده و آن یکی راحت‌طلبی را.

اما عده‌ای هم هستند که محور همه کارهایشان را خدا قرار دادند و تمام زندگی‌شان حول محور خدا می‌چرخد. هر تصمیمی می‌گیرند،

هر چیزی که انتخاب می‌کنند و حتی ریزترین و درشت‌ترین مسائل را بر محور رضایت خدا تنظیم می‌کنند.

نمی‌دانم تا به حال به عمل حاجیان دور خانه خدا دقت کرده‌اید؟ این عمل نمادین شاید در واقع نمایانگر این باشد که حواستان را جمع کنید و خدا را محور همه کارهایتان قرار دهید.

اگر بخواهیم، ما هم می‌توانیم مثل همان عده اندک روابط چهارگانه‌مان را با خودمان، خداوند، مردم و بقیه مخلوقات به راحتی و بر این اساس تنظیم کنیم. با این نگاه، همه چیز رنگ امانت به خود می‌گیرد، چون دیگر ما مالک واقعی چیزی نیستیم تا هر طور دلمان خواست با آن رفتار کنیم، و هر نعمتی داریم، تنها امانتی است که خداوند به ما سپرده است. مثلاً فرق می‌کند که شما مالک خودکارتان باشید یا آن را به امانت گرفته باشید. وقتی احساس مالکیت داریم، خیلی مراقب رفتارمان نیستیم، ولی وقتی حس امانت‌داری داریم، به همه چیز دقت می‌کنیم، چون در برابر آن‌ها مسئول هستیم. در قرآن کریم آمده است: «وقفوه هم اینهم مسئولون» (الصفات، ۲۴): آن‌ها را نگه دارید که باید مورد سؤال واقع شوند.

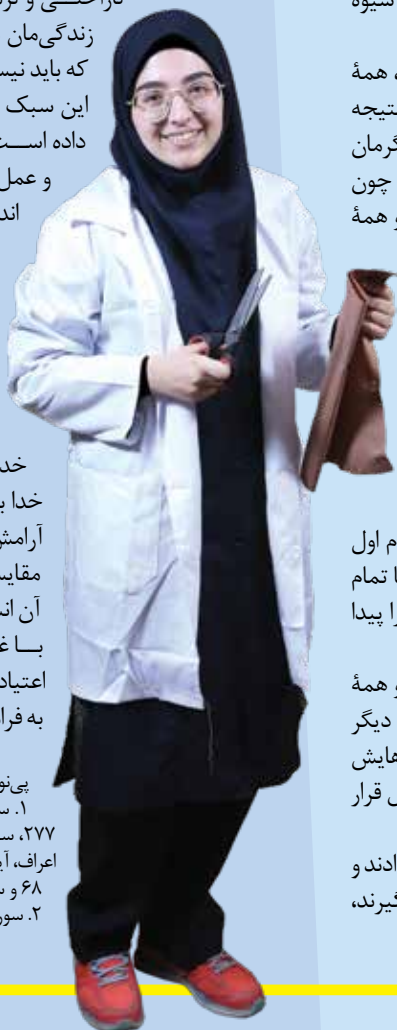
روشن است که این نعمت‌ها نامحدودند و از همین جسمی که خداوند به ما عطا کرده، تا عمری که به ما داده و نعمت سلامتی و هر چیز دیگری، در زمره این امانت‌ها قرار می‌گیرند که قرار است طبق سبک زندگی انتخابی‌مان، از آن‌ها استفاده کنیم و یک روز هم درباره آن‌ها پاسخگو باشیم.

می‌خواهید یک نشانی بدهم که با آن بتوانید روشی را که تا الان با آن زندگی را گذرانده‌اید محک بزنید؟ در سبک زندگی اسلامی ناراحتی و ترس وجود ندارد. پس اگر این موارد را در زندگی‌مان می‌بینیم، یعنی سبک زندگی ما آن چیزی که باید نیست. خداوند در قرآن ۱۴ بار<sup>۱</sup> به کسانی که این سبک را برای زندگی‌شان انتخاب کرده‌اند وعده داده است: «هر کس به خداوند و آخرت ایمان بیاورد و عمل نیکو انجام دهد، پس هیچ ترسی ندارد و اندوهگین نمی‌شود.»<sup>۲</sup>

مگر می‌شود از چیزی ناراحت نشویم یا نگران چیزی نباشیم؟ آری می‌شود. وقتی ایمان قوی آن‌قدر روح تو را تقویت می‌کند که اتفاقات گذشته باعث ناراحتی‌ات نخواهند شد و اتفاقات آینده نیز باعث نگرانی‌ات نمی‌شوند. چون انسان مؤمن خدا را همه‌کاره عالم می‌داند و مطمئن است خدا برای او بد نمی‌خواهد، پس آرام می‌گیرد و با آرامش وظایفش را انجام می‌دهد. حالا این نگاه را مقایسه کنید با سبک زندگی غیراسلامی که در آن انسان به جایی می‌رسد که تنها تلاش می‌کند با غفلت و پناه بردن به قرص‌های آرام‌بخش و اعتیاد و خوشی‌های لحظه‌ای، اندکی غم روزگار را به فراموشی بسپارد.

پی‌نوشت:

۱. سوره مبارکه بقره، آیات: ۳۸، ۶۲، ۱۱۲، ۲۶۲، ۲۷۴، ۲۷۷، سوره آل عمران، آیه: ۶۹، سوره انعام، آیه: ۴۸، سوره اعراف، آیات: ۳۵ و ۴۹، سوره یونس، آیه: ۶۲، سوره زخرف، آیه: ۶۸ و سوره احقاف، آیه: ۱۳
۲. سوره مائده، آیه: ۶۹



## تابستان خود را چگونه گذرانید؟

اندر احوالات تابستان آورده‌اند، ایامی است که انسان برای سرتاسر ۹۰ روز آن یادگیری پنج زبان خارجی، به‌دست‌آوردن ۱۵ مهارت، شروع یادگیری ۲۵ رشته هنری، ۱۲۵ برنامه مفرد تدارک می‌بیند، اما در نهایت با آرزوی سلامتی و بدنی عاری از زخم بستر در اثر نشستن و خوابیدن‌های طولانی، چشمانی بینا در اثر زدن بیش از حد به رایانه و تلویزیون، ستون فقراتی سالم در اثر نشستن‌های طولانی‌مدت و به شیوه حرکت‌های نمایشی برنامه عصر جدید زیر پریز برق و پرکننده باتری (شارژر) متصل به گوشی همراه، چهارگوشه زمین منزل را می‌بوسد و راهی مدرسه می‌شود برای سالی توأم با موفقیت!

از عجایب این ایام، تجدید مداوم انگیزه‌هاست. یعنی اول تابستان با خود می‌گویی بگذار پنج روز استراحت کنم و بعد از آن شروع کنم. روز پانزدهم تعطیلات به خودمان که می‌آییم، می‌گوییم حالا اشکال ندارد. یکی از کلاس‌هایی را که می‌خواستیم نمی‌روم. روز سی‌ونهم می‌گوییم حالا اشکال ندارد، برنامه‌ها را نصف می‌کنم. چیزی را از دست ندادم! در نهایت، در هفته آخر تعطیلات به خودمان می‌گوییم، خب، حالا کاری که نکردم، دست‌کم لذت تعطیلات را این هفته آخر هم حلالش کنم!

به هر حال، ما سال‌ها تابستان خود را به همین شیوه گذرانده‌ایم. هر سال هم انشایش را همین‌طور خوانده‌ایم و نمره خوبی هم گرفته‌ایم؛ آن قدر که معلم می‌خندید.

## ابزار پرنده

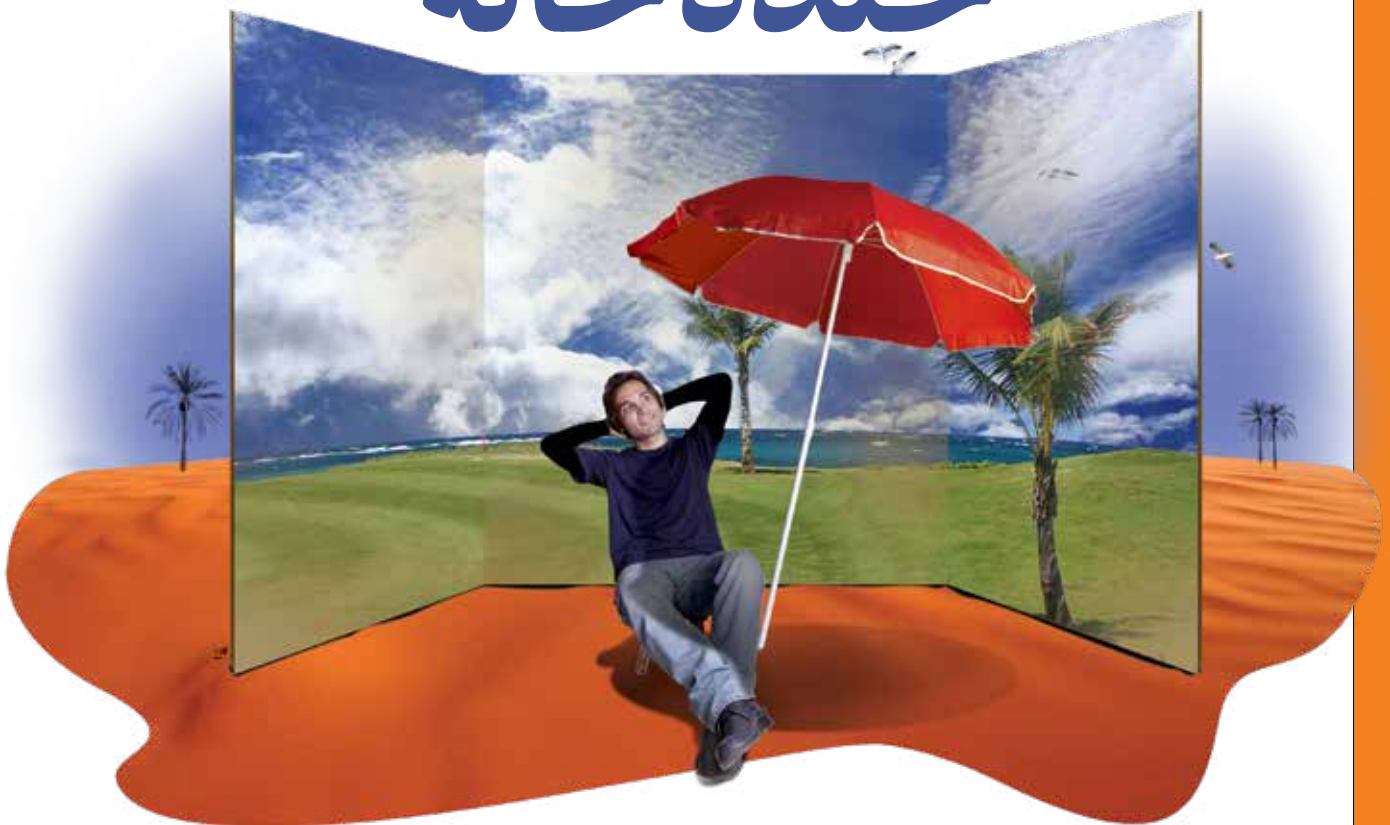
در کلاس الزامات محیط کار بودیم. معلم داشت از ایمنی کار می‌گفت و اینکه باید از کفش و دستکش مناسب استفاده شود. در مواقعی که خطر پرتاب براده یا شیء دیگری هست، باید از عینک مخصوص استفاده شود. شکل درست ایستادن در حین گرفتن ابزارها باید رعایت شود. دقت لازم در حین کار وجود داشته باشد و ... مجتبی گفت، آقا اجازه، اگر براده پرتاب شد، عینک می‌زنیم، اما اگر خود ابزار پرتاب شد چه کار کنیم؟  
- یعنی چه؟

- آقا یک دریل در کارگاه هست که آن قدر لرزش دارد که براده پیشکش، خود دریل هم میل به پرتاب شدن دارد. مورد داشتیم که داشت یکی از بچه‌ها را پرتاب می‌کرد. یک اره دیسکی هم در کارگاه داریم که وقتی آن را روشن می‌کنیم، انگار پره‌های چرخ‌بال (هلیکوپتر) راه افتاده‌اند و به راحتی می‌توان با آن پرواز کرد. معلم گفت بگذارید با مدیر صحبت کنم. کارگاه شما درس الزامات محیط کار نمی‌خواهد، یک تور نجات می‌خواهد که شما و ابزار را با هم بگیریم تا به در و دیوار نخورید! با یک درس با عنوان «شکار حادثه‌دیده در هوا!»

## فضای مجازی

تبلیغات در فضای مجازی به طرز حیرت‌آوری توهین‌آمیز شده است؛ یعنی جوری شده که هم کسی که دارد تبلیغ می‌کند و هم کسی که تبلیغ را می‌خواند، هر دو می‌دانند قضیه چیست.

# خنده‌خانه





که هر کس نمی‌دانست، فکر می‌کرد حق با اوست! یادم هست، از ابتدای سال تحصیلی قبل تا آخر آن ۱۵ بار در مراسم ختم پسرخاله دوستش شرکت کرده بود. برای همین تکلیف را انجام نداده بود!

یک بار سر کلاس معلم داشت از بچه‌ها می‌پرسید می‌خواهید بعد از هنرستان چه کنید، درس دانشگاهی را ادامه می‌دهید یا وارد بازار کار می‌شوید؟

هر کدام از بچه‌ها چیزی می‌گفتند. به این دوست عزیزمان که رسید، گفت: می‌خواهم در دانشگاه ادامه تحصیل بدهم. معلم که شناخت خوبی از او داشت، گفت، چقدر خوب، همین رشته خودت را!! گفت نه. می‌خواهم در آزمون سراسری (کنکور) در رشته هوافضا شرکت کنم. آخر خیلی دوست دارم هوافضا بخوانم و طراح فضاپیما بشوم.

معلم سعی کرد به او گوشزد کند که هدف‌های خیلی خوب است، اما رویاپردازی به‌تنهایی کاری از پیش نمی‌برد. باید اراده داشت و زحمت کشید. باید متمرکز بود و حواس را جمع هدف کرد و از این حرف‌ها، که دوستان گفت: «استاد این‌هایی که می‌گویی خیلی سخت است. حالا همین‌طوری که هستم شاید شد و شاید طراح فضاپیما شدم!»

معلم گفت: «یک جایی مسابقه پرواز حیوانات برگزار می‌شد، دیدند یک آقای افسار خورش را گرفته است و دارد به مسابقه می‌برد. به او گفتند آقا اینجا مسابقه پرواز حیوانات است، اگر می‌خواهی شرکت کنی، لاف‌لاقی یک پرنده با خودت ببر. خر که نمی‌تواند پرواز کند!» آن مرد در پاسخ گفت: «من که پرنده ندارم، حالا همین زبان بسته را می‌برم. خر است دیگر، بکوه دیدی پریدا!

خیلی جدی و بدون شوخی فرض را بر فهم و شعورنداشتن مخاطب گذاشته‌اند و اصرار دارند مخاطب را با گوش‌های مخملی تصور کنند.

مثل همین‌ها که تبلیغ بازارهای مالی و معامله‌گری می‌کنند و الان هم فراوان شده‌اند. یکی نیست بگوید آخر تو که از صبح تا شب در فضای مجازی پرسه می‌زنی و از تمام لحظات زندگی‌ات گزارش زنده منتشر می‌کنی، کی فرصت می‌کنی معامله کنی؟ خودت کی وقت کردی از راه معامله پولدار شوی؟ البته بعضی‌هایشان پولدار هستند، اما نه از طریق بازارهای مالی، بلکه از طریق فروش بسته‌های آموزشی معامله‌گری! همه‌شان هم می‌گویند ما که نیازی به این چیزها نداریم. بار خودمان را بسته‌ایم و فقط برای کمک به هم‌وطنانمان آموزش می‌دهیم. قدیمی‌ها می‌گفتند هیچ گربه‌ای محض رضای خدا موش نمی‌گیرد. آن هم این تعداد گربه! باز اگر یکی دو تا بودند یک حرفی، اما الان از هر سه نفر، چهار نفر نهنگ بازارهای مالی اند!

### شخصیت ضد هنرستانی

سر کلاس که می‌نشستیم، خیلی عجیب به در و دیوار خیره بود. اصلاً انگار در این عالم نبود. معلم که صدایش می‌زد، در نهیب اول، عقل و هوشش سر جایش می‌آمد و می‌گفت هان؟! و معلم دوباره سؤالش را تکرار می‌کرد و او دوباره می‌گفت آهان!

هر بار برای انجام‌دادن تکلیف و درس‌نخواندن بهانه‌ای در آستین داشت. چیزهایی می‌گفت که واقعاً جفت و جور کردنش برای نصف بچه‌های هنرستان قفل بود. غول مرحله آخر بهانه‌آوری محسوب می‌شد بزرگوار! طوری هم این بهانه‌ها را به زبان می‌آورد و عاقل اندر سفیه برای مخاطب جا می‌انداخت

۳۱ شهریور تا ۶ مهر

## هفته دفاع مقدس

ظهر سی و یکم شهریور ۱۳۵۹، نیروهای بعثی عراق به فرماندهی **صدام حسین** به مرزهای هوایی و سپس زمینی کشورمان یورش آوردند. صدام حسین که ادعا می کرد بعد از سه روز تمام مناطق غربی ایران را تصرف می کند و برای تسخیر تهران راهی پایتخت می شود، با ایستادگی جدی ارتش، سپاه و بسیج مردمی ایران روبه رو شد. مردم خرمشهر که در روزهای آغازین هنوز مهمات و سلاح کافی نداشتند، با اتکا بر نیروی ایمان به خدا، راهنمایی گرفتن از دستورات امام خمینی (ره) و روحیه میهن دوستی خود، بیش از سی و پنج روز شهرشان را از سقوط و تسخیر شدن در امان نگه داشتند.

زنان و مردان، پیرها و جوانها، و هر کس با هر آنچه در توان داشت، برای آزادی و سربلندی کشور ایثار کردند و رشادت نشان دادند. پیرزنی که تنها دارایی اش یک انگشتر بود، آن را برای تأمین مخارج جبهه اهدا کرد. خانواده های که تمام پسرانش شهید شدند و دخترشان به عنوان پرستار در بیمارستان های صحرایی مجروحان را درمان می کردند. رزمندگانی که ماهها به مرخصی نمی رفتند و در خط مقدم می ماندند. اینها تنها گوشه های از دلآوری های مردم ایران در راه سرافرازی ایران و حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی بود.

در تقویم رسمی کشور، برای زنده نگه داشتن یاد دفاع مقدس و تشکر از رزمندگان، آزادگان و خانواده معظم شهدا، از سی و یکم شهریور تا ششم مهر به نام هفته دفاع مقدس نام گذاری شده است.

۳ مهر

## شهادت امام رضا (ع)

**امام علی بن موسی جعفر (ع)** روز ۱۱ ذی القعدة ۱۴۸ هجری قمری متولد شدند. دوره کودکی ایشان در شهر مدینه گذشت. ایشان به بزرگی و مهربانی شهرت داشتند و لقبشان «رضا» بود. امام رضا (ع) در سال ۱۸۳ به امامت رسیدند. دوره امامت ایشان در زمان خلافت عباسیان بود. پس از مرگ هارون الرشید و فرزند نخستش امین، مأمون به خلافت رسید. او که برای جلب حمایت شیعیان باید امام رضا (ع) را نزد خود نگه می داشت، با جبر و اجبار، امام (ع) را ولیعهد خود قرار داد و ایشان را بدون رضایتشان از مدینه به خراسان آورد.

سرانجام، مأمون عباسی، امام رضا (ع) را در آخرین روز ماه صفر، با خوراندن انگور زهر آلود به ایشان، به شهادت رساند.

**امام رضا (ع) می فرمایند: «هر کس اندوه مؤمنی را بزدايد، خداوند در روز قیامت غم از دلش می زداید» (الکافی، ج ۲: ۲۰۰).**



روایت زندگی امام رضا (ع)

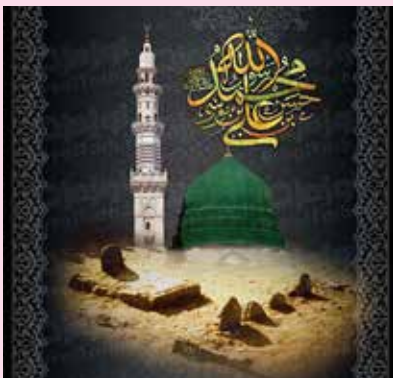
## ادامه راه شهدا

بنا بر این مسیر که به امان راه، به دلوری گذشته است، ما را همت و همتایر و برکت عمل و انکار خدا بپوشان می شود.

—



امام حسن مجتبی (ع) را بشناسیم.



۳ مهر

## رحلت حضرت محمد (ص) و شهادت امام حسن مجتبی (ع)

تاریخ بیست و هشتم صفر برای مسلمانان و شیعیان تاریخ آشنایی است. پیامبر اسلام (ص) در سال عام الفیل متولد شدند. ایشان که در سن کودکی پدر و مادر گران قدر خود را از دست دادند، تحت سرپرستی عمویشان، عبدالمطلب، رشد یافتند و به جوانی و برومندی رسیدند. حضرت محمد (ص) در ۲۵ سالگی با بانوی بزرگوار اسلام، حضرت خدیجه (س)، ازدواج کردند. حاصل این ازدواج، حضرت فاطمه (س) بودند.

حضرت محمد (ص) زمانی که ۶۳ سال داشتند و به تازگی از مراسم حج باز می گشتند، دچار بیماری شدند. ایشان در روز ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری قمری در شهر مدینه به ملکوت اعلی پیوستند.

نوه بزرگوار پیامبر (ص)، امام حسن مجتبی (ع) نیز، دومین امام شیعیان بودند که هم خودشان و هم پدر و مادرشان جزو معصومان بودند. طبق روایاتی که به طور نقل به نقل به ما رسیده اند، امام حسن (ع) از نظر رفتار و خلق و ظاهر شباهت زیادی به پیامبر (ص) داشته است. ایشان به صبر و بردباری معروف بوده است و با دشمنان و اهانت کنندگان نیز برخوردی بزرگوارانه داشته است.

امام حسن (ع) ۲۸ صفر سال ۵۰ هجری قمری با توطئه معاویه و دادن زهر به شهادت رسیده و آرامگاه ایشان در قبرستان بقیع است.

**پیامبر اکرم می فرمایند: «عبادت هفتاد جزء است و بالاترین و بزرگ ترین جزء آن کسب حلال است» (بحار الانوار، ج ۷۴: ۱۴۰).**

## روز بزرگداشت حافظ

خواج‌شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، لسان‌الغیب، بدون شک یکی از بزرگ‌ترین شعرای زبان فارسی است که نمی‌توان آن‌ها را با پیشینیان و شاعران عصرهای بعد، تا به امروز، حتی مقایسه کرد.

حافظ در عصر ایلخانیان می‌زیست. به همین دلیل با شاهان متعصب و ظالم برخورد داشت. همین موضوع، علاوه بر مباحث عرفانی، به اشعار او رنگ و بویی اجتماعی و سیاسی داده است.

لقب حافظ خواج‌شمس‌الدین شد، زیرا او به علوم قرآن تسلط داشت و سوره‌ها را از حفظ می‌خواند و در شعرهایش از اصطلاحات و علوم قرآنی استفاده می‌کرد.

در روز ۲۰ مهر دوستداران حافظ و استادان برجسته ادبیات به آرامگاه او در حافظیه شیراز می‌روند و محفلی برای حافظ‌خوانی و سخنرانی‌هایی در این حوزه برگزار می‌کنند.



سخنرانی رهبر معظم انقلاب درباره امام حسن عسکری (ع)



## شهادت امام حسن عسکری (ع)

امام حسن عسکری (ع) متولد ۸ ربیع‌الثانی سال ۲۳۲ در شهر مدینه، یازدهمین امام شیعیان بودند. ایشان به مدت شش سال راهنما و پیشوای شیعیان بودند. حاکمان بنی‌عباس امام حسن عسکری (ع) را به اقامت اجباری در سامرا واداشتند. این امام بزرگوار بخش زیادی از دوره حیات خود را در زندان و تحت ظلم عباسیان گذراند.

امام حسن عسکری (ع) در ۸ ربیع‌الاول ۲۶۰ قمری در ۲۸ سالگی در شهر سامرا به شهادت رسیدند. حرم ایشان کنار پدر بزرگوار ایشان، امام هادی (ع)، قرار دارد. زیارتگاه این دو امام به «حرم عسکریین» معروف است.

پس از به شهادت رسیدن امام حسن عسکری (ع)، امام محمدبن حسن (ع)، ملقب به امام مهدی (ع)، که در دوره حاضر ایشان را با عنوان امام زمان (ع)، آخرین امام و منجی می‌شناسیم، به امامت رسیدند. امام زمان (ع) که هنگام به امامت رسیدن پنج‌ساله بودند، به خواست خداوند برای اینکه جان‌شان در امان بماند و از ظلم دشمنان مصون باشند، از نظرها غایب شدند. حضرت مهدی (ع) در دوره غیبت صغرا از طریق چهار نایب پیام‌های خود را به شیعیان می‌رساندند. ایشان در سال ۳۲۹ هجری قمری غیبت کبرا را آغاز کردند.

امام زمان (ع) می‌فرمایند: «برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید، زیرا همین دعا کردن، فرج و گشایش شماست» (بحار الانوار، ج ۵۲: ۹۲).

## روز بزرگداشت مولانا

جلال‌الدین محمد بلخی، فرزند بهاء‌الدین ولد، عارف و اندیشمند ایرانی بود. هنگامی که مولانا شش یا هفت سال بیشتر نداشت و مغولان به بلخ حمله کرده بودند، همراه با خانواده از زادگاهش به قونیه سفر کردند و در همان شهر ساکن شدند. مولانا به علت اینکه در خانواده‌ای از صوفیان رشد یافته بود و به واسطه پدر عارفش، از همان کودکی با عارفان بسیاری دیدار کرده بود، در سنین جوانی به جایگاه والایی میان عارفان رسید. مولانا تا پیش از آشنایی با شمس شعر نمی‌سرود و علم خود را در حوزه تصوف را برای شاگردانش تقریر می‌کرد و شاگردان علوم را تحریر می‌کردند. اما بعد از آشنایی با بزرگ‌ترین استاد خود، شمس تبریزی، دچار تغییر حالات و افکار شد و دانش تازه خود در زمینه عرفان را با استفاده از شعر و قالب مثنوی، در دو اثر فارسی به نام‌های «مثنوی معنوی - هفت دفتر» و «دیوان شمس»، که به احترام و یادبود شمس تبریزی نامش را دیوان شمس گذاشت، برجای گذاشت.

روز هشتم مهرماه به مناسبت گرامیداشت مقام والای این شاعر عارف به نام روز بزرگداشت مولوی ثبت شده است.

## روز هم‌بستگی با کودکان و نوجوانان فلسطینی

نهم مهر ۱۳۷۹، تصویر پسرچه‌ای که به‌شدت ترسیده بود و سعی می‌کرد پشت پدر خود پنهان شود، در شبکه‌های تلویزیونی جهان پخش شد. این پسرچه و پدرش ۴۵ دقیقه در معرض حمله اشغالگران صهیونیست بودند. بعد از این یورش ظالمانه، پسر که نامش محمدالدوره بود، به شهادت رسید و پدرش به‌شدت زخمی شد. این فاجعه رذالت و خباثت نیروهای غاصب صهیونیستی و مظلومیت فلسطینیان را بیش از پیش به نمایش گذاشت و احساسات جهانیان را جریحه‌دار کرد. قلب مسلمانان را هم که هم‌دینان خود را در شرایط ظالمانه و غیرانسانی می‌دیدند، به درد آورد. پس از شهادت محمدالدوره، شورای انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی ایران روز نهم مهر را به نام روز هم‌بستگی با کودکان و نوجوانان فلسطینی نام‌گذاری کرد تا نمادی برای صدای مظلومان جهان باشد.



محمد دوره کیست؟

# دردی که می‌کشد

در دنیای کنونی ما و در شرایطی که فناوری لحظه به لحظه در حال گسترش است، نمی‌توان از تأثیر این فناوری‌ها بر تجارت و کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ به‌سادگی عبور کرد. در واقع می‌توان ادعا کرد، این فناوری‌ها هستند که در آینده نزدیک کسب‌وکار موفق را از کسب‌وکار ناموفق جدا می‌کنند. پس برای هر صاحب کسب‌وکار آینده‌ای لازم است این فناوری‌ها را بشناسد تا بتواند به تناسب موقعیت از آن‌ها استفاده کند.

ما در دنیایی پر از اطلاعات زندگی می‌کنیم. وقتی به همه رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و مجازی، اینترنت و همه جاهایی که فضای اینترنت در زندگی ما آن را پر کرده و حضور دارد نگاه کنید، متوجه می‌شوید همه این‌ها در هر لحظه در حال تولید و انتشار اطلاعات هستند. تا به حال فکر کرده‌اید این اطلاعات اصلاً اهمیتی دارند یا نه؟ این حجم اطلاعات به چه درد می‌خورند؟ قابل استفاده‌اند یا همین‌طور رها می‌شوند؟

باید بگوییم، تمام اطلاعات به‌دست آمده ارزش دارند و موقعیتی فوق‌العاده برای یادگیری و تحلیل و بهبود شرایط محسوب می‌شوند. همه اطلاعات به‌دست آمده قابل تحلیل، بررسی و ارزیابی هستند و هیچ شرکت و کسب‌وکار موفقی این گنج را از دست نمی‌دهد و رها نمی‌کند.

فناوری مهداده (بیگ‌دیتا) نوعی فناوری است که به ما کمک می‌کند با اطلاعات به‌دست آمده، شرایط را به‌گونه‌ای از پیش تعیین شده، تحلیل و بررسی کنیم و از نتایج برای کارها، تصمیم‌گیری و تعیین اهداف استفاده کنیم. شرکت‌های گوناگون از این اطلاعات استفاده می‌کنند تا بتوانند نقاط ضعف و قوت خودشان را بشناسند، ارتباطشان با مشتری را بهبود بخشند، برای آینده تصمیم بگیرند و... .

می‌خواهید بهتر متوجه موضوع شوید؟ فرض کنید شما کسب‌وکاری را راه‌اندازی کرده‌اید. محصولی را تولید می‌کنید و مشتری‌ها از شما خرید می‌کنند. در این فرایند شما اطلاعاتی از محصول تولید خودتان، مشتری‌هایی که آن‌ها را خریدند و رضایت آن‌ها از محصول، به دست آورده‌اید. مثلاً متوجه می‌شوید محصول شما را بیشتر خانم‌ها خریده‌اند یا آقایان؟ این محصول را کدام بازه سنی خریداری کرده‌اند و برایشان جذاب بود؟ نوع شخصیت هر کدام از مشتری‌ها چگونه بود؟ چه آن‌ها که بعد از دیدن محصول اقدام به خرید کردند و چه آن‌ها که نخریدند. بعد از آن از میزان رضایت هر کدام از مشتری‌هایتان می‌توانید کسب اطلاع کنید و... .

این اطلاعات را شما به دست می‌آورید. حالا در فناوری مهداده، این‌ها را کنار هم می‌گذارید، تحلیل می‌کنید و برای آینده تصمیم می‌گیرید. مثلاً می‌توانید متوجه شوید چه محصولی تولید کنید که برای مشتریانتان جذاب باشد. یا اینکه محصولاتتان چه ویژگی‌هایی داشته باشند تا رده سنی مثلاً جوان را به خود جذب کنند و فروش را بالاتر ببرند. حتی می‌توانید نتیجه بگیرید با توجه به اینکه محصول برای جوان‌ها تولید شده است، پس تبلیغاتتان باید برای مخاطب جوان و در رده سنی آن‌ها طراحی شود و نقشه راه تبلیغات را هم تصمیم‌گیری کنید. و هزاران نتیجه دیگر. این تازه بخش و مثال کوچکی از فناوری مهداده است. شرکت‌های بزرگ دنیا تمرکز خود را بر این فناوری گذاشته‌اند تا بتوانند برای بهبود و رونق کسب‌وکارشان و برای آینده تصمیمات دقیق‌تری بگیرند.



برای استفاده از فناوری بیگ‌دیتا باید چند مرحله را طی کنیم:

۱. **تعیین نقشه (راهبرد):** باید بدانیم اطلاعات را برای چه منظوری می‌خواهیم و می‌خواهیم از آن‌ها چه نتایجی بگیریم؟ روش نتیجه‌گیری و تحلیل چگونه باید باشد؟

۲. **جمع‌آوری اطلاعات:** این مرحله یکی از سخت‌ترین مراحل استفاده از مه‌داده است. منابعی که معمولاً برای جمع‌آوری اطلاعات از آن‌ها استفاده می‌شوند، عبارت‌اند از:

**الف) فضای اینترنت و بازخوردهای اینترنتی.** این فضا فقط به وبگاه‌ها محدود نمی‌شود! مثلاً لباس‌ها و ساعت‌های هوشمند هم می‌توانند اطلاعاتی بفرستند.

**ب) شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی.** همچنین، نوع تعامل ما در این فضاها و بازخوردها و واکنش‌هایی که در آن‌ها صورت می‌گیرند، همه می‌توانند منبع به‌دست‌آوردن اطلاعات باشند. به‌خصوص با برخط‌شدن و مجازی‌شدن قسمتی از کسب‌وکارها، کاربرد و گستردگی موارد الف و ب بسیار بیشتر هم شده است.

**ج) روش‌های پرسش‌نامه‌ای تا پیامکی.** همچنین، بازخوردهایی که از طریق بازاریابی با تلفن همراه و بازاریابی الکترونیکی و حضوری و مجازی می‌توان از مشتری گرفت.

۳. **یکدست‌کردن اطلاعات و اطمینان از صحت آن‌ها:** جنس اطلاعاتی که به دست می‌آیند، با هم فرق می‌کند. منبع به‌دست‌آوردنشان هم با هم فرق می‌کند. بعضی‌ها شفاهی هستند، بعضی‌ها به‌صورت بله یا خیر و بعضی‌ها اصلاً به‌صورت صفر و یکی زبان رایانه. یک مجموعه اطلاعات را ممکن است از طریق پرسش‌نامه به دست آورید و مجموعه‌ای دیگر را از بازخورد شبکه‌های اجتماعی. در این مرحله، در فناوری مه‌داده، اطلاعات را با روش‌هایی یکدست و مرتبط می‌کنند. اطلاعات به‌درنخور حذف می‌شوند تا نتیجه‌گیری بهتر انجام شود.

۴. **تحلیل اطلاعات:** روشی را برای تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده طراحی می‌کنند و اطلاعات را با آن بررسی می‌کنند تا نتایج حاصل بشود. در این فناوری، سرعت بالای انتقال و تحلیل اطلاعات، حجم زیاد آن‌ها و خیلی بزرگ‌تر از یک فلش ۱۶ گیگ، ارتباط و یکدستی اطلاعات، انعطاف‌پذیری و دقت بالای تحلیل بسیار اهمیت دارد. در واقع این فناوری به ما کمک می‌کند بتوانیم در انبوه اطلاعات موجود دوروبرمان، با این‌ها ویژگی‌ها، از اطلاعاتی که برای کسب‌وکارهای آینده گنج محسوب می‌شوند، استفاده کنیم. در شماره آینده مجله از کاربردها و نحوه انجام این فناوری بیشتر برای شما می‌گوییم.



کار خوب دست مردم بدهید

# ریزه کاری تراشکاری



همیشه ورود به مشاغل، علاوه بر آموزش‌های خاص خودش، به تجربه هم نیاز دارد؛ تجربه‌هایی که از مسیر موفقیت در آن شغل، الزامات راه‌اندازی، راه و روش پیشرفت در آن و چیزهایی مثل این باشد. در این شغل‌ها یکی از بهترین مشاورانی که می‌توانند این اطلاعات را در اختیار ما بگذارند، مربیان، استادکاران و صاحبان آن شغل در بازار کار هستند که خودشان این شغل را به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کنند و تجربه‌های عملی زیادی از چم و خم کارها دارند. به سراغ صاحبان مشاغل مرتبط با هنرستان می‌رویم تا با انعکاس تجربه‌هایشان، به هنرجویانی که قصد ورود به این مشاغل را دارند کمک کنیم با دیدی باز و اطلاع از تجربه یک استادکار بتوانند راه خود را بهتر بشناسند و برای آن آماده شوند. در این شماره به سراغ آقای **حسین گورشاهی** رفته‌ایم که در شغل تراشکاری هم کارگاه دارد و کار می‌کند و هم هنرآموز هنرستان است. او با هنرجویان زیادی سر و کار دارد و کاملاً با شما آشناست!



چند دقیقه در کارگاه تراشکاری

درگیر آن نشود، به تجربه‌هایش نمی‌رسد. بعضی مواقع هنرجویانم بلافاصله در بازار آزاد به صورت کمکی مشغول به کار می‌شوند.

**🗨️ برای ورود به کار تراشکاری چه ویژگی‌هایی لازم است؟**

در وهله اول دوست‌داشتن این رشته مهم است و در مراحل بعد گذراندن آموزش‌های لازم در هنرستان. بعد هم به خود فرد بستگی دارد که تا چه حد گیرندگی و یادگیری بالایی دارد، تا چه حد می‌تواند مشتری جذب کند، تا چه حد می‌تواند خوش‌رو باشد و با مردم خوش‌رفتاری کند، تا چه حد می‌تواند منصف باشد، و تا چه حد خودش را بین مردم عزیز کرده است؛ یعنی چقدر کار خوب دست مردم داده است.

**🗨️ تحصیلات لازم و نحوه ورود به شغل چگونه است؟**

تحصیلات بهتر است دیپلم به بالا باشد. البته زیر دیپلم هم می‌شود، ولی زمان بیشتری طول می‌کشد. آنچه اهمیت دارد، این است که صرفاً به تحصیلات اکتفا نکنند، بلکه باید چند سال در بازار کار شاگردی کنند.

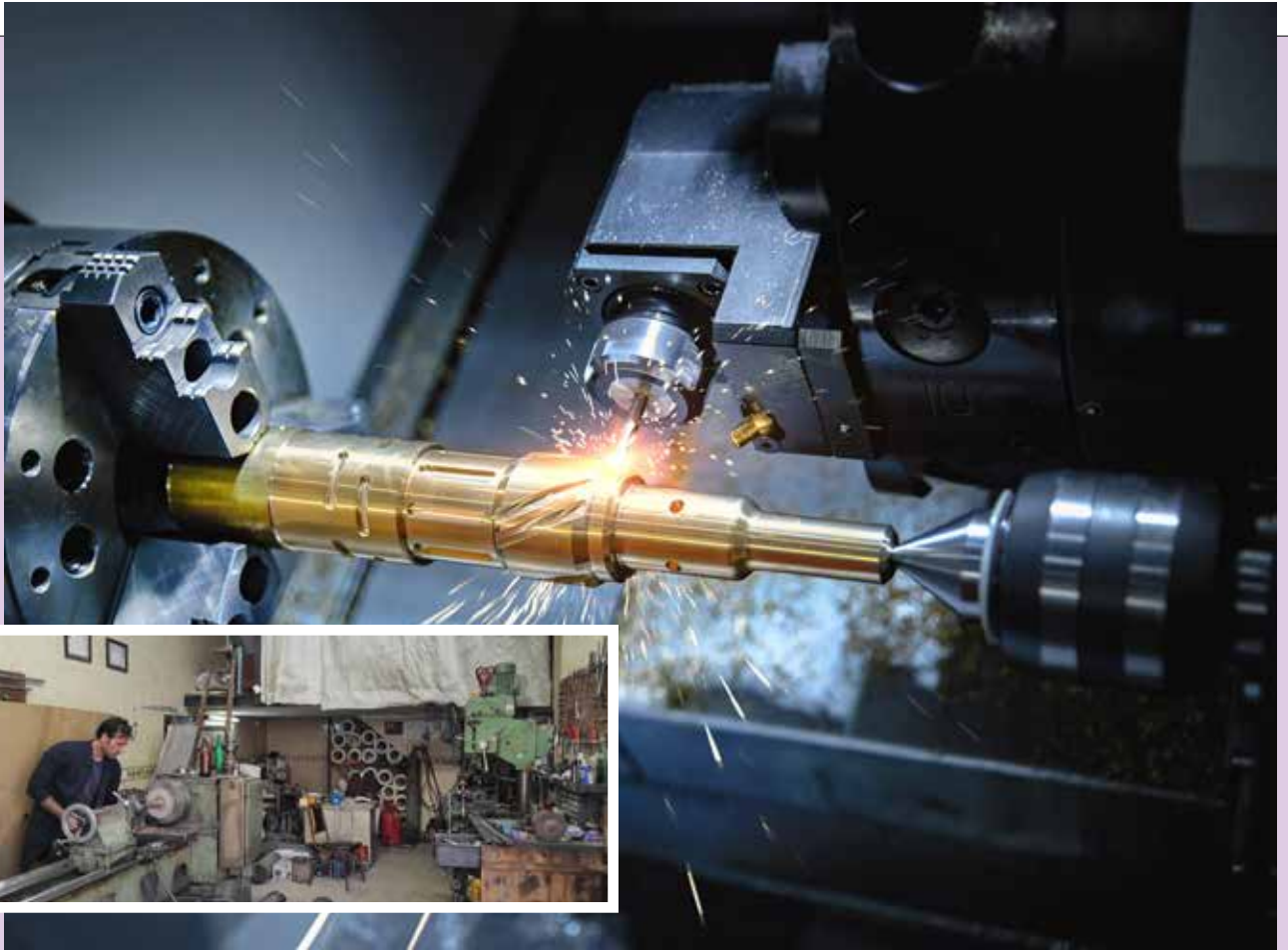
**🗨️ از چه زمانی وارد حرفه تراشکاری شدید؟**

از وقتی دیپلم گرفتم یادگیری تراشکاری را شروع کردم. فوق دیپلم را در کرج در هنرستان و لیسانس فنی تراشکاری را از مؤسسه تربیت معلم کرج گرفتم. در مدت ۲۴ سال، بیش از دویست نفر را از صفر به صد رساندم تا بتوانند با اندکی کار در بازار برای خودشان استاد شوند. البته زمانی که در مدرسه مشغول درس خواندن بودم، گاه و بیگاه در پیاده‌روی جلوی مغازه تراشکاری، شاید ساعت‌ها فقط نگاه می‌کردم. الان هم استاد تراشکاری هستم. در دانشگاه هم بیشترین زمان کاری خود را به آموزش مشغولم. در ضمن مغازه تراشکاری هم دارم که پسر من آن را اداره می‌کند.

**🗨️ شما معلم هنرستان هم هستید. کار در بیرون از مدرسه بر کار تدریس شما چه تأثیری می‌گذارد و برعکس، چه کمکی به تدریس و فضای مدرسه می‌کند؟**

بله. من مربی تراشکاری هم هستم. فضای تدریس به هنرجویان تجربه را بسیار بالا می‌برد. حتی بعضی طرح‌ها و ایده‌ها که هنرجویان می‌دهند، تأثیر زیادی بر تدریسم دارد. من این تجربه را به دیگران هم می‌رسانم. تدریس در فضای مدرسه حال و هوای خودش را دارد که هیچ‌کس، تا خودش





### 🔧 مهارت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز برای ورود به

#### این رشته برای هنرجوی هنرستان چیست؟

فقط باید به دنبال یادگیری باشند و به یاد گرفتن علاقه داشته باشند؛ چون در هنرستان همه چیز را به او یاد می‌دهند؛ از نحوه اندازه‌گیری تا تراشیدن قطعه روی دستگاه.

### 🔧 مشکلات و چالش‌های شغلی تراشکاری

#### چیست؟

گران‌بودن مکان، گران‌بودن دستگاه و گران‌بودن ابزارهای تراشکاری در شروع کار از مشکلات است. بعد هم شناخته‌شدن بین مردم خیلی مهم است.

### 🔧 وسایل لازم برای راه‌اندازی این شغل برای

#### هنرجو چیست؟

مغازه‌ای حداقل ۷۰ تا ۸۰ متری، برق سه فاز، دستگاه تراش، دستگاه دریل، دستگاه پرس، دستگاه ابزارتیزکن، انواع لوازم اندازه‌گیری، انواع دریل و مته، انواع آچار، انواع جدید و قلاویز.

### 🔧 مشاغل و صنایع مرتبط با این شغل چه هستند

#### و این رشته چه اندازه جای پیشرفت و توسعه دارد؟

ریخته‌گری، حتی مدل‌سازی مکانیکی و خیلی رشته‌های

دیگر. پیشرفت آن به حدی است که به صنعت هواپیماسازی و موشک‌سازی و همچنین صنعت کشتی‌سازی و غیره مرتبط می‌شود. با متخصص شدن در این شغل می‌توان در این صنایع نیز مشغول به کار شد.

### 🔧 وظایف و مسئولیت‌های یک تراشکار چیست؟

#### مهارت‌های طراحی و طراحی رایانه‌ای برای تولید طرح‌ها تا چه میزان اهمیت دارد؟

مسئولیت تراشکاری یعنی اول محافظت از جان خود. چون رعایت کردن نکات ایمنی در این قسمت بسیار مهم است با توجه به اینکه امروز رایانه پیشرفت زیادی در صنایع دارد، یادگرفتن طراحی با رایانه بسیار مهم است. البته زمان یادگرفتن آن به توان یادگیری فرد بستگی دارد.

### 🔧 شما فکر می‌کنید برای ورود هنرجوی هنرستان

#### به بازار کار تراشکاری باید چه مراحل طی شوند و چه آموزش‌هایی نیازند؟

بعد از اتمام هنرستان، هنرجو باید مدت دو سال یا بیشتر در بازار کار آموزش ببینند و شاگردی کند، چون هیچ‌وقت استادکار در مدت کم تمام کارها را به هنرجویان یاد نمی‌دهد. این خود هنرجوست که باید دنبال یادگرفتن باشد.

فرمول را حفظ کنید!

# حل المسائل

انسان به طور روزمره با مسائل و مشکلات متعددی برخورد می‌کند و همواره می‌کوشد آن‌ها را به ساده‌ترین شکل ممکن حل کند. در دنیای امروز، با پیشرفت دانش و پیچیده‌تر شدن روابط انسان‌ها، رویارویی با مشکلات هم شکل خاص‌تری پیدا کرده و کسب مهارت‌هایی نیاز است تا بتوان به‌سادگی مشکلات را دید و حل کرد. اصلی‌ترین این توانمندی‌ها، مهارت حل مسئله است. شاید با شنیدن عبارت «حل مسئله» به یاد درس ریاضی و مسائل ریاضی بیفتید، اما منظور از مسئله فقط مسائل ریاضی و درسی نیستند. هر اتفاقی که در طول زندگی با آن روبه‌رو می‌شویم، از شورشدن غذا تا انتخاب شغل و تصمیم‌های بزرگ، همگی مسائلی هستند که باید با کمک این مهارت آن‌ها را حل کنیم.

اما منظور از خود مسئله چیست؟ مسئله موضوعی مبهم یا دشوار است. فرض کنید در اتاقی پر از دود که دچار آتش‌سوزی شده است گرفتار شده‌اید. اگر بترسید و بدون هیچ هدفی شروع به داد و فریاد کنید، جز خسته‌کردن خودتان و هدر دادن هوای موجود کاری نکرده‌اید. اما اگر در قدم اول آرامش خود را حفظ کنید، بعد محیط را بررسی و راه‌های فرار را پیدا کنید، علاوه بر اینکه خودتان از این موقعیت نجات پیدا می‌کنید، دیگران را نیز نجات خواهید داد. مراحل حل مسئله را با هم مرور می‌کنیم:

۱. اولین مرحله حل مسئله شناسایی، درک و تعریف آن است. باید به تعریفی از مسئله رسید که روشن و مفهوم باشد، آن را از پیچیدگی خارج و حل مسئله و رسیدن به هدف نهایی را ممکن کند.



وقتی می‌خواهیم مسئله را خوب بشناسیم، باید به دو نکته توجه کنیم:

نکته اول اینکه هرچه نسبت به افراد اطرافمان، شرایط محیطمان و علوم متفاوت اطلاعات بیشتری داشته باشیم، مسئله را بهتر درک می‌کنیم. پس وقتی قرار است برایمان مسئله‌های جدیدی پیش بیایند، ما هم همیشه باید در حال یادگیری باشیم. یادگیری همیشگی به ما کمک می‌کند اطلاعاتمان همیشه در حال دقیق‌تر شدن و به‌روزشدن باشند. قطعاً مخترع تلفن در دنیای امروز نمی‌تواند مسائلی را حل کند. باید ابتدا از محیط و اطرافیان و علوم امروز اطلاعات کسب کند تا بتواند از دستگاهی که خودش اختراع کرده است، استفاده کند.



نکته دوم اینکه باید برای بررسی درست مسائل اهل تفکر منطقی باشیم. تفکر منطقی یعنی هر چیزی را در ذهنمان سر جای خودش بگذاریم. تفکر منطقی دو اصل دارد:



**الف) درست بودن اطلاعات:** انسان منطقی بر اساس حدس و گمان و خبرهای بی‌پایه و اساس تصمیم نمی‌گیرد. باید اهل پرسش و تحقیق بود.





۳. پس از نقد و بررسی راه‌حل‌ها، نوبت به تصمیم‌گیری و انتخاب راه‌حل نهایی می‌رسد. برای تصمیم‌گیری باید با استفاده از دانش و تجربه کسانی که پیش از این در چنین موقعیتی قرار گرفته‌اند و با مسئله‌ای مشابه روبه‌رو بوده‌اند، مناسب‌ترین راه‌حل را انتخاب کنیم. برای بهترین انتخاب باید مهارت تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی و نیز هوش هیجانی بالایی داشته باشیم.



۴. تصمیم‌گیری به‌تنهایی نمی‌تواند چاره کار باشد. باید تصمیم را اجرا کرد. اجرای راه‌حل ممکن است تلاش گروهی بخواهد و به دانستن علوم و فناوری‌هایی نیاز داشته باشد.



۵. شاید فکر کنید دیگر مسئله حل شده است! ولی چنین نیست و به همین خیال نباشید. باید نتیجه تصمیم‌مان را در اجرا ببینیم و با هدف‌مان مقایسه کنیم. اگر نتیجه خوب نبود، دوباره همین کارها را انجام دهیم.



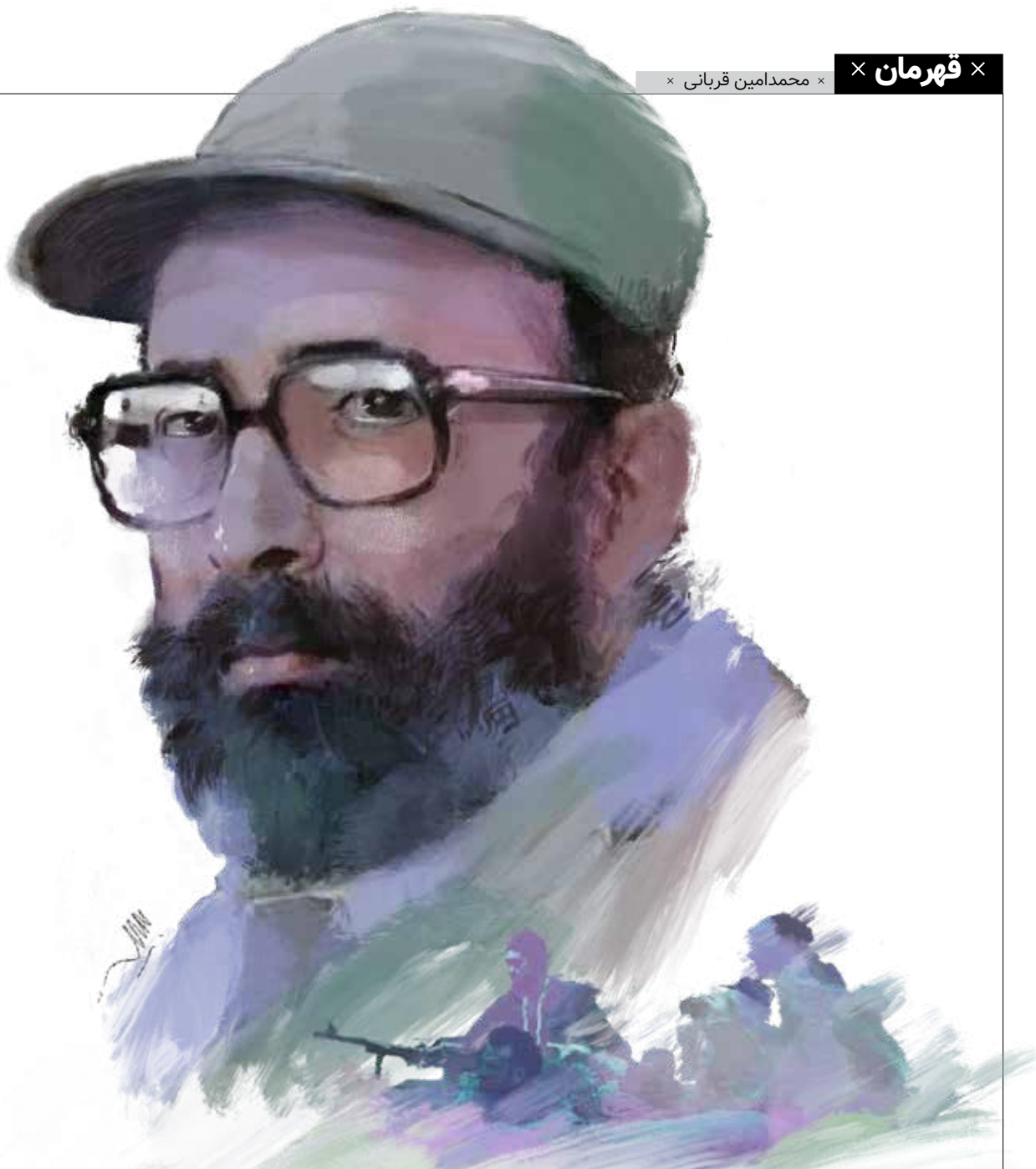
**ب) منظم بودن فکر:** هر موضوع یا موجودی در قالب روابطی قرار می‌گیرد. روابطی که گاهی یکی پس از دیگری هستند و به اصطلاح رابطه طولی دارند و گاهی در کنار هم قرار می‌گیرند و رابطه عرضی دارند. تصور کنید می‌خواهیم به شهر جم سفر کنیم. ابتدا می‌پرسیم این شهر کجاست؟ برای پاسخ به این سؤال باید بدانیم شهر جم در کدام استان قرار دارد (رابطه طولی). در استان بوشهر.

برای اینکه بدانیم جم در کجای استان بوشهر قرار دارد، می‌توانیم از جهت جغرافیایی و شهرهای نزدیکش پرسیم (رابطه عرضی). این شهر در جنوب استان بوشهر و در نزدیکی شهر عسلویه قرار دارد.

حالا اگر کمی جغرافی بدانیم، می‌توانیم با نگاه کردن به نقشه، به راحتی این شهر جالب را پیدا کنیم.



۲. دومین مرحله حل مسئله ایده‌دادن است. باید همین‌طور ایده بدهیم. در این مرحله کیفیت راه‌حل‌ها مهم نیست. مهم این است که تا جایی که می‌توانیم ایده بدهیم و تعداد زیادی راه‌حل را یادداشت کنیم؛ بدون قضاوت درباره آن‌ها. بعد که مسئله شناخته شد و کلی راه‌حل داشتیم، تک‌تک آن‌ها را از ابعاد گوناگون بررسی می‌کنیم تا به بهترین راه‌حل دست بیابیم. اگر بخواهیم پیشنهادها و ایده‌های خوبی داشته باشیم، باید اطلاعات کافی کسب و خلاقیت خود را تقویت کنیم.



## مثل چمران... چشم‌ها را باید شست!

برای ادامهٔ تحصیل رفته بود آمریکا. از یک دانشگاه خوب هم کمک‌هزینهٔ تحصیلی گرفته بود و تازه از آن طرف در ناسا هم استخدام شده بود.

خلاصه، اگر از من بپرسند، می‌گویم نانش در عسل بود. یک‌هجو اما داستان عوض شد. شاید عینکش را از چشمانش برداشت و با دستان لطیف و نرم مشغول تحقیقات دانشگاهی‌اش شیشه‌ها را پاک کرد. می‌دانست اینجا شیشهٔ عینکش خیلی زود و خیلی زیاد کثیف می‌شود. چشمان نافذش نمی‌گذاشتند با وجود گرد و خاک‌های روی عینک، جلوی پایش را درست نبیند. از آمریکا برگشت و رفت مصر! دو سال در مصر ماند. فکر می‌کنید

شاید اگر در همان آمریکا می‌ماند، خیلی به او خوش می‌گذشت. می‌گفت در زندگی‌ام در آمریکا همه چیز فراهم بود و هر چه از نظر رفاهی می‌خواستم حاضر بود. تازه داشت کار خیلی خوبی هم پیدا می‌کرد. قد تقریباً بلندی داشت و صورتی کشیده. از همان اول چشم‌های نافذی داشت. عینک می‌زد، اما خیلی دور را از خیلی‌ها بهتر می‌دید! یک دوربین هم همراه همیشگی‌اش بود. همیشه آن دورورها را با لنز دوربینش شکار می‌کرد و جلوی چشمش نگه می‌داشت؛ به‌علاوهٔ یک دفترچهٔ یادداشت. البته یکی که چه عرض کنم، آن قدر زیاد می‌نوشت که چند دفترچهٔ یادداشت همراهش بود!



با شهید چمران آشنا شوید

می نوشت که برای چی با همه وجود درس می خواند. همان کدام است؟ الان از لنز دوربینش نشانمان می دهد:

گروهی، با بچه ها، به نوبت قرار می گذاشت و می رفتند لب مرز. دوربینش را تنظیم می کرد روی هیولاها. عینک هایش را در می آورد. اینجا دیگر عینک به کار نمی آمد. شیشه های عینکها پر از گرد و غبارند. به خاطر همین، چیزهای مهم را از آنچه می بینید دورتر نشان می دهد و چیزهای غیر مهم را نزدیک تر! کار چشم های نافذش بود.

محل قرارشان لب مرز بود؛ لب مرز رژیم غاصب صهیونیستی. هیولاها آنجا بودند.

دوربین را زوم کرده بود روی یک سرباز و به بچه ها می گفت خوب نگاه کنند، ببیند دشمن را. این ها دشمن انسان هستند؛ دشمن بشریت. کارشان ظلم است. کارشان جنایت است. مثل آب خوردن بچه ها را می کشند. غارت و ظلم می کنند و آب هم از آب تکان نمی خورد. مراقب باشید سر جلوی ظلم خم نکنید. از پشت دوربین که بلند شدید، محکم بایستید، صاف بایستید؛ این قدری که دمار از روزگارشان در بیاورید. اگر این طوری شد، آخر کار خدا هم نانتان را در شیرین تر از عسل می زند.

فکر کنم عسل هایی که من در زندگی آمریکایش دیدم، به درد همان عینکها می خورد، نه به درد چشم های آقا مصطفی.

آقای **مصطفی چمران** قصه ما در هنرستان «جبل عامل» لبنان مدیر بود و در طول هشت سال حدود ۴۵ هنرجو را تربیت کرد.

معتقد بود بچه ها باید با آرمان بزرگ فلسطین و زیر بار ظلم نرفتن و مقاومت کردن مقابل زورگو و جنایتکار جهانی آشنا باشند. شاگردان آقا مصطفی جزو اولین شهدای مقاومت جنوب لبنان در جنگ با رژیم غاصب صهیونیستی بودند. شاگردان ایشان هنوز هم در خط مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی هستند؛ همان جنایتکار صهیونیستی که چند دهه می شود با اشغال خاک فلسطین، بزرگ ترین عامل نژادپرستی، قتل و غارت و ترور در جهان است. هدف آنان مبارزه با اسلام و کشورهای اسلامی است و این کار را با اشغال فلسطین و قبله اول مسلمانان جهان یعنی «مسجدالاقصی» شروع کرده اند.

حدود ۲۰ سال، پیش یکی از اثر گذارترین صحنه های جنایتکارانه این نظام در کشتار مردم فلسطین و کودکان و نوجوانان رقم خورد؛ با شهادت نوجوانی به نام **محمدالدوره**.

بچه های رشته های هنری می توانند از صحنه شهادت محمدالدوره اثر هنری مثل نقاشی، طراحی شخصیت، فیلم، موشن گرافی و تصویرسازی تولید کنند و برای ما بفرستند. به بهترین آثار جوایزی اختصاص خواهیم داد و آن را در مجله هنرجو منتشر خواهیم کرد.

برای چه کاری؟ آموزش چریکی می دید! فکر کن از پر قوی وسط آزمایشگاه های تحقیقاتی بلند شوی و خوشی ها را سه طلاقه کنی و بروی آموزشی. از همان ها که میدان تیر دارد و باید دوره کوهستان ببینی و جنگ افزار بشناسی و احتمالاً کلی هم پامرغی و سینه خیز گز کنی! همان دوره ها که آقا پسرها در آمادگی دفاعی می بینند. سربازی را چند برابر سخت تر کن.

بعد از دو سال از مصر هم رفت. این بار به مقصد بیروت. فکر می کردند قرار است برود استاد دانشگاه بیروت شود. بالاخره نخبه علمی بود. تحقیقاتش هم کلی طرفدار داشتند. اگر الان بود، احتمالاً مثل پروفیسور **سمیعی** نگاهش می کردند و حتماً چند صد «کا» دنبال کننده (فالور) هم داشت. اما دانشگاه هم نرفت. شاید عینکش را دوباره بیرون آورد، با آن دستان همیشه آرام و مطمئن اما حالا زمخت شده آموزش دیده اش، شیشه هایش را پاک کرد و مسیروش را پیدا کرد و رفت یک محله محروم. یک هنرستان بود آنجا؛ مدیر هنرستان شد.

۴۵ هنرجو داشت. همه یتیم شده بودند. پدر و مادرشان را مافیا تیر شب زده بود! **شمر** و **ابن ملجم** زده و شهید کرده بودند. مثل بازی رایانه ای هم نه، که کنترل و زد را بگیری همه چیز برگردد سر جای اولش! گرگ های آدم نما واقعی، از این هیولاها واقعی، نه فیلمی و پلی استیشنی. بله! هیولاها فقط در فیلمها نیستند. هیولاها واقعی داریم که کارشان قتل و غارت و جنایت است. شاخ و دم هم ندارند. یقیناً شبیه آدمیزادند.

در هنرستان به این ۴۵ نفر مکانیکی، کار الکترونیکی، نجاری و این چیزها را یاد می دادند. تقریباً دست به جیبشان هم کرده بود. مدیر به بچه ها گفته بود اگر می خواهید کاری را شروع کنید، باید دوستش داشته باشید. با دوست داشتن تنها هم کار جلو نمی رود. باید وقت بگذارید و کار کنید و از همه مهم تر باید ایمان داشته باشید تا کارتان را هم بتوانید توسعه بدید. هنر جوها هم دل به دل این آقای قد بلند عینکی جذاب ما داده بودند و از بیرون کار می گرفتند و تحویل می دادند و درآمد داشتند. حسابی هم بهشان خوش می گذشت. کنار آقای مدیر، در وسط حیاط هنرستان و شاید بغل حوض آب نما حیاط فوتبال بازی می کردند. چون هیولاها به شهرشان حمله کرده بودند، هر شب چند نفر از بچه ها جلوی در هنرستان نگهبانی می دادند.

آقای مدیر هم کنار بچه ها در حیاط مدرسه. من می گویم شاید عینک هایش می خوابیدند، اما چشمان نافذش نه! چیزهای مهم تری از پول داشتن و ماشین و خانه خوب داشتن و خوش گذراندن هم وجود داشت که آقای مدیر عینک هایش را روی آن ها ببندد تا چشمانش باز باشند.

اصلاً آقای مدیر قصه ما، درس هم اگر می خواند، برای همان بود. اگر نخبه هم شده بود برای همان بود. در دفترچه خاطراتش



## تیم درجه یک...!

# دانشی

### که در کارگاه ساختیم

هنرستان محل یادگیری دانش و مهارت با هم است. بسیاری از شما تجربه حضور در کارگاه را دارید و برای تمرین دانشی که آموخته‌اید دست به کار شده‌اید.

اما بهترین سطح یادگیری زمانی است که شما دانش و مهارتتان را عملی کنید و چیزی بسازید و تولید یا تعمیر کنید؛ در این صورت؛ هم آموخته‌ها را مرور کردید و هم به یک تجربه کاملاً واقعی و عملی دست پیدا کرده‌اید و با راهنمایی مربیان دانشی دست پیدا خواهید کرد.

در هنرستان شهید یوسف قویم در شهر فردوس استان خراسان جنوبی، هنرجویان رشته مکانیک خودرو با راهنمایی هنرآموزان آقای جواد ناصری که خودش روزی هنرجوی همین هنرستان بوده، دست به ساخت یک خودروی واقعی زده‌اند. در ادامه شما را با این کار بیشتر آشنا می‌کنیم.

#### 🔗 خودتان را معرفی کنید؟

من جواد ناصری متولد ۱۳۷۴ هستم. در دوره متوسطه هنرجوی هنرستان بودم. حالا هم هنرآموز رشته مکانیک خودرو هستم و سه سال سابقه کار هنرآموزی در هنرستان را دارم.

#### 🔗 هنرستان محل تدریس شما در کدام منطقه از کشور قرار دارد؟

استان خراسان جنوبی، شهرستان فردوس، شهر اسلامیه، هنرستان شهید قویم فردوس.

#### 🔗 در مورد محصولی که به کمک

هنرجویان دانشی تولید کرده‌اید، توضیح بدهید؟

خودروی کلاسیکی ساخته‌ایم که جزو اولین کارهای ساخته‌شده در هنرستان است. این خودرو در مراکز گردشگری و تالارها و فروشگاه‌ها کاربرد دارد. مصرف تزئینی هم می‌تواند داشته باشد.

#### 🔗 چه شد که به سمت تولید محصول

حرکت کردید؟ ایده این کار از کجا آمد؟  
من خودم هنرجوی همین هنرستان بودم. بعد از چند سال، این بار در کسوت هنرآموز به این هنرستان برگشتم. از همان زمان دانش‌آموزی احساس کردم هنرجویان ما به قرار گرفتن در محیط آزمون و خطا نیاز دارند. وقتی دیدم دانش‌آموزانم از موضوعات درسی خود در حوزه مکانیک خودرو درک واقعی و عملی

ندارند، تصمیم گرفتم با طراحی یک خودرو، با مشارکت خودشان و در قالب حرکتی گروهی و جمعی، آن‌ها را در فضای عملیاتی و واقعی قرار دهم تا به این درک برسند.

#### 🔗 هنرآموزان چه پایه‌ای در طراحی

این خودرو همکاری کرده‌اند؟

دانش‌آموزان پایه یازدهم به شکل مستقیم در این مسیر در کنار من و پایه‌پای گروه ما آمدند، اما تعدادی از هنرجویان دوازدهمی هم در طول مسیر به ما پیوستند.

#### 🔗 نقش هنرآموزان دانشی در این مسیر

چه بوده است؟

بیشتر فرایند فنی کار مثل طراحی سیستم و بدنه ماشین، باز و بسته کردن اجزا و قطعات، و سیم‌کشی خودرو را خود هنرجویان و با نظارت بنده انجام دادند.

#### 🔗 این حرکت علمی و تیمی که در

نهایت به تولید یک محصول مشترک منجر شد، چه تأثیری روی بچه‌ها داشت؟

واقعاً کسی باور نمی‌کرد ما در هنرستانی در نقطه‌ای به نسبت محروم بتوانیم چنین کاری انجام دهیم. بچه‌ها و هنرجویان علاوه بر اینکه روحیه و انگیزه بالایی پیدا کردند، تا حدی که خودشان پیشنهادهایی را برای ارتقای محصول و تولید جدید دادند، با کار گروهی و جمعی هم بهتر آشنا شدند.



در هنرستان‌ها برای تولید دانش‌بنیان ظرفیت بالایی وجود دارد.

**👉 به‌عنوان کسی که هم هنرجو بوده و هم هنرآموز موفق، پیامتان برای هنرآموزان و هنرجویان چیست؟**

من از هنرآموزان می‌خواهم آموزش و یادگیری هنرجویان را در فضای عملی انجام دهند. این نکته بسیار مهم است و به هنرجویان هم توصیه می‌کنم از وارد شدن به فضای عملیاتی نترسند، چرا که هنرستان محلی است برای آزمون و خطا و رشد آن‌ها در ورود به فضای فنی و حرفه‌ای. آن‌ها باید از این موقعیت استفاده کنند.

**👉 برای انجام این کار از چه امکاناتی استفاده کردید؟**

امکانات محدود و بسیار کم. عمده وسایل استفاده‌شده در تولید این خودرو، دست‌دوم و بازیافتی و دورریختنی بودند.

**👉 در تولید این خودرو چه فناوری‌هایی به کار رفته است؟**

این خودرو از موتور پژو و فناوری به‌کاررفته در پژوی «روآ» بهره برده است.

**👉 هدفتان برای آینده چیست؟**

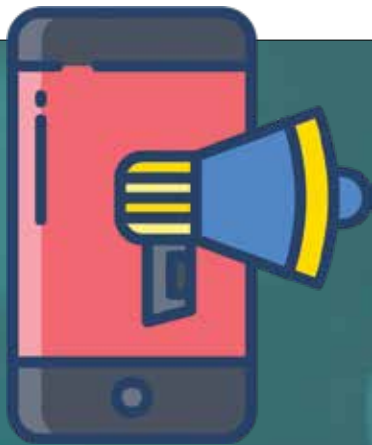
واقعیتش را خواهید، ما تصمیمات مهمی داریم و سعی داریم این محصول را به مزایده بگذاریم تا بتوانیم از فروش آن، محصولات و فناوری‌های پیشرفته‌تری طراحی و تولید کنیم. خلاصه اینکه این مسیر را با هنرجویان این هنرستان ادامه می‌دهیم.

**👉 خواسته شما از مسئولان آموزش و پرورش چیست؟**

ساخت این وسیله و انجام این حرکت به‌طور عمده با هزینه‌های شخصی انجام گرفته است، اما نتایج آن، به‌خصوص برای هنرجویان، بسیار مثبت بود و ایجاد انگیزه کرد.

انتظار ما از مسئولان این است که به هنرستان‌هایی مثل هنرستان ما امکانات بیشتری بدهند تا بتوانیم طرح‌های جدیدی را که در اختیار داریم اجرایی کنیم؛ چرا که





# بازار در مشت تو

اول به وبگاه سر بزنند و به مشتری تبدیل شود. **توجه به تقویمها و مناسبتها:** برای مثال، در مناسبتها اکثر محصولات تخفیف می‌خورند. می‌توان در آن روزها با یک پیام تخفیف جذاب و ویژه، اعلان خود را فرستاد.

برای جذاب‌بودن و مؤثربودن اعلان می‌توان تعداد تبلیغات را محدود کرد، چون اکثر کاربران از تبلیغات متنفرند. شما باید در پیام اول تبلیغات وبگاه خود را محدود کنید تا کاربری که برای اولین بار وارد وبگاه شما می‌شود، پشیمان نشود.

## استفاده از عنوان‌های گویا و خلاق

**توجه به گروه‌بندی مخاطبان و ارزیابی رفتارها و ویژگی‌های شخصی آنها:** سعی کنید با توجه به اینکه مخاطبان چه چیزهایی را در مرورگرها و اینترنت جست‌وجو می‌کنند، نوع فرستادن اعلان و همچنین زمان و موضوع پیام خود را برای کاربر و مخاطب تعیین کنید تا راحت‌تر جذب و به مشتری تبدیل شود.

**شوک‌دادن به مخاطب:** برای مثال، در اعلان بگویید تخفیف فقط تا ساعت هفت ادامه دارد و تا شش‌ماه آینده تخفیفی نداریم تا مخاطب کنج‌کاو شود و به وبگاه شما سر بزند.

**استفاده از ادبیات دوستانه:** سعی کنید از ادبیات رسمی استفاده نکنید. با مخاطب خود دوست و رفیق باشید و در پیام اعلان خود صمیمیت و دوستی به مخاطب را در اولویت قرار دهید.

## آموزش ساخت و فرستادن اعلان تبلیغاتی

شرکت‌های زیادی هستند که خدمات فرستادن اعلان شخصی‌سازی‌شده را دارند، اما برای اینکه خودمان به‌صورت رایگان و محدود این کار را انجام دهیم، ابزارهایی را معرفی می‌کنیم:

### پیام‌رسانی ابری فایربیس<sup>۲</sup>

این ابزار یک پیام‌رسان چندبستره متعلق به شرکت گوگل است که برای فرستادن پیام هیچ هزینه‌ای دریافت نمی‌کند. شما می‌توانید با این ابزار به کاربران خود با ویژگی‌ها و موضوعات گوناگون در اینترنت پیام بدهید. این برنامه یکی از سریع‌ترین روش‌های فرستادن اعلان است.

فن‌های بازاریابی با تلفن همراه یا همان «موبایل مارکتینگ» در واقع مجموعه اقدام‌هایی هستند که به افراد و سازمان‌ها کمک می‌کنند با مخاطبان خود ارتباط برقرار کنند. در واقع، این روش نوعی روش تبلیغاتی رقمی (دیجیتال) است و می‌خواهد به وسیله تلفن همراه، با مخاطبانی که با رایانک و گوشی‌های هوشمند کار می‌کنند، ارتباط برقرار و آن‌ها را جذب کند.

بازاریابی با تلفن همراه ابزارها و روش‌های متعدد دارد:

بازاریابی با تلفن همراه از طریق پیامک

بازاریابی از طریق پیام چندرسانه‌ای (ام‌ام‌اس)

بازاریابی از طریق بازی با تلفن همراه<sup>۱</sup>

بازاریابی از طریق رمزینده‌های پاسخ‌سریع

بازاریابی از طریق موقعیت مکانی

اطلاع‌رسانی‌های اعلانی<sup>۲</sup>

بازاریابی از طریق برنامه‌های تلفن همراه<sup>۳</sup>

تبلیغات در فروشگاه‌های «مارکت پلیس»

از این موارد، دو نمونه را شرح می‌دهیم:

## اطلاع‌رسانی‌های اعلانی

در این روش از بازاریابی با تلفن همراه، پیامی را به کاربران وب و تلفن همراه ارسال می‌کنیم تا کسب‌وکار خود را تبلیغ کنیم. این پیام به‌صورت اعلان و بیشتر به شکل «حبابک» (پاپ‌آپ) نمایش داده می‌شود. در این روش افراد جزئیات کسب‌وکار خود، مانند قیمت‌ها، تخفیف‌ها و شرایط را اطلاع می‌دهند که به تلفن‌های همراه و در مرورگر فرستاده می‌شود.

برای اینکه در این روش موفق شویم و تأثیر بیشتری روی کاربر بگذاریم، رعایت چند نکته ضروری است:

**توسعه قوی وبگاه:** طوری که مخاطب خیلی راحت و با دسترسی آسان وارد وبگاه شود و به مشتری تبدیل شود.

**استفاده از محتوای مناسب در اعلان‌ها:** برای مثال، استفاده از نشان‌واره‌ای (برند) خوب در شمایل (آیکون) مناسب برای وبگاه که عنوان یا نشان شما باشد و استفاده از متن مناسب کوتاه و جذاب و مفیدی که در نگاه اول مخاطب را به مشتری تبدیل کند. همچنین استفاده از شکلک (ایموجی)‌ها که متن را جذاب‌تر کنند و اگر می‌شود، در این پیام اعلان از تصویر استفاده شود که باعث شود مخاطب در نگاه





یک قهوه‌سرا (کافی‌شاپ) رمزینه‌ای پاسخ‌سریع کنار میز هست و شما می‌توانید با پویش (اسکن کردن) آن، فهرست (منوی) قهوه‌سرا را در گوشی خود بارگیری کنید.

### ساخت رمزینه پاسخ‌سریع با استفاده از نرم‌افزار

یکی از بهترین نرم‌افزارها برای ساخت رمزینه پاسخ‌سریع نرم‌افزار «بارکد جنریتور»<sup>۵</sup> است. برای استفاده به نشانی وبگاه برنامه بروید. در وسط صفحه اصلی قسمتی با عبارت «Enter your website tex or drop a file hero» را می‌بینید. در این قسمت با توجه به عنوان‌ها می‌توانید نشانی، فیلم، تصویر، یا موقعیت مکانی را قرار دهید و در سمت راست، ظاهر را به شکل موردنظر خود در بیاورید. در آخر روی گزینه بارگذاری بزنید و به‌سادگی رمزینه ساخته‌شده خود را ببینید.

### ساخت رمزینه پاسخ‌سریع با استفاده از وبگاه

ابتدا یک وبگاه ایرانی را به شما معرفی می‌کنیم: [www.kitset.ir](http://www.kitset.ir) این وبگاه یکی از ساده‌ترین روش‌های ساخت رمزینه دارد. اما اگر می‌خواهید رمزینه‌ای پاسخ‌سریع با شخصی‌سازی‌های زیاد بسازید، می‌توانید از وبگاه Qrcode monkey و همچنین از وبگاه QRFY mobi استفاده کنید.

### ساخت رمزینه پاسخ‌سریع با رایانه و رایانک

در مرورگر گوگل به صفحه فلاگ<sup>۶</sup> بروید و در بخش جست‌وجو عبارت QR را بزنید و سپس روی گزینه Enabled کلیک کنید. تلیک موردنظر را نشان‌دار کنید. در نوار جست‌جو یک رمزینه سریع پاسخ‌برایتان نمایش داده می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. In game mobile marketing
2. Notification marketing
3. App based marketing
4. Firebase cloud messaging
5. one signal
6. Send pulse
7. push assist
8. Barcode Generator
9. Flag

### وان‌سیگنال<sup>۵</sup>

یکی از خیرنامه‌های پربارگیری (دانلود) و کاربردی است که به‌صورت افزونه (پلاگین) روی «وردپرس» نصب می‌شود و اعلان‌ها را به‌صورت خودکار برای کاربران می‌فرستد. برای هر تلفن همراهی قابل‌استفاده است و با آن می‌توانید مخاطبان را بر اساس دفعاتی که از وب‌نوشت (وبلاگ) شما بازدید کرده‌اند یا ویژگی‌های دیگر، گروه‌بندی کنید.

### سیند پالس<sup>۶</sup>

این نرم‌افزار می‌تواند با سرویس‌های ارسال اعلان کاربران ما را به خریداران احتمالی تبدیل کند. با تمام مرورگرها و دستگاه‌ها سازگار است و افزایش قابل‌توجه تعداد کسب‌وکارها را تضمین می‌کند. همچنین می‌تواند اعلان‌ها را بر اساس موقعیت مکانی کاربر و رفتار او در مرورگر و اینترنت شخصی‌سازی کند.

### پوش‌اسیست<sup>۷</sup>

برای کاربری راحت و ساده می‌توان از این ابزار استفاده کرد. امکان پشتیبانی همه‌جانبه مرورگرها و دستگاه‌ها را دارد و بسیار ساده است، به حدی که دقایقی بعد از ثبت‌نام در وبگاه می‌توانید فرستادن اعلان با این ابزار را آغاز کنید. حتی می‌توانید برای کاربری ساده‌تر، با استفاده از گروه‌بندی هوشمند کاربران و داده‌های مکانی و تاریخچه بازدید و رفتار و زمان کاربران، اعلان بسازید. همچنین می‌توانید از برنامه‌های کاربردی ایرانی مانند پوشه، نجوا و پوش‌نامه نیز استفاده کنید. نجوا رایگان است، اما پوش و پوش‌نامه رایگان نیستند.

### بازاریابی به روش رمزینه پاسخ‌سریع

قبل از آموزش ساخت رمزینه باید بگوییم، اصطلاح «پاسخ‌سریع» معادل فارسی کیوآر و مخفف «Quick response» است که به زبان ساده، نوعی خاص از رمزینه است؛ رمزینه‌ای به شکل دوبعدی که قابلیت دارد در یک‌زمان کوتاه، از طریق بولینگرهای (اسکنر) نوری، مثلاً اسکن به‌وسیله تلفن همراه، اطلاعات لازم را منتقل کند.

### آموزش ساخت رمزینه پاسخ‌سریع

ابتدا باید هدفمان از ساخت رمزینه پاسخ‌سریع معلوم باشد و بدانیم چه اطلاعاتی را می‌خواهیم به مخاطب انتقال دهیم. برای مثال، در

## همتی باید وکاری شاید

هم همین را پیگیری می‌کردند.  
زهرآ پرید وسط صحبت‌ها و گفت: «خانم اجازه؟ همه امام‌ها حکومت نداشتند که؟»  
معلم هم گفت: «بله. این یک داستان دیگر دارد که بعداً به آن می‌رسیم.»

خانم معلم داشت آماده تدریس می‌شد. دو سه ثانیه‌ای همه ساکت بودند. یکپهو فرناز که یک حالت «تفهمیدم چی شد!» در صورتش مشخص بود، گفت: «خانم، خوب انقلاب و امام خمینی (ره) هم به این چیزهایی که می‌گویید ربط دارند؟! گفت: «خانم، من در دهه فجر توی تلویزیون شنیدم که می‌گفتند انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی برای این است که قوانین اسلام در همه‌جا اجرا شوند. شما هم الان همین را گفتید. منظورم این است که الان امام خمینی (ره) هم که انقلاب اسلامی کردند، می‌خواستند همین کار را بکنند؟»  
خانم معلم گفت: «بله. ببینید، انقلاب اسلامی برای این است که کشور با قوانین اسلامی اداره شود. امام خمینی (ره) هم با همراهی مردم برای همین انقلاب کردند. همه شعارهای انقلاب اسلامی و هدف‌های انقلاب را هم که نگاه کنید، دقیقاً ریشه در دین اسلام دارند.»

روشنک که یک سؤال چالشی به ذهنش رسیده بود و حس پیروزی در صدایش داشت، گفت: «خانم الان مثلاً اسلام دارد در کشور اجرا می‌شود؟! پس این مشکلات و این چیزها که در فضای مجازی و جاهای دیگر پر است، چیست؟!»  
از آن طرف زینب هم گفت: «خانم، راست می‌گوید.»  
خانم معلم گفت: «خب باشد. صبر کنید تا بگویم.»  
- انقلاب اسلامی یک کار نبود که یک موقع انجام شود و بعد تمام شود و همه بروند سر کارشان!  
- خانم، نفهمیدیم چی شد!  
- بگذار این طوری بگویم. وقتی از یک انقلاب حرف می‌زنیم، شما تصور می‌کنید دکمه‌ای را فشار داده‌اند تا همه چیز برود به تنظیمات کارخانه و همه چیز ناگهان درست شود. این تصور درست نیست.  
- پس خانم، چه تصویری درست است؟  
- اینکه در انقلاب اسلامی مردمی سال ۵۷ مردم کاری را شروع

معلم در کلاس بود. می‌خواست درس دین و زندگی را شروع کند. داشت درس قبلی را مرور می‌کرد. لابه‌لای کلماتش می‌گفت، پیامبر اسلام (ص) یک حکومت را پایه‌گذاری کردند. من تعجب کردم. پرسیدم: «مگر پیامبر (ص) فقط نصیحت اخلاقی نمی‌کرد؟ حکومت یعنی چه؟»  
معلم گفت: «نه. ما در دین اسلام یک بسته کامل داریم. برای همین می‌گوییم اسلام دین کاملی است.»

گفت: «اسلام هم برای زندگی‌های شخصی ما و هم برای زندگی‌های اجتماعی که ارتباط‌ها و مراوده‌های آدم‌ها با هم شکل می‌گیرند، برنامه دارد. برای اینکه بتوانیم این مراوده‌های اجتماعی را شکل بدهیم، یعنی باید بتوانیم قانون بگذاریم و این قوانین را اجرا کنیم. این یعنی حکومت. پیامبر و همه معصومان



# شش دانگ فکرت جمع باشد

شاید تا حالا این سؤال برای شما هم پیش آمده باشد که چرا آدم‌ها در موقعیت‌های شبیه به هم رفتارهای متفاوتی نشان می‌دهند؟ تصور کنید یک ورزشکار حرفه‌ای در چند بازی قبلی تیم خودش بسیار ضعیف عمل کرده و به همین علت نگران و تحت فشار است. افراد گوناگون در این مواقع رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند. ممکن است کسی علت این اتفاق را جو بیرونی ورزشگاه و فشارهای روانی هواداران بداند، یک ورزشکار دیگر از موضوع فرار کند و تلاش کند اصلاً به آن فکر نکند تا این‌طور خودش را آرام کرده باشد. آن یکی به دنبال علت این مشکلات باشد و تصمیم بگیرد با تمرکز بیشتر، نقطه‌ضعف‌ها را برطرف کند. یک نفر، تقصیرات را به گردن دیگران بیندازد و بقیه را متهم کند و ...

تفاوت‌هایی که در رفتارها می‌بینید، چندین علت ممکن است داشته باشند. ویژگی‌های شخصیتی هر کس ممکن است متفاوت باشد. تجربه‌های قبلی افراد در موقعیت‌های مشابه، تشویق یا سرزنش اطرافیان و افراد دیگر، وضعیت سلامت (جسمی و روانی) و محیطی که در آن رشد کرده است، همه می‌توانند از علت‌های این نوع رفتارها در برابر مسائل زندگی باشند.

اما می‌دانید در آخر چه کسی موفق‌تر خواهد بود؟ کسی که با فکر و عاقلانه‌ها مسائلی را که در زندگی پیش می‌آیند خوب بشناسد و بهترین اقدام را انجام بدهد. یعنی به دنبال بهترین راه‌حل برای مسئله‌ای که پیش آمده باشد.

بین اطرافیان و دوستانتان احتمالاً مشاهده کرده‌اید که بعضی‌ها فکر می‌کنند در زندگی‌شان نباید هیچ مشکلی به وجود بیاید! انتظار یک شغل بی‌دردسر، تحصیل بدون هیچ چالش، روابط اجتماعی گل و بلبل و از این نوع تصورات. این‌طور فکر کردن باعث می‌شود در برابر سختی‌های زندگی که ممکن است برای همه پیش بیاید، نگران و مضطرب بشوند یا دست به فرار بزنند و حتی واقعیت‌ها را هم نبینند. مشکلات جزو واقعیت‌های زندگی هستند. یعنی در زندگی همه آدم‌ها مشکلات کوچک و بزرگ وجود دارند. اما افرادی که گفتیم، واقعیت‌های زندگی را که مشکلات جزئی از آن‌ها هستند، نمی‌شناسند. به همین علت ممکن است احساس شکست کنند، افسردگی بگیرند یا رفتارهای غیرعاقلانه داشته باشند. اگر کمی فکر کنیم و در زندگی اطرافیان، خودمان و بقیه آدم‌ها دقت کنیم، به راحتی می‌بینیم زندگی انسان سرشار از موقعیت‌های غم، شادی، گرفتاری، سختی و مشکل است و اصلاً آدم‌ها در رویارویی با این مشکلات رشد می‌کنند.

ما نمی‌توانیم سختی‌ها و مشکلات را به کلی از زندگی خود حذف کنیم، تنها می‌توانیم آن‌ها را کم یا زیاد کنیم یا خودمان را برای مقابله با آن‌ها تقویت کنیم.

پس قبول این واقعیت که خواه‌ناخواه قرار است در زندگی ما مسائلی چالش برانگیز به وجود بیایند، قدمی مهم در موفقیت و حل مسائل زندگی است. نگاه کردن از این زاویه، به انسان کمک می‌کند در صورت به‌وجود آمدن مشکلات آرامش خود را حفظ کند و به‌جای انکار، فرار یا غفلت، مصمم آن‌ها را حل و فصل کند.

حتماً شنیده یا دیده‌اید، افرادی که از دوران کودکی و نوجوانی سختی‌های زیادی در زندگی خود داشته‌اند، در بزرگسالی افراد خیلی موفق شده‌اند. طبیعی است تجربه‌های آن‌ها درک و فهمشان را از موقعیت‌های متفاوت زندگی بیشتر کرده و به‌نوعی روش حل کردن مسائل زندگی را با درست فکر کردن و عاقلانه نگاه کردن به آن‌ها یاد داده است.

تا یادمان نرفته این را هم بگوییم که مسئله با مشکل فرق دارد. مشکل معمولاً یک موقعیت و اتفاق آزاردهنده و ناراحت‌کننده است، در حالی که بسیاری از مسائل زندگی آزاردهنده نیستند، بلکه حتی گاهی انسان خودش را در مسئله‌های متعدد می‌اندازد تا پیشرفت کند. مثل اینکه شما قصد یادگیری کار با نرم‌افزار برنامه‌نویسی مخصوصی برای بازی‌های رایانه‌ای را داشته باشید. در واقع این مسئله را خود شما ایجاد کرده‌اید. پس نه تنها آزاردهنده نیست، بلکه می‌تواند لذت‌بخش نیز باشد.

اگر اهل منطقی فکر کردن باشیم، بدون پیش‌داوری و نگاه احساسی، مسائل را تحلیل می‌کنیم و به رفتارهای منطقی و عقلائی می‌رسیم. همه ما انسان‌ها در حل مسائل خود کم و زیاد بالاخره از تفکر منطقی استفاده می‌کنیم. اما اینکه



زیادی پرداخت کنید و البته فرصت هم دارید، با مشورت دوستان، مطالعه نظرات مثبت و منفی دیگران، ویژگی‌های تلفن‌های همراه پیشساز، نیاز و علاقه‌های خود اقدام به خرید می‌کنید. اما چه می‌شود که تصادفی کوچک به میدان جار و جنجال و دعوا بدل می‌شود؟! اینجاست که نیاز به تمرین کردن در این کار به چشم می‌آید. یعنی اگر تفکر منطقی در ما نهادینه شده باشد، حتی در موارد خطر و اضطرار هم بر اساس آن عمل می‌کنیم.

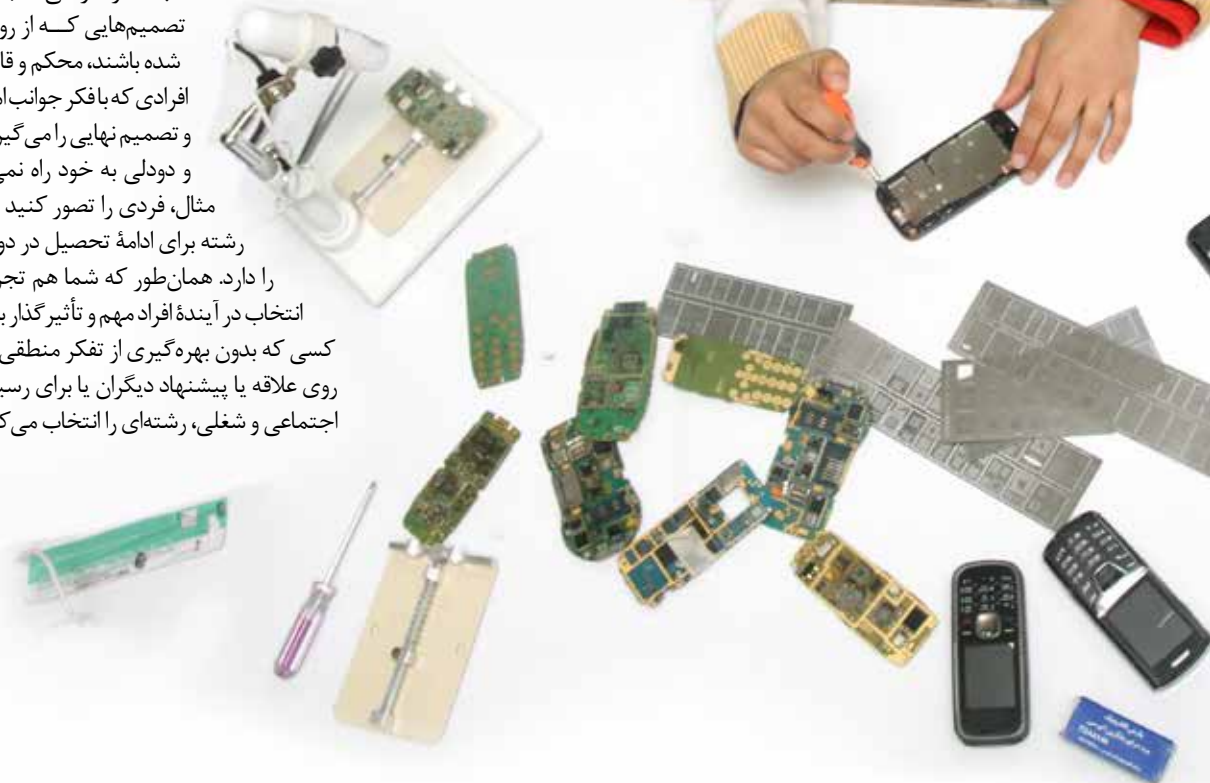
افرادی که تفکر منطقی ملکه ذهنشان شده باشد، در بزنگاه‌ها هم صرفاً احساسی یا با پیش‌داوری تصمیم نمی‌گیرند. این افراد نگاه بزرگ‌تر و بالاتری به مسائل دارند و لنز دوربینشان وسعت بیشتری از مسئله را نشان می‌دهد. فقط به همان لحظه نگاه نمی‌کنند و آینده‌نگر هستند. عاقلانه عمل کردن این افراد به علت نگاه باز و اینکه عاقبت کارها را می‌سنجند، است.

تصمیم‌هایی که از روی منطقی گرفته شده باشند، محکم و قابل اتکا هستند و افرادی که با فکر جوانب امور را می‌سنجند و تصمیم نهایی را می‌گیرند، معمولاً شک و دودلی به خود راه نمی‌دهند. به‌عنوان مثال، فردی را تصور کنید که قصد انتخاب رشته برای ادامه تحصیل در دوره متوسطه دوم را دارد. همان‌طور که شما هم تجربه کرده‌اید، این انتخاب در آینده افراد مهم و تأثیرگذار به حساب می‌آید. کسی که بدون بهره‌گیری از تفکر منطقی و فقط از روی علاقه یا پیشنهاد دیگران یا برای رسیدن به موقعیتی اجتماعی و شغلی، رشته‌ای را انتخاب می‌کند، احتمال دارد

در آینده دچار تردید و شک در مورد مسیر انتخابی شود. باید منتظر بود اتفاقاتی مثل تغییر رشته و اتمام وقت، سردرگمی و بی‌انگیزگی به سراغ او بیایند و اثرات نامطلوبی در وضعیت آینده‌اش ایجاد کنند. چه بسیار افرادی که شغلشان کاملاً با رشته تحصیلی‌شان بی‌ارتباط است و چه بسیار افرادی که احساس نارضایتی از موقعیت شغلی‌شان در آن‌ها کاملاً قابل مشاهده است. اما اگر با بهره‌گیری از روش‌های تفکر منطقی و عقلانی، مجموعه‌ای از علاقه‌مندی‌ها، روحیه و نیازهای شخصیتی خود، وضعیت بازار کار، موقعیت خانواده و نظرات مشاوران را با دقت و حوصله تجزیه و تحلیل و در نهایت بهترین مسیر را انتخاب کنند، مصمم در مسیر خود قدم خواهند گذاشت و خواهند توانست طبق برنامه‌ریزی پیش بروند و به موفقیت دست یابند.

در مواقعی که اصلاً به چشم هم نمی‌آیند بتوانیم عاقلانه فکر کنیم و تصمیم بگیریم، نیاز دارد این روش‌ها را از قبل با خودمان تمرین کرده باشیم، طوری که در وجودمان نهادینه شود. اگر این‌طور شد، هر موقعیت کوچک و بزرگی هم که پیش بیاید، ما موفق خواهیم شد درست تصمیم بگیریم و درست برخورد کنیم. این دو موقعیت را فرض کنید:

۱. تصمیم‌گیری برای خرید گوشی تلفن همراه
  ۲. تصادف جزئی و اتفاقات پس از آن
- معمولاً تعداد افرادی که در موقعیت اول عاقلانه و با تجزیه و تحلیل تصمیم می‌گیرند، بیشتر از افرادی است که در موقعیت دوم عاقلانه عمل می‌کنند. شما برای خرید تلفن همراه، با توجه به اینکه قرار است هزینه به‌نسبت



# کارِ غذایی

در این شماره به سراغ یکی دیگر از هنرجهای فعال و خوش ذوق به نام خانم ریحانه هرویندی، هنرجوی رشته صنایع غذایی رفته‌ایم. ریحانه خانم علاقه زیادی به کارکردن و انجام فعالیتی مرتبط با رشته تحصیلی‌اش دارد. او بر این باور است که همه چیز را در کتاب‌ها ننوشته‌اند و درس‌های زیادی هست که باید در محیط کار یاد گرفت. از این رو ریحانه که هنرجوی رشته «صنایع غذایی» است، تصمیم گرفته است به دل این کار برود و مباحث نظری را بهتر یاد بگیرد تا از رشته و مهارت خود استفاده کند. پس ریحانه با این روحیه از دوره کارآموزی استقبال و سعی می‌کند فعالیتش به کارآموزی محدود نباشد و در دل کار بماند.

## فضای هنرستان را چطور توصیف می‌کنی؟

واقعیتش من با وجود حساسیت و تحقیقات مفصلی که درباره این رشته انجام داده بودم، باز هم چندان مایل نبودم وارد هنرستان شوم و این رشته را بخوانم. تنها دلیلی که باعث می‌شد خودم را راضی کنم این بود که همان‌طور که گفتم این رشته آینده شغلی خوبی داشت.

اما بعد از اینکه وارد هنرستان شدم و فضای آنجا را دیدم، بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم، چرا که برای فردی مثل من که عاشق فعالیت و کاربردی کردن دانش خود بود، هنرستان بهترین جایی بود که دیده بودم. ما مباحث نظری را سر کلاس‌ها یاد می‌گرفتیم و بعد باید در آزمایشگاه به شکل عملی آن‌ها را انجام می‌دادیم. تمام این مسائل برای من جذابیت داشتند. در واقع، هنرستان و دوره‌های کارآموزی آن باعث شد به این فکر بیفتم که در کنار تحصیل فعالیت خارج از مدرسه هم داشته باشم.

## این فعالیت خارج از مدرسه را چطور شروع کردی؟

من از قبل، شاید قبل‌تر از اینکه فکر رشته صنایع غذایی به سرم بزند، با یک شرکت آشنایی داشتم و از

## خودت را معرفی کن و برایمان بگو چطور شد این رشته را انتخاب کردی؟

خاطرم هست، در سال‌هایی که باید رشته تحصیلی‌مان را انتخاب می‌کردیم، اکثر بچه‌ها، یعنی شاید آماری قریب به هفتاد درصد از محصلان، به انتخاب رشته تجربی رغبت داشتند و راستش، من نوجوان هم از تصور خودم در قامت یک پزشک با آن روپوش سفید خوش حال می‌شدم و دوست داشتم تجربی را انتخاب کنم.

اما در آن سال اعلام کردند رشته تجربی به شدت اشباع شده است و طی جلسات و همایش‌های مشاوره‌ای که برای تسهیل انتخاب رشته ما طراحی می‌شد، اکثر مشاوران به بچه‌ها پیشنهاد می‌دادند وارد شاخه فنی و حرفه‌ای بشوند. من و مادرم هم با مشاور خصوصی خود جلسات متعددی صحبت کردیم. با تحقیقات زیاد، با رشته صنایع غذایی آشنا شدم.

اقوام و آشنایانی هم که در این رشته مشغول تحصیل بودند، مرا از آینده کاری آن آسوده خاطر کردند. حتی خیلی از کسانی که در این رشته تحصیل کرده بودند، به من گفتند این رشته صد برابر بیشتر از پزشکی با روحیه من سازگار است. از این رو من این رشته را انتخاب کردم.

بعد از اینکه وارد هنرستان  
شدم و فضای آنجا را دیدم،  
بسیار تحت تأثیر قرار  
گرفتم، چرا که برای فردی  
مثل من که عاشق فعالیت و  
کاربردی کردن دانش خود بود،  
هنرستان بهترین جایی بود  
که دیده بودم



در هر حال محیط جدید بود و کار سنگین! اما در  
عین حال جذابیت‌های خودش را هم داشت. برای  
کسی مثل من که همیشه می‌خواستم بهترین خود  
را ارائه بدهم و سعی می‌کردم خیلی خوب کار کنم،  
شیرین هم بود. شاید اگر علاقه‌ای در کار نبود، هرگز  
آنجا ماندگار نمی‌شدم. در واقع اگر علاقه نبود، نه  
من می‌توانستم و نه آن‌ها اجازه می‌دادند بمانم و به  
فعالیت ادامه بدهم. اما به هر حال توانستم با کمک  
کسانی که تجربه بیشتری داشتند پیشرفت کنم و  
ماندگار شوم.

### **👉 در این حرفه چه هدفی را دنبال**

**می‌کنی؟**

من رویای این را دارم که روزی بتوانم کارآفرین  
شوم. این شاید نهایت خواسته و هدفی است که برای  
خودم تعریف کرده‌ام! می‌دانم راه بسیار طولانی و  
قطعاً سختی برای رسیدن به این قله در پیش است.  
اما تصویری را که از خود کارآفرینم در ذهنم دارم،  
صدبرابر بیشتر از تصویر دختری با روپوش سفید  
پزشکی دوست دارم و امیدوارم به آنجا برسم.  
همه گام‌هایی که برمی‌دارم در این جهت است  
که به جایی برسم تا بتوانم محصولی جدید و سالم  
و کاربردی درست کنم و در حرفه خودم قدمی در  
جهت تسهیل زندگی مردم بردارم.

محصولاتش استفاده می‌کردم. می‌دانستم محصولات  
خوب و باکیفیتی دارند. اما نکته مهم‌تر این بود که ما  
در مدرسه درسی داشتیم به نام فرآورده‌های لبنی.  
در این درس باید آزمایش‌هایی صورت می‌گرفت  
تا هنرجویان بتوانند با فرایند آزمایش‌ها در صنعت  
لبنیات آشنایی پیدا کنند. در این درس نیز ما در  
هنرستان از محصولات همین کارخانه استفاده  
می‌کردیم. من هم که باید دوره کارآموزی خود را  
می‌گذراندم، به این کارخانه درخواست کارآموزی  
دادم. آن‌ها هم با نهایت لطف مرا پذیرفتند و این  
فرصت را به من دادند که در آنجا کارآموزی کنم.  
دوره‌ای سه‌ماهه را در آنجا گذراندم.

### **👉 چطور شد که در این حرفه ماندگار**

**شدی؟**

ماجرا این‌طور پیش رفت که بعد از سه ماه با  
روحیه و طرز کار من آشنا شدند و متوجه علاقه من  
به فعالیت در این زمینه شدند. مسئول فنی آنجا به  
چشم دیده بود که با چه دقت و علاقه‌ای کار می‌کنم.  
در واقع توانسته بودم در حرفه‌ای که در آن تحصیل  
می‌کردم، خودم را به اثبات برسانم.  
البته روزهای اول فعالیت در کارخانه سخت بود،  
چرا که وارد صنعت خاصی شده بودم و کارکردن در  
محیط‌های صنعتی هم سختی‌های خودش را دارد؛

در این صفحه می‌خواهیم یکی از چالش‌های مهم و جدی زندگی روزانه را بررسی کنیم؛ چالشی که احتمالاً یا خودمان یا اطرافیانمان گرفتار آن شده‌ایم و به موضوعی آسیب‌زا در زندگی‌مان تبدیل شده است!

این روزها فضای مجازی تقریباً به بخشی جدانشدنی از زندگی ما تبدیل شده است که خوشبختانه یا متأسفانه حساسی درگیر آن هستیم. جدا از همه بدی‌ها و خوبی‌هایی که این فضا دارد، یک نکته بسیار پربرخورد در شبکه‌های اجتماعی، محتواهای گوناگون با عنوان‌های جذاب و عجیب‌وغریب هستند که شاخک‌های ذهنی ما را حساس می‌کنند و سبب می‌شوند مطلب را دنبال کنیم.

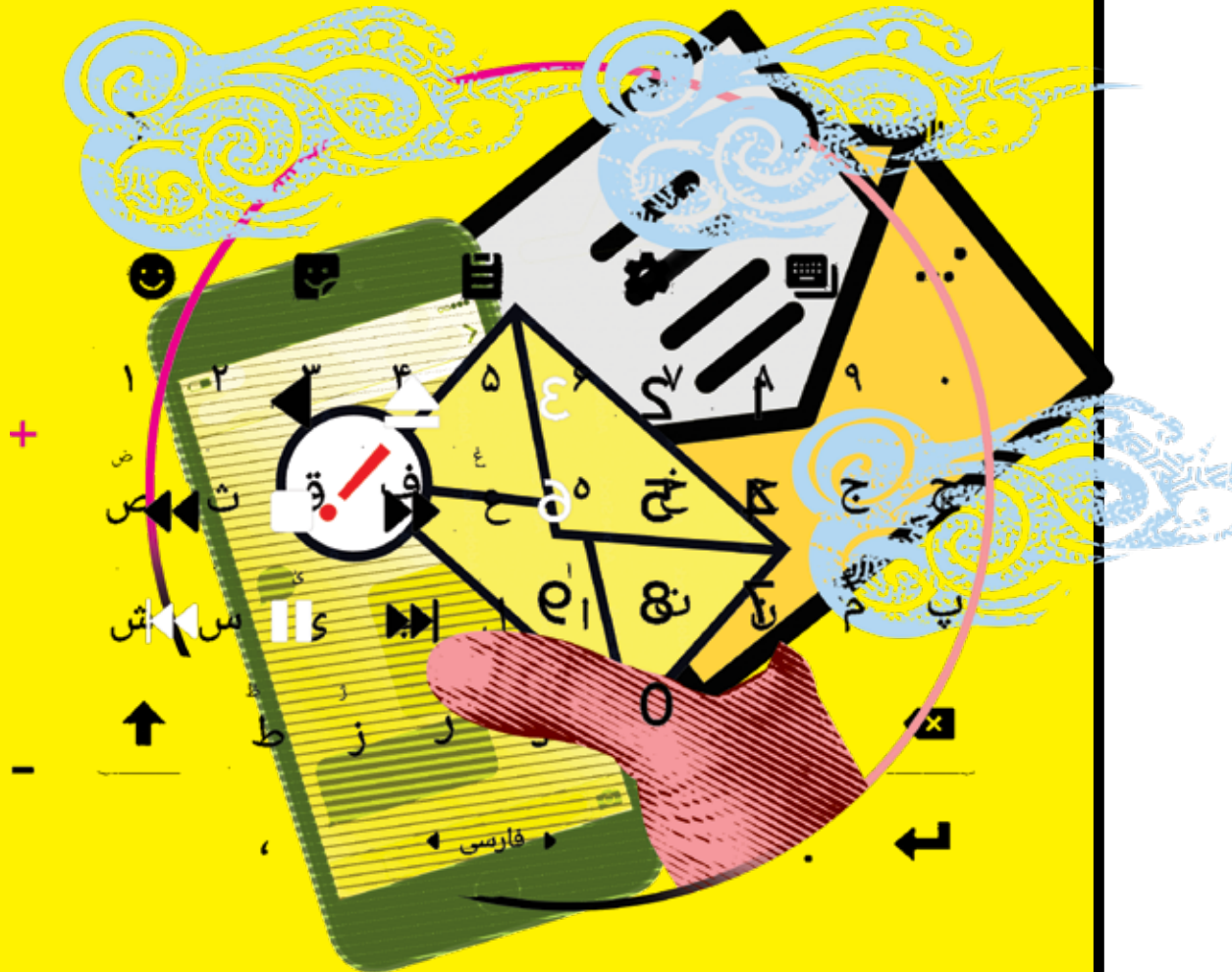
احتمالاً شنیده‌اید به محتوای رسانه‌های غیراستانداردی اعم از خبر، کتاب، فیلم و مستند که هدفش صرفاً جذب مخاطب از هر راه مستقیم و غیرمستقیمی باشد، «زرد» گفته می‌شود.

به این مثال‌ها که حتماً در رسانه‌های گوناگون با آن‌ها مواجه شده‌اید، دقت کنید:

به هر چیزی که دوست داری خواهی رسید؛

سفید ببینید، سیاه بخورید.

## رسانه زرد، بادنده عقل حرکت کن





بدون اینکه کاری کنی. فقط کافی است از بسته (پکیج)های ما استفاده کنی!

به چیزهای منفی فکر نکنید. برای مثبت شدن فقط روی این پیوند (لینک) تلیک (کلیک) کنید! با این روش، در یک ماه زبان انگلیسی را بهتر از زبان مادری صحبت می کنید!

موارد گفته شده نمونه‌هایی از محتواهایی زرد هستند. در ادامه می بینیم که رسانه زرد به طور دقیق چه مفهومی دارد؟ پیشینه آن چیست؟ چطور در فضای رسانه و فضای مجازی پیام‌های زرد را از پیام‌های سالم تشخیص دهیم؟

شاید بهتر باشد ابتدا با این سؤال شروع کنیم که اصلاً چرا زرد؟ چرا قرمز، سبز یا آبی را برای نسبت دادن به این پیام‌ها انتخاب کرده‌ایم؟

رسانه زرد نوعی سبک خبرنگاری محسوب می شود که دوران اوج آن به قرن نوزدهم میلادی برمی گردد. در سال ۱۸۹۰ سبک روزنامه‌نگاری دو روزنامه نیویورکی به گونه‌ای بود که معمولاً شاخ و برگ زیادی به اخبار می دادند و به اصطلاح پیازداغ هر ماجرای را زیاد می کردند تا بین عوام و خواص سر زبان‌ها بیفتند. درست مثل الان که برخی صفحه‌های اینستاگرامی و صفحات مجازی در شبکه‌های اجتماعی عنوان‌هایی مثل این‌ها می زنند: «خودکشی فلان فوتبالیست»؛ «پولدار شدن در شش ماه».

دو روزنامه نام برده هم در آن دوره به همین سبک خبرپراکنی می کردند تا دیده شوند و به شهرت برسند. کار به جایی رسید که حتی یکی از این دو روزنامه، مجموعه کتاب بسیار مشهوری را منتشر کرد با نام «بچه زرد». این کتاب از زندگی خصوصی افراد معروف صحبت کرد.

از همان وقت اصطلاح زرد روی این نوع سبک روزنامه‌نگاری باقی ماند و به سایر حوزه‌های رسانه هم تعمیم داده شد. بنابراین، امروز هم به محتوایی که اطلاعات نادرست و منحرف کننده‌ای منتشر می کند و صرفاً به دنبال دیده شدن و کسب منفعت شخصی است، زرد می گویند.

البته علت این نام گذاری، شباهت زیاد رسانه‌های زرد به تله چسبی<sup>۱</sup> حشرات هم هست! حشرات موذی مجذوب زیبایی ظاهری و رنگ زرد این تله‌ها می شوند و به خیال به آغوش کشیدن گل بابونه، روی آن می نشینند و البته در دام پهن شده گرفتار می شوند. رسانه‌های زرد هم مثل این تله‌های چسبی زرد رنگ، مخاطب ساده لوح خود را فریب می دهند و ذهن و فکرش را در گیر می کنند و حتی با طمع پول، سرمایه فرد را هم به یغما می برند.

شناسایی این رسانه‌ها غالباً کار سختی نیست،

چراکه تلاش می کنند جلب توجه کنند و مثل نور چراغ دست فروش‌ها، از صد فرسختی قابل تشخیص هستند؛ طوری که برای دیده شدن وارد حریم شخصی افراد می شوند و احساسات و هیجانات جامعه را با اخبار کاذب تحریک می کنند یا حتی جملات انگیزشی و استفاده از عنوان‌های وسوسه انگیز مخاطب را کنجکاو و به دنبال کردن خود تحریک می کنند.

البته مفهوم رسانه زرد این روزها کمی پیچیده تر شده است. شاید حتی کار دانشجوی نیم سال دوم روان شناسی که با استفاده از محتوای زرد و جذابیت‌های بصری تعداد زیادی دنبال کننده و مخاطب جمع کرده و بدون هیچ تخصصی توصیه‌های روان شناسی را، بدون آنکه به عواقب کارش فکر کند، در صفحه‌های شخصی خودش منتشر می کند هم زرد محسوب شود. یا فردی که بعد از چندبار هنوز در امتحان عملی رانندگی موفق نشده، ولی در رابطه با موفقیت در امتحان رانندگی کتاب می نویسد و دوره‌ها و بسته‌های چند میلیونی در رابطه با گرفتن گواهی نامه منتشر می کند و وقت، انرژی، سرمایه، سلامت جسم و روح مردم را تلف می کند، در واقع در حال ترویج محتوای زرد در جامعه است.

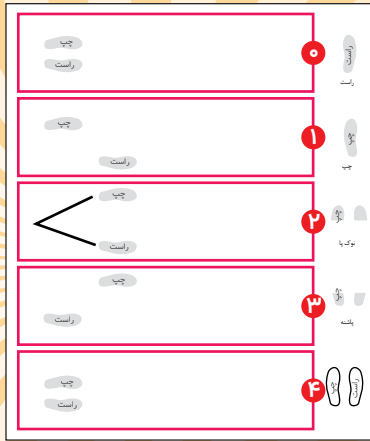
و البته متأسفانه کم نیستند افرادی که در دام چنین رسانه‌هایی افتاده و تحت تأثیر این رسانه‌ها و فضای مسموم آن‌ها، وقت، انرژی، سرمایه و حتی اعتماد خانواده و دوستانشان را هم از دست داده‌اند!

### اما برای اینکه به این زردی مبتلا نشویم، باید چه کار کنیم؟

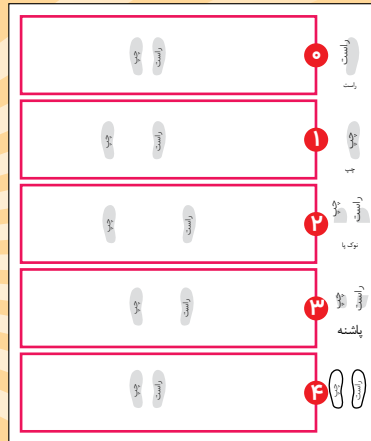
اولاً به یاد داشته باشیم، برای موفقیت و رسیدن به خواسته‌ها و آرزوهایمان، هیچ راه یک شبه و بدون زحمتی وجود ندارد و هیچ کس بدون تلاش و کوشش مداوم به موفقیت بادوام و پایداری نرسیده است و نخواهد رسید! کنجکاو و هیجانانگیزان را در فضای مجازی کنترل کنیم و به راحتی تحت تأثیر این رسانه‌ها و عنوان‌های اغواکننده آن‌ها قرار نگیریم. دقت کنیم که در دنبال کردن یک فرد باید به تخصص و تعهد و سابقه او نگاه کنیم، نه تعداد دنبال کنندگان صفحه اینستاگرامش! در نهایت، سواد و دانش خود را در فضای رسانه بالا ببریم تا به این نوع زردی مبتلا نشویم!

#### پی نوشت

۱. کارت‌های زرد رنگ آغشته به چسبی که برای به دام انداختن حشرات موذی به کار می روند.



تصویر ۲



تصویر ۱

# ورزش درمانی

دور می‌کنند.

تمرین‌های ورزشی «هوازی» (ایروبیک) علاوه بر چربی‌سوزی و ایجاد هماهنگی بین عصب و عضله، به سلامت جسم و شادابی روح بسیار کمک می‌کنند. چند نمونه از حرکات ساده هوازی را به شما نشان می‌دهیم:

برای شروع ایروبیک مربی با فرمان ۴،۳،۲،۱ شروع به انجام حرکات می‌کند. باید مشخص شود حرکت قرار است با کدام پا شروع شود؛ پای چپ یا پای راست؟

اکثر افراد مبتدی حرکات را با پای راست شروع می‌کنند تا بعد از به‌دست‌آوردن هماهنگی لازم، با پای چپ نیز حرکات را انجام دهند.

۱. حرکت اول: گام درجا! حرکت به‌صورت درجا و بدون جابه‌جایی است. با پای راست شروع به انجام حرکت می‌کنیم. طبق تصویر ۱، در شروع هر دو پا روی زمین قرار دارند.

چهار شماره:

- ۱) پای چپ روی زمین، پای راست بالا
- ۲) پای راست روی زمین، پای چپ بالا
- ۳) پای چپ روی زمین، پای راست بالا
- ۴) پای راست روی زمین، پای چپ بالا

۲. پا باز - باز، جمع - جمع: حرکت به صورت افقی انجام می‌شود؛ هر دو پا کنار هم. با برداشتن یک گام به پهلو، پای راست را از پای چپ دور می‌کنیم و در حرکت دوم، با پای چپ هم یک گام به پهلو برمی‌داریم (باز-باز). حالا در حرکتهای سوم و چهارم، به ترتیب اول پای راست و بعد پای چپ را سر جای خود برمی‌گردانیم (جمع - جمع).

۳. گام وی: حرکت به سمت جلو انجام می‌شود. در شروع حرکت، هر دو پا کنار هم قرار می‌گیرند و ما باید با برداشتن گام به جلو، حرف وی انگلیسی یا عدد ۷ فارسی را بنویسیم.

۱) حرکت پای راست به‌صورت باز به سمت جلو

افرادی که به‌طور منظم ورزش می‌کنند، در طول روز انرژی بیشتری احساس می‌کنند. شب‌ها بهتر می‌خوابند، خاطرات را شفاف‌تر و بهتر به یاد دارند و نسبت به زندگی خود احساس آرامش و خوش‌بینی بیشتری دارند و این دارویی قدرتمند برای بسیاری از مشکلات روحی و روانی رایج است.

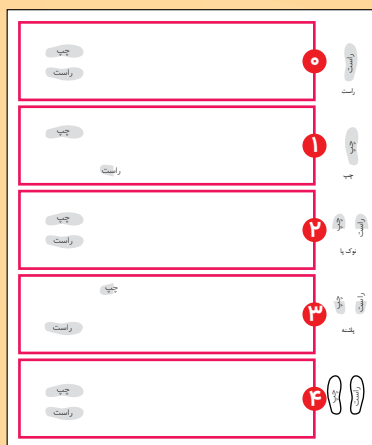
ورزش می‌تواند افسردگی خفیف تا متوسط را با همان قدرت داروهای ضدافسردگی درمان کند. حتماً شما هم وقتی دچار استرس و اضطراب می‌شوید، سردرد، بی‌خوابی، سوزش دل، سوزش معده، احساس گرفتگی و سختی در عضلات قفسه سینه، کوبنده‌شدن نبض و گرفتگی عضلات را تجربه کرده‌اید. ورزش کردن روشی مؤثر برای شکستن این چرخه است.

اگر در روز به مدت ۱۵ دقیقه بدوید یا یک ساعت پیاده‌روی کنید، می‌توانید از شر استرس و اضطراب و دردهای بعد از آن خلاص شوید. کار سختی هم نیست. کافی است برای رفتن به مدرسه کمی زودتر از خانه خارج شوید و پیاده به مدرسه بروید. یا اگر دوست داشتید، مسیر را بدوید. اگر دوچرخه دارید، با دوچرخه به مدرسه بروید. اگر هم با ماشین خودتان سر کار می‌روید، ماشینتان را کمی جلوتر پارک کنید و بقیه مسیر را پیاده ادامه دهید.

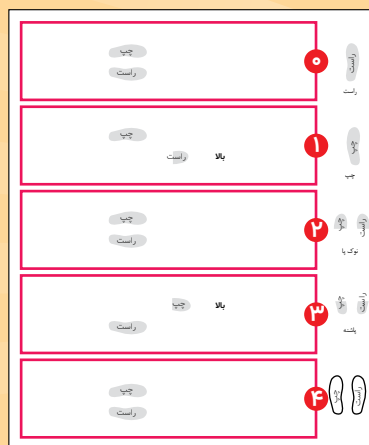
فعالیت بدنی با آزادکردن مواد شیمیایی اندورفین‌ها در مغز، به آرامش عضلات و تسکین تنش بدنی کمک می‌کند. به دلیل اینکه بدن و ذهن به هم نزدیک هستند، هنگامی که بدن احساس بهتری پیدا کند، ذهن نیز بهتر خواهد شد. همین اندورفین‌ها روحیه شما را تقویت می‌کنند و باعث داشتن احساس خوب می‌شوند.

ورزش می‌تواند به‌عنوان عامل پرت‌کننده حواس نیز عمل کند و به شما امکان بدهد آرامش داشته باشید و از چرخه افکار منفی که سبب آسیب روحی می‌شوند، خارج شوید.

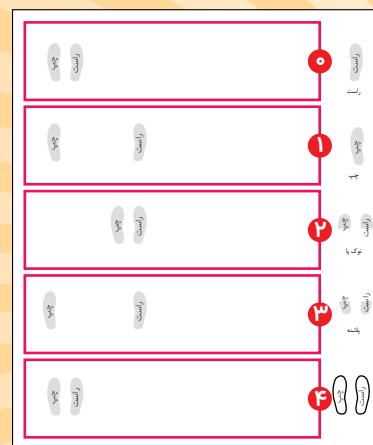
ورزش‌ها و حرکتهایی که با نظم خاصی و به‌صورت متوالی و پی‌درپی انجام می‌شوند، چون ذهن و افکار را بیشتر درگیر می‌کنند، هم هماهنگی عصب و عضله را تقویت و هم ذهن را آزاد و از افکار منفی



تصویر ۵



تصویر ۴



تصویر ۳



همه‌نگی، این‌دفعه حرکات را پشت سر هم انجام دهید و یک زنجیره درست کنید. به ترتیبی که خودتان دوست دارید عمل کنید. نمونه‌ای از زنجیره هشت‌گانه: شروع از سمت چپ

M	H	V	St	St	To	S-O	M
---	---	---	----	----	----	-----	---

حالا خودتان این دو حرکت را پیدا کنید:

۱. حرکت هشت فارسی که دقیقاً برعکس حرکت وی انگلیسی است.
۲. حرکت دبلیو (W)

پی‌نوشت‌ها:

1. march walk
2. step out-step in
3. step tuch
4. toe tuch
5. heel dig



۲. حرکت پای چپ به‌صورت باز به سمت جلو
۳. برگشت پای راست سر جای اول
۴. برگشت پای چپ سر جای اول

۴. گام پهلو: همان‌طور که از نامش پیداست، حرکت به سمت پهلو چپ یا راست انجام می‌شود. اگر شروع حرکت با پای راست باشد، به سمت پهلو راست حرکت می‌کنیم و اگر شروع حرکت با پای چپ باشد، به سمت پهلو چپ حرکت می‌کنیم. می‌توانیم هر دو را پشت سر هم انجام دهیم تا به هر طرف حرکت کرده باشیم. هر دو پا را کنار هم روی زمین قرار می‌دهیم. (۱) با پای راست یک گام به پهلو راست برمی‌داریم. (۲) با پای چپ یک گام به پهلو راست برمی‌داریم تا پا در کنار پای راست قرار گیرد؛ برگشت سر جای اول. (۳) پای راست یک گام به سمت پهلو چپ (۴) پای راست یک گام به سمت پهلو چپ

۵. پنجه به جلو: حرکت به سمت جلوست و در حین حرکت هم فقط پنجه‌های پاها با زمین تماس دارند. ۱. پنجه پای راست را یک گام جلوتر به زمین می‌زنیم. ۲. پنجه پای راست را سر جای خود برمی‌گردانیم. ۳. پنجه پای چپ را یک گام جلوتر به زمین می‌زنیم. ۴. پنجه پای چپ را سر جای خود برمی‌گردانیم.

۶. پاشنه به جلو: حرکت به سمت جلوست. در حین حرکت فقط پاشنه‌ها با زمین تماس پیدا می‌کنند؛ مثل حرکت قبل.

تمرین: برای بار اول تک‌تک این حرکات‌های ساده را تمرین کنید. بعد از تسلط بکوشید حرکت دست‌ها را نیز اضافه کنید (باز کردن دست‌ها به جلو یا پهلو) این همان همه‌نگی عصب‌عضله است. برای افزایش بیشتر

# اخبار گوش کن!

تا کلاحت پس معرکه نباشد

## اطلاعات باید در دسترس باشند

عواملی وجود دارند که اجازه نمی‌دهند اطلاعات گردش آزاد داشته باشند. البته این گردش اطلاعات باید صحیح باشد. مثلاً در هر کشوری اطلاعاتی هستند که محرمانه‌اند و برای حفظ امنیت کشور لازم‌اند. یا برای اینکه دشمنان از آن‌ها سوءاستفاده نکنند، باید طبقه‌بندی شوند. اما این اطلاعات استثنا هستند و مردم باید از سایر اطلاعات خبر داشته باشند. پس اول باید امکان دسترسی به اطلاعات فراهم باشد.

## تحلیل کنید

اطلاعات را برای تزئین که نمی‌خواهیم. باید بتوانید از انبوه اطلاعاتی که امروزه از جاهای گوناگون مثل رسانه‌ها یا جاهای دیگر به دست می‌آوردید، استفاده کنید. این استفاده این‌طور است که اطلاعات را تجزیه و تحلیل می‌کنید و نتایجی از آن‌ها به دست می‌آوردید که این نتایج و علامت‌هایی که از آن تحلیل به دست می‌آوردید، می‌تواند به شما کمک کند و انگیزه‌بخش کارها باشد.

## همه برای یک چیز!

در مجموعه‌هایی مثل شرکت، کارخانه و تولیدی کوچک و بزرگ ممکن است افراد انگیزه‌های متفاوتی داشته باشند. این خیلی مهم است که بتوان این انگیزه‌ها را با یکدیگر هم‌جهت کرد. یعنی مثلاً انگیزه‌های کارگر و کارفرما در انجام کار و پروژه یکی و هم‌جهت باشند. این‌طور اگر بشود، مجموعه با سرعت و کیفیت بیشتری حرکت می‌کند.

## نظارت مهم است

باید ناظر بیرونی و ناظم بیرونی وجود داشته باشند. در شرط‌هایی که خدا در قرآن مثلاً در سوره بقره برای معامله در نظر گرفته، یکی این است که برای معامله شاهد هم وجود داشته باشد. علاوه بر اینکه به رعایت حال یکدیگر هم توصیه کرده، اما هم‌زمان شاهد هم خواسته است.

انسان همواره در پی کسب اطلاعات است، زیرا اطلاعات می‌تواند محرک انسان به سوی انجام‌دادن یا ندادن کاری باشد. در اقتصاد، داشتن اطلاعات می‌تواند تنظیم‌کننده رفتار اقتصادی فرد باشد. پس اهمیت دارد. از سوی دیگر، پاداش‌ها و جریمه‌ها نیز از عوامل انگیزش‌بخش مثبت یا منفی هستند که در بخش‌های گوناگون زندگی وجود دارند. اطلاعات گذشته و آینده در اقتصاد می‌توانند دقیقاً نشان‌ها و علامت‌هایی از نوع پاداش و جریمه در آینده داشته باشند که بر رفتار اقتصادی ما اثر گذارند. پس داشتن اطلاعات و تعریف عوامل انگیزشی در کار خیلی مهم است.

## دو نکته کلی درباره اطلاعات در اقتصاد و تجارت

اول اینکه لازم است دو طرف معامله به صورت عادلانه از اطلاعات خبر داشته باشند. مثلاً اگر خریدار زمینی از اینکه در آینده جاده‌ای از کنار آن خواهد گذشت خبر داشته باشد، اما فروشنده اطلاع نداشته باشد، یا اینکه در راتبه (بورس)، خریدار سهام از حمایت خاص و رونق آینده سهم خبر داشته باشد، اما فروشنده اطلاع نداشته باشد این معاملات از نظر اسلام درست نیستند.

نکته دوم هم آنکه در معامله باید همه چیز شفاف باشد و نقطه مبهمی وجود نداشته باشد، چون این نوع معاملات در جامعه مسلمان ناراضی‌تبار ایجاد می‌کند. پس اگر فروشنده چیزی شکی نداشته باشد، نباید عیب محصولات را به خریدار نگوید. نقل است که به همین علت پیامبر اکرم (ص) فروش پارچه در سایه را منع کرده بودند.

منبع: کتاب الگوی پیشنهادی اسلامی-ایرانی تربیت اقتصادی

### تولید اطلاعات

یک

جاهایی هستند که کارشان باعث می‌شود اطلاعاتی به وجود بیاید. مجموعه‌هایی اجتماعی وجود دارند که مثلاً این کارها را می‌کنند. خوب است آن‌ها را بشناسید. یکی از آن‌ها شرکت‌های تعیین اعتبار هستند و دیگری حسابرس‌های «راتبه» (بورس). این‌ها شرکت‌ها را بررسی می‌کنند و گزارش می‌دهند آیا می‌توانند منابع خوبی برای دستیابی به بعضی اطلاعات باشند.

### استفاده غیرمجاز از اطلاعات ممنوع

اینکه

بعضی‌ها در جایگاه‌ها و موقعیت‌هایی هستند که باعث می‌شود به اطلاعات خاصی دسترسی داشته باشند، نباید باعث سوءاستفاده آن‌ها از آن اطلاعات بشود، یا حق ویژه‌ای برای خودشان در نظر بگیرند. به این می‌گویند سوءاستفاده (رانت) اطلاعاتی. مثلاً اعضای شورای شهر از اینکه قرار است جاده‌ای افتتاح شود اطلاع دارند. حالا اگر بروند و زمینی را کنار آن با قیمت پایین بخرند، در صورتی که فروشنده از این موضوع اطلاع نداشته باشد، درست نیست.

### قیمت‌ها چه کاره‌اند؟

قیمت‌ها

از عوامل مهم علامت‌دهی هستند. بالا و پایین شدنشان نسبت به قیمت تعادلی (قیمتی که عرضه و تقاضای متعادل یک جنس را نشان می‌دهد)، نسبت به توالی و مصرف و وضعیت آن اطلاع می‌دهد. حالا اگر مدام در این قیمت‌ها دستکاری شود و قیمت واقعی متناسب با عرضه و تقاضای واقعی نباشد چه؟ معلوم است که قیمت‌ها علامت‌دهی‌های خودشان را از دست می‌دهند و به مردم اطلاعات اشتباه می‌دهند. خود این بر عوامل انگیزشی و تولید مصرف اثر بد می‌گذارد.

اطلاعات و عوامل انگیزشی دو عنصر مهم در اقتصاد هستند. اسلام هم دستورات کاملی در این زمینه دارد. رعایت این نکات و شناخت بیشتر آن‌ها می‌تواند در تصمیم‌گیری کمک کند.

# چرخیدن در مدار مشتری

در کسب‌وکارهای شما، چیزی که از همه بیشتر مورد توجه خواهد بود و میزان موفق شدن یا موفق نشدن شما را در کسب‌وکار نشان می‌دهد، میزان فروش شماست. یعنی در نهایت اینکه چقدر موفق شدید محصول با کیفیت به مشتری‌تان بفروشید، تعیین‌کننده است و سایر دستاوردها در درجه دوم اهمیت قرار دارند.

شما باید مشتری‌مدار خوبی باشید. چون این مشتری است که فروش و حتی تبلیغ شما را انجام می‌دهد. پس باید ایجاد ارتباط مؤثر با مشتری و روش‌های آن را به خوبی فرا بگیرید. زمانی که مشتری به شما مراجعه می‌کند، نکاتی وجود دارند که شما بتوانید محصول خودتان را به او بفروشید و با ارتباط مؤثر برقرار کنید تا به اصطلاح مشتری شود. پس این مهارت را جدی بگیرید، چون در کسب‌وکارها، از یک جایی به بعد، دیگر فقط شما هستید و مشتری. اینکه او را چقدر راضی کنید و چقدر قانع شود، دست خودتان را می‌بوسد. چه مشتری از شما خرید کند چه خرید نکند.

یکی از روش‌های ارتباط مؤثر با مشتری، ایجاد ارتباط شخصی‌سازی شده است. یعنی چه؟ یعنی شما نباید برای همه مشتری‌هایتان از یک روش واحد استفاده کنید و همه را در یک گروه قرار دهید. ارتباط‌های شما با مشتری‌تان باید مختص خودش باشد.

مثلاً اگر در سامانه پیامکی که برای مشتریانتان دارید، می‌خواهید پیامی برای آن‌ها ارسال کنید، پیام شما برای

مشتریان وفادار و همیشگی، با پیامتان برای مشتری جدید تا حتی مشتری کهنه‌کار باید تفاوت داشته باشد؛ چه از نظر لحن و ادبیات و چه از نظر محتوای پیام. بگذارید مشتری احساس خاص بودن داشته باشد. مشتری از اینکه شما او را ویژه می‌بینید، حس خوشایندی خواهد داشت. رسیدن به این شرایط نیاز دارد که شما بانکی اطلاعاتی از مشتریانتان داشته باشید که در آینده بسیار کمک‌کننده خواهد بود.

مثلاً می‌توانید از رایانامه‌هایی با محتوای شخصی برای مخاطبتان استفاده کنید. یا مثلاً در وبگاه اینترنتی خودتان پیشنهادهای خریدی به او بدهید که بر اساس اطلاعات

می‌دانید بیشتر به دنبال آن محصولات است. مثال این کار را در فروشگاه‌های اینترنتی بزرگ می‌توانید ببینید. یا اصلاً مشتری‌تان را با نام بشناسید و او را صدا کنید!

به‌طور کلی، تجربه‌های شخصی ارتباط با مشتری در شرکت‌های بزرگ دنیا در حال انجام است. یکی از شرکت‌های معروف صنایع غذایی مدت‌هاست امکانی فراهم کرده که محصولاتش را با نام مشتری به دستش برساند و برجسب روی

تولد یا اختصاص کد تخفیف به مشتری، ارتباط خوبی برقرار کنید. روش سفارش محصول از طریق پیامک، الان دیگر فراوان شده و نباید این فرصت را از دست داد.

**۳. ارتباط و خرید از وبگاه و برنامه‌های تلفن همراه:** ایجاد وبگاه برای کسب‌وکاران بسیار ضروری است. الان دیگر کمتر کسب‌وکاری هست که احساس نیاز به داشتن صفحه اینترنتی و فروش و ارتباط با مشتری از این طریق را احساس نکند. به‌تازگی، برنامه‌های تلفن همراه متصل به وبگاه نیز خودشان را به این مجموعه اضافه کرده‌اند. در مجموعه مطالب مرتبط با تجارت الکترونیک، به‌طور کامل شما را راهنمایی خواهیم کرد که چطور این کار و کارهای مشابه را انجام دهید. پشتیبانی ۲۴ ساعته را می‌توانید در وبگاهتان فعال کنید.

**۴. ارتباط و خرید از طریق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی:** فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی عضو مؤثر بدون چون و چرای کسب‌وکارها شده‌اند. به‌خصوص در دوران کرونا این کسب‌وکارها رونق بیشتری پیدا کردند و قدرت این فضا برای توسعه کسب‌وکارها بیشتر هم شد. این فضا را از دست



محصول با نام مشتری روی آن حک شده باشد.

روش دیگر این است که همیشه و در همه‌جا در دسترس باشید و با مشتری ارتباط برقرار کنید. بگذارید راه‌های ارتباطی را نام ببریم:

**۱. ارتباط و خرید تلفنی:** یکی از قدیمی‌ترین روش‌ها و در عین حال روش ارتباط‌گیری مؤثر است که می‌توانید با مشتری به‌صورت اختصاصی مکالمه کنید. به نیازهای او پاسخ دهید و راهنمایی‌اش کنید. مشتری می‌تواند از طریق سفارش تلفنی محصول شما را بخرد. بین خودمان باشد، اتفاقاً در این دوره و زمانه، اگر از یک کسب‌وکار با شما تماس بگیرند و اختصاصی مکالمه کنند، خیلی بیشتر اثرگذار است، چون امروزه این کار کمیاب شده است. تلفن گویا هم از روش‌های پشتیبانی ۲۴ ساعته از مشتری است.

**۲. ارتباط و خرید پیامکی:** می‌توانید از این طریق از مشتری نظرسنجی کنید و با او ارتباط برقرار کنید. به او پیامک بدهید و از طریق پیام‌های شخصی‌سازی‌شده، مثلاً تبریک روز

ندهید. خیلی‌ها از این طریق خرید می‌کنند. همچنان که در این فضا و از طریق ربات‌ها می‌توانید امکان ایجاد ارتباط ۲۴ ساعته و ۷ روز هفته را به مشتری بدهید.

**۵. ارتباط و خرید حضوری:** هرچقدر هم که فضا مجازی شود یا اینترنتی، باز هم خرید و مراجعه حضوری جایگاهش را از دست نمی‌دهد. فکری برای ارتباط رودررو و حضوری با مشتری‌تان داشته باشید.

**۶. ارتباط از طریق رایانامه:** تقریباً چهار میلیارد حساب کاربری از طریق رایانامه وجود دارد. این یعنی یک روش بسیار کم‌هزینه، شخصی و در دسترس برای ارتباط با مشتری. هیچ فضا و هیچ راهی را از دست ندهید. اینکه شما در همه‌جا در دسترس باشید و هیچ فرصت و امکانی را برای خرید و ارتباط با مشتری از دست ندهید، احساس اصالت کار را به او القا می‌کند و شما می‌توانید به‌صورت مداوم در کنار مشتری باشید. این یکی از جدی‌ترین روش‌هایی است که مشتری، مشتری شود!



# هنر نزد ایرانیان است و بس...

## 🗨️ لطفاً خودتان را برای مخاطبان مجله رشد معرفی کنید:

**زهره تقیان** هستم؛ هنرجوی پایه یازدهم رشته نقاشی. **ریحانه غنی زاده** هستم؛ هنرجوی پایه دوازدهم رشته نقاشی.

## 🗨️ دلیل شما برای ادامه تحصیل در هنرستان چه بود؟

**خانم تقیان:** با وجود اینکه خانواده من اصرار داشتند در رشته تجربی ادامه تحصیل بدهم، به دلیل علاقه زیادی که از کودکی به نقاشی و کارهای هنری داشتم، به هنرستان آدم و رشته نقاشی را انتخاب کردم. البته خانواده من هم وقتی استعداد من را دیدند، راضی شدند در این رشته درس بخوانم.  
**خانم غنی زاده:** من از کودکی به نقاشی علاقه زیادی داشتم و کلاس‌های متعدد نقاشی هم می‌رفتم. برای همین این رشته را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم.

## 🗨️ خانم تقیان، خیلی مختصر رشته نقاشی را برای مخاطبان مجله معرفی کنید.

خیلی‌ها رشته نقاشی را با رشته گرافیک اشتباه می‌گیرند. رشته گرافیک بیشتر طراحی‌های هنرمند است، ولی رشته نقاشی بیشتر با الهام گرفتن از طبیعت و تخیل نقاش سر و کار دارد. در رشته نقاشی از ابزار طراحی مثل مدادرنگی، پاستیل گچی و آبرنگ استفاده می‌کنیم. البته این را هم بگویم، رشته‌هایی مثل نقاشی رشته‌های پرهزینه‌ای هستند. البته بیشتر این هزینه‌ها برای سال اول هستند، چون در سال اول باید وسایل متعددی تهیه کنیم، ولی در ادامه دیگر خرج چندانی ندارد. زیرا از همین وسایل استفاده می‌کنیم.

## 🗨️ لطفاً درباره روند طراحی اثر خودتان توضیح مختصری بدهید.

**تقیان:** اثر من مربوط می‌شود به شب یلدا. طراحی این اثر

خیلی‌ها می‌گویند هنر تعریف واحدی ندارد. ولی راستش را بخواهید، فکر می‌کنم هنر جوشش عواطف هنرمند است و هنرمند فردی است که می‌تواند زیبایی‌های طبیعت را به بهترین وجه به عرصه نمایش بگذارد. فیلسوفان هنر را به حوزه‌های متنوعی تقسیم کرده‌اند؛ حوزه‌هایی از قبیل هنرهای تجسمی، هنرهای نمایشی، هنر سینما، هنر ادبیات و هنر موسیقی. از آنجا که هنر با طبیعت و فطرت فرد عجین می‌شود و اساساً نوعی آرامش روحی و روانی را در انسان حاکم می‌کند، بنا داریم در هر شماره مجله شما را با حوزه‌های متنوع هنر آشنا کنیم؛ چه بسا بتوانید علاقه و استعداد خود را در حوزه هنر پیدا کنید و در آن به موفقیت دست یابید.  
در این شماره به سراغ یکی از زیباترین حوزه‌های هنر، یعنی هنرهای تجسمی می‌رویم. هنرهای تجسمی به آن دسته از هنر گویند که بر حس بینایی مخاطب مبتنی است. این هنر گستره بسیار زیادی دارد. برای مثال نقاشی، مجسمه‌سازی، چاپ دستی، عکاسی، گرافیک، معماری و طراحی داخلی مثال‌هایی از هنرهای تجسمی هستند که خوشبختانه در هنرستان‌های کشورمان رشته‌های مرتبط با این حوزه ارائه شده‌اند.

از نظر بازار کار، هنرهای تجسمی از درآمدزاترین رشته‌های هنری هستند. برای مثال در رشته گرافیک ما به طراحی اعلان (پوستر)، نشان تجاری (آرم) و بسته‌بندی می‌پردازیم یا در رشته معماری داخلی طراحی فضای داخلی ساختمان‌ها را انجام می‌دهیم. در رشته‌های مجسمه‌سازی، نقاشی و عکاسی نیز اوضاع به همین منوال است. هر کدام از این حرفه‌ها در جای خود می‌تواند درآمد چشمگیری برای صاحبش داشته باشد.

باخبر شدیم هنرستان دخترانه هنرهای زیبای استان یزد نمایشگاهی از آثار هنری هنرجویانش برپا کرده است. این هنرستان سه رشته گرافیک، نقاشی و پویانمایی را پوشش می‌دهد. از آن نظر که این رشته‌ها مستقیم و غیرمستقیم به حوزه هنرهای تجسمی مربوط می‌شوند، تصمیم گرفتیم

به سراغ چند هنرجوی این هنرستان برویم تا ضمن نمایش آثار آن‌ها، شما را ب بخشی از دست‌سازه‌های این هنر آشنا کنیم.





قطعاً موفق به کسب درآمد می‌شویم. من هم تا الان چندتا از تابلوهایم را فروخته‌ام، ولی هنوز به‌صورت حرفه‌ای وارد بحث فروش نشده‌ام.

### **📌 برای دانش‌آموزانی که امسال باید انتخاب رشته کنند چه توصیه‌ای دارید؟ آیا ورود به رشته‌های هنری را توصیه می‌کنید؟**

**نظر هر دو هنرجو:** برای ورود به رشته‌های هنری علاقه شرط اول است. اگر به هنر علاقه دارند، حتماً این رشته‌ها را انتخاب کنند، چون رشته‌های هنری شاد و پویا هستند. مطمئن باشند موفق می‌شوند.

### **📌 اگر به گذشته برگردید، باز هم هنرستان و این رشته را برای ادامه تحصیل انتخاب می‌کنید؟**

**تقیان:** قطعاً می‌آیم هنرستان و همین رشته را انتخاب می‌کنم، چون همان‌طور که گفتم، هم علاقه زیادی به این رشته دارم و هم رشته شاد و متنوعی است. حتی درس‌های نظری ما هم تنوع دارند.  
**غنی‌زاده:** بله. قطعاً.  
خیلی ممنون که وقت گذاشتید و به سؤالات ما جواب دادید. امیدوارم در تمام مراحل زندگی موفق باشید.

**📌 ضمن تشکر از همکاران هنرستان دخترانه هنرهای زیبای استان یزد، به دلیل محدودیت صفحات مجله، ناچار شدیم فقط سه اثر از آثار زیبای هنرجویان این هنرستان را معرفی کنیم. شما می‌توانید فیلم و گزارش بقیه آثار شامل طراحی خطوط، نشان‌واره (لوگو)، اعلان (پوستر)، بسته‌بندی و عکاسی را با اسکن رمزبند پاسخ سریع (کی‌وآرکد) همین صفحه مشاهده کنید. لازم به ذکر است، تمام آثار نمونه‌ای از حوزه هنرهای تجسمی هستند.**

تقریباً یک هفته طول کشید. از تکنیک مدادرنگی (یعنی طراحی با مدادرنگی) استفاده کرده‌ام. ابتدا یک طرح ساده از شکل می‌کشیم و بعد از رنگ‌های کم‌رنگ شروع می‌کنیم و با چندین لایه رنگ طرح را به این صورت در می‌آوریم.

**غنی‌زاده:** من به‌صورت تخصصی سیاه‌قلم کار می‌کنم. در طراحی این نقاشی هم سیاه‌قلم به کار رفته است. به این سبک کار در طراحی سبک واقع‌گرایی (هایپررئال) می‌گویند. در سبک واقع‌گرا تمام جزئیات تصویر باید به‌صورت دقیق طراحی شود. برای همین هم طراحی این نقاشی یک ماه طول کشید.

### **📌 برنامه شما برای آینده شغلی و تحصیلی تان چیست؟**

**تقیان:** دوست دارم در آینده همین رشته را ادامه بدهم و بعد از کسب مهارت‌های لازم، برای خودم سبکی داشته باشم. در نهایت هم نمایشگاه آثار هنری خودم را برپا کنم.  
**غنی‌زاده:** زمانی که وارد رشته نقاشی و هنرستان شدم، با رشته طراحی و دوخت هم آشنا شدم. برای ادامه تحصیل می‌خواهم رشته طراحی و دوخت را انتخاب و در آینده هم در حیطه طراحی لباس فعالیت کنم. البته از اینکه آموزشگاه نقاشی هم بزنم بدم نمی‌آید.

### **📌 نقاشی و طراحی دوخت زیاد باهم تفاوت ندارند؟**

به نظر من نقاشی مادر تمام رشته‌های هنری است. تقریباً برای ورود به هر رشته هنری باید طراحی و رنگ‌شناسی بلد باشیم. در رشته نقاشی تمام این موارد را یاد می‌گیریم.

### **📌 آیا تا به حال از هنر خود درآمدی هم کسب کرده‌اید؟**

**تقیان:** بله. من طراحی چهره و سیاه‌قلم انجام می‌دم و آثارم را از طریق شبکه‌های مجازی به فروش می‌رسانم. البته مدتی است به دلیل حجم بالای درس‌ها دیگر کار نمی‌کنم.  
**غنی‌زاده:** اگر در هر کاری پشتکار و خلاقیت داشته باشیم،



ریحانه غنی‌زاده / تکنیک: سیاه قلم



زهرا تقیان / تکنیک: مداد رنگی / طرح یلدا



ملیکا جاوید / تکنیک: ترکیب مواد



هنرجویان هنرستان شهید ترابی نژاد شهر مشهد، در جشنواره محصولات تولیدی هنرستانها محصولاتمانند گلاب، عرقهای گیاهی، روغن کنجد و گیاهان آپارتمانی تولید کردهاند.



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
مقراتشارت و فناوری آموزشی



## فراخوان دوازدهمین جشنواره ملی دوسالانه عکس و تصویرگری رشتاد

موضوعات جشنواره در گروه‌های سنی:

الف) هنرمندان بزرگسال:

۱. مدرسه، خانه دوم

محورها:

الف) موقعیت‌های متنوع تربیتی (مناسبت‌ها، مراسم، اردوها و جشن‌ها)؛  
ب) اتفاقات و رخداد‌های جالب مدرسه

۲. نهاد خانواده

محورها:

الف) مدرسه و خانواده؛ ب) مسجد و خانواده؛ ج) مدرسه، مسجد و خانواده.

۳. کتاب درسی

محورها:

بازآفرینی تصویری: الف) قصه‌ها، شعرها و...؛ ب) فعالیت‌های علمی؛  
ج) سرزمین پرگهر ایران (بناهای تاریخی، مناسبت‌های ملی و دینی،  
محیط زیست، حیات وحش، طبیعت، آیین‌های قومی و منطقه‌ای و...).  
نکته: رویکرد جشنواره، استفاده مناسب از آثار برگزیده در تکمیل  
بسته‌های تربیت و یادگیری وزارت آموزش و پرورش است.

۴. بخش جنبی

۱. شعر سال (تولید؛ دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین).

۲. مهدویت.

ب) هنرمندان دانش‌آموز:

۱. آزاد

۲. کتاب‌های درسی. تمام موضوعات و رخدادها در همه گونه (ژانر)‌های

عکاسی و تصویرسازی که مستقیم یا غیرمستقیم با کتاب‌های درسی ارتباط  
داشته باشند.

نشانی دبیرخانه جشنواره

تهران، خیابان انقلاب، خیابان بهار، خیابان سمنان، پلاک ۸  
برای کسب اطلاعات بیشتر به وبگاه جشنواره به نشانی  
[www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) مراجعه کنید یا با شماره  
۷۷۶۰۶۸۵۸ تماس بگیرید.



با پوشش رمزینده مقابل اطلاعات  
مربوط به مقررات را دریافت کنید.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از عکاسان و  
تصویرگران سراسر کشور برای شرکت در دوازدهمین جشنواره  
ملی دوسالانه عکس و تصویرگری رشد دعوت به عمل می‌آورد.  
این جشنواره از تصویرگران و عکاسان محترم دعوت می‌کند  
با نگاه خلاقانه خود، بر اساس موضوعات جشنواره، لحظاتی  
به یادماندنی و تأمل برانگیز را به تصویر بکشند و با هنر خویش  
دریچه‌ای نو به روی مخاطبان بکشایند. نگرش اندیشمندانه و آثار  
هنرمندانه شما غنابخش جشنواره خواهد بود.

محورهای برشمرده این دوره از جشنواره، بر فضاسازی  
مدرسه‌های امروزی، روش‌های نوین آموزشی و نیازهای  
تصویری مجلات رشد، کتاب‌های درسی و عموم منابع آموزشی  
و تربیتی تمرکز ویژه دارند. عکاسان و تصویرگران می‌توانند در  
دو گروه سنی در این جشنواره شرکت کنند:

۱. هنرمندان بزرگسال: الف) عکاسان و تصویرگران حرفه‌ای؛ ب) معلمان و مربیان.  
۲. هنرمندان دانش‌آموز: دانش‌آموزان ۱۳ تا ۱۸ ساله.

تبصره: معلمان و مربیانی که در سمت‌های اداری آموزش و  
پرورش هستند، مشمول گروه ۱ (ب) می‌شوند.